

فارسی ۳

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی درس ۱۰: فصل شکوفایی واژگان

۱. معانی واژه «داعیه» را در ابیات زیر بنویسید.
- سخت ۱۳۹۸
- الف) اختیار و داعیه در نفس بود
روش (صورت) دید آنگه پر و بالی گشود
ب) صد ساله ره است راه وصلت
با داعیه تو نیم گام است
ج) داعیه شوق نیست رفتن و باز آمدن
قاعده مهر نیست بستن و بگسیختن
- پاسخ: گزینه الف ← داعیه به معنی «خواستنه و خواهش» آمده است.
گزینه ب ← داعیه در معنای «آرزو و انگیزه» آمده است.
گزینه ج ← در معنای «علت و سبب» بیان شده است.
۲. معانی «برگ» را در ابیات زیر بنویسید.
- سخت ۱۳۹۸
- پاسخ:
- الف) جوانی و پیری به نزدیک مرگ / یکی دان چو اندر بدن نیست برگ
پاسخ: برگ در معنای توشه و تاب و توان آمده است.
- ب) نخواهم ز بیخ سیاوش درخت / نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت
پاسخ: برگ درختان منظور است.
- پ) چون شدی محروم صائب از گل شب‌بوی فیض / برگ عیشی در گریبان ریز و از بستان صبح
پاسخ: برگ در معنای زاد و توشه است.

آرایه‌های ادبی

سخته ۱۳۹۸

۳. در کدام گزینه‌ها، استعاره به کار رفته است؟ معنی استعاری آنها را بنویسید.

 ۱- چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

 ۲- با این نسیم سحرخیز، اگر جان سپردیم
در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

 ۳- این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی‌ها
برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و توست
پاسخ: گزینه اول ← دریا ← استعاره از جهان دیگر
گزینه دوم ← نسیم سحرخیز ← استعاره از نسیم انقلاب اسلامی
باغ ← استعاره از دنیا
گل ← استعاره از خوبی‌ها

سخته ۱۳۹۸

۴. شعر زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

 ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه! / من گل به دستت می‌دهم من آب و دانه
می‌کارمت در چشم‌ها گل نقش امید / می‌بارمت بر دیده‌ها باران خورشید

پاسخ: ۱) تشخیص ← مرغ غمین / گل به دست مرغ دادن

۲) تشبیه (۱) گل ← نقش امید/ باران ← خورشید

۳) تناسب ← مرغ و آشیانه / آب و دانه / گل و کاشتن / مرغ و دانه / باران و باریدن

۴) کنایه ← کاشتن امید در چشم ← امیدوار کردن / باریدن خورشید به چشم ← روشنی چشم و خوشحالی

۵) استعاره ← مرغ غمین در آشیانه ← استعاره از ایرانیان اندوهگین و رنج‌دیده از حکومت

۶) گل ← نماد شادی و سلامتی / آب و دانه ← نماد زندگی

۵. آرایه‌های ادبی بیت زیر را بیابید و بنویسید.

 «غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران
صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو»

سخته ۱۴۰۳

پاسخ: تکرار صامت «غ»؛ واج آرایی / غرق غبار و غربت بودن کنایه از گرفتاری و تنهایی / باران نماد آزادی / جویبار نماد رهایی و حرکت / در انتظار بودن جویبار: استعاره (تشخیص) / تقابل «غبار» با «باران»؛ تضاد

قرابت معنایی

۶. کدام بیت با بیت: «ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک» مفهوم مشترکی دارد؟

سخت ۱۳۹۸

- الف) اگر نیک باشی بماند نام
به تخت کی ای بر بوی شادکام
ب) به نیکی بود شاه را دسترس
به بد روز گیتی نجسته است کس
ج) به تدبیر دستور دانشورش
به نیکی بشد نام در کشورش

پاسخ: گزینه (اول) صحیح است.

- در بیت سؤال به ماندگاری نام نیک در دنیا اشاره می‌کند که همین مضمون از گزینه (الف) دریافت می‌شود؛ اگر نیکی کنی نامت می‌ماند. بوی (به معنای «می‌شوی») بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ب ← به نیکی کردن توصیه می‌کند و می‌گوید با بدی، کسی دنیا را به دست نمی‌آورد.

گزینه ج ← با تدبیر وزیر دانشمندش به نیکی کردن معروف و مشهور شد.

- دو گزینه دیگر به ماندگاری نام نیک اشاره‌ای ندارند.

درس ۱۱: آن شب عزیز واژگان

۷. معنی واژه «محضر» را در عبارتهای زیر بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

الف) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

در دادگاه عشق رگ گردنت گواه

ب) خروشید و برجست لرزان ز جای

بدرید و بسپرد محضر به پای

ج) هفته‌ها در دام تب چون صید ماند

محضرش خالی ز عمر و زید ماند

پاسخ: الف) دادگاه و دفترخانه ب) استشهادنامه و گواهی‌نامه ج) حضور

۸. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف) ای روضه مجسم گودال قتلگاه

پاسخ: روضه ← ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی - آنچه در مراسم عزاداری می‌خوانند (مرثیه)

مجسم ← تجسم یافته - آشکارکننده

سخت ۱۳۹۸

ب) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

پاسخ: محضر ← دفترخانه - دادگاه - محل حضور - گواهی‌نامه - استشهادنامه (مجاز از قیامت)

سخت ۱۳۹۸

متوسط ۱۳۹۸

پ آه این سر بریده ماه است در پگاه

پاسخ: پگاه ← صبح زود

متوسط ۱۳۹۸

ت ای مسلم شرف به کجا می کنی نگاه؟

پاسخ: شرف ← بزرگواری - ارجمندی - حرمت و اعتبار اجتماعی (آبرو)

سخت ۱۳۹۸

۹. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف انگار که ذله شده بودند.

پاسخ: بیچاره - عاجز

سخت ۱۳۹۸

ب مدیر را کلافه کردم.

پاسخ: ناراحت و بی تاب

سخت ۱۳۹۸

پ آخرین رمق هایشان را در فشنگ هایشان می ریختند.

پاسخ: باقی مانده جان

سخت ۱۳۹۸

ت خورشید بی حفاظ نشسته به روی خاک

پاسخ: بی پوشش - بدون حصار و نرده

سخت ۱۳۹۸

۱۰. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف دوباره به من تشر زدید.

پاسخ: عتاب و سرزنش

سخت ۱۳۹۸

ب تعلل کردند، موظفشان کردید.

پاسخ: بهانه گیری - سستی - کاهلی - اهمال

سخت ۱۳۹۸

پ دست تان را حمایل کرده بودید.

پاسخ: محافظ - نگهدارنده - بند شمشیر

سخت ۱۳۹۸

ت بر بالای تل خاکی ایستادید.

پاسخ: تپه خاکی - پشته

سخت ۱۳۹۸

۱۱. معنی واژگان مشخص شده را در عبارت های زیر بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف شیخ شما را در تاریکی تعقیب می کردم.

پاسخ: سیاهی - سایه خیالی

ب

تا باز کند به روی عالم
دیباچهٔ خاطرات شیرین

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: مقدمه متن - آغاز هر نوشته

پ

تا لاله دهد به سبزه زیور

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: زینت و آرایش

ت

کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: اینار و فداکاری

۱۲. کلمات نادرست املايي را با توجه به معنی تشخیص دهید و تصحیح کنید.

«تلّ و تپهٔ خاکی - شبه و سایه - استخوان جناغ سینه‌تان - طشر زدن و سرزنش کردن - تعلّل و بهانه گرفتن - صدای محیب - زله و بیچاره - بی‌حفاظ و بی‌پوشش - انهدام تیربار دشمن - هضم کردن و گوارش - تمایل و خاسته»

پاسخ: املاي کلمات نادرست:

«شبح و سایه - تشر زدن - صدای مهیب - انهدام تیربار - تمایل و خواسته»

توجه: شکل واژهٔ جناغ با هردو حرف «ق» و «غ» صحیح است.

سخت ۱۳۹۸

۱۳. در متن زیر، غلط‌های املايي را بیابید و اصلاح کنید.

«نگذارید هیچ تمایل و خاسته‌ای بر شما مسلط شود. توپخانه شروع کرده بود و صدای محیب آن صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هزم می‌کرد.»

پاسخ: خاسته (نادرست) ← خواسته (درست)

محیب (نادرست) ← مهیب (درست)

هزم (نادرست) ← هضم (درست)

سخت ۱۳۹۸

۱۴. در هر عبارت، املاي کلمه‌ای نادرست است، آن را اصلاح کنید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف بر بالای طلّ خاکی ایستاده بودید. چفیه بر گردن و کلت به کمر و برای بچه‌ها صحبت می‌کردید.

اصلاح‌شده

پاسخ: طلّ ← تلّ (درست است)

سخت ۱۳۹۸

ب از شامهٔ قوی شما تشخیص بوی حمله قریب نیست.

پاسخ: قریب ← اصلاح شده (درست است)

۱۵. از میان واژگان زیر، املای کدام واژه، به هر دو شکل صحیح است؟

«اتراق / اطراق»، «جناق / جناق»، «حتاکی / هتاکی»، «حمایل / همایل».

پاسخ: «جناق / جناق».

سخت ۱۴۰۲

دستور زبان

۱۶. مرجع هر یک از ضمائر «پیوسته و گسسته» متن زیر را بنویسید.

«مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما، از بس سراغ شما را از او گرفتم. می‌گفت نمرات ثلث سومان را که داده‌اید، رفته‌اید آقا! بی‌خبر و می‌گفت برای گرفتن حقوقتان هم حتی سر زده‌اید. احتمال می‌داد که جبهه رفته باشید ولی یقین نداشت، من هم یقین نداشتم تا وقتی با چشم‌های خودم ندیدم که بر بالای تلّ خاکی ایستاده‌اید چفیه بر گردنتان و کُلت بر کمرتان و برای بچه‌ها صحبت می‌کنید، یقین نکردم.»

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: مرجع ضمائر به ترتیب متن:

| | | |
|-------------------------|--------------|------|
| شما | شما | او |
| معلم نویسنده | معلم نویسنده | مدیر |
| مان | تان | |
| نویسنده و هم‌کلاسی‌هایش | معلم نویسنده | |
| من | م | |
| نویسنده | نویسنده | |
| تان | تان | |
| معلم نویسنده | معلم نویسنده | |

۱۷. در متن زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

«افتخارم این است که خودم با پای لنگ، شما را به خط رساندم و بیهوش شدم و حالا دل‌خوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم. گرد قاب عکستان را پاک کنم و سنگتان را بشویم، گلدانتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور کنم. هر روز چیزهای بیشتری از آن شب عزیز یادم می‌آید. به همین زنده‌ام آقا!»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: شرح سؤال:

ترکیب‌های وصفی ← پای لنگ - هر روز - یک پا - دو عصا - اینجا - هر روز - این پا - چیز بیشتر - آن شب - شب عزیز - (۱۰ مورد)

ترکیب‌های اضافی ← افتخار من - خود من - دل‌خوشی من - گرد قاب - قاب عکس - عکس شما - سنگ شما - گلدان شما - خاطرات من - یاد من - (۱۰ مورد)

آرایه‌های ادبی

سخت ۱۳۹۸

۱۸. در کدام بیت‌ها ایهام دیده می‌شود؟

(الف) از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک

ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟

(ب) ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد

یوسف بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

(ج) نه در شیراز و نه در شهر گنجه

نظامی می‌شوم در قصر شیرین

پاسخ: الف) در مصراع دوم ← مسلم ایهام دارد ← ۱- پیرو و مسلمان ۲- حضرت مسلم (ع)
ب) ایهام ندارد.

ج)

نظامی ← ۱- شاعر ۲- سرباز نظامی / قصر شیرین ← ۱- قصر شیرین خانم ۲- شهر قصرشیرین کرمانشاه

۱۹. دو آرایه «تلمیح و ایهام» به کار رفته در بیت زیر را بنویسید.

یک کربلا شکوه به چشم‌ت نهفته است

ای روضه مجسم گودال قتلگاه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: اشاره به قتلگاه و شهادت حضرت امام حسین (ع): تلمیح / روضه (۱- ذکر مصیبت و نوحه‌سرایایی ۲- بهشت، باغ): ایهام

سخت ۱۴۰۳

۲۰. آرایه‌های به کار رفته در ابیات و عبارات زیر را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف گرم و پرشور حرف می‌زدید و طنز و شوخی از کلامتان نمی‌افتاد. از صحبت‌هایتان پیدا بود که حمله در کار است.

پاسخ: گرم حرف زدن کنایه از صمیمی حرف زدن / نیفتادن شوخی از کلام کنایه از بی‌وقفه شوخی کردن (ادامه داشتن شوخی) / کلام گرم: حس آمیزی / کلام مجاز از سخن دلنشین

سخت ۱۴۰۳

ب گفتید: «فرصت چرتی شاید باشد اما سیر خواب نباید شد. خواب را مززه کنید، بچشید ولی سیر نخواید، ایستاده یا نشسته بخوابید، آن‌چنان که

بی‌کم‌ترین صدا برخیزد.»

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: مززه کردن خواب، چشیدن خواب: حس آمیزی / سیر خوابیدن کنایه از کامل و راحت خوابیدن / ایستاده، نشسته: تضاد

پ

خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟

یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: خورشید، ماه استعاره از سر / نشستن خورشید روی خاک: استعاره (تشخیص) / ماه و راه: جناس ناهمسان / خورشید، ماه: مراعات نظیر

ت

ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد
یوسف، بگو که هیچ نیاید برون ز چاه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: اشاره به داستان حضرت یوسف و ماجرای به چاه افکندن او: تلمیح / علت بیرون نیامدن حضرت یوسف از چاه به دلیل شرمندگی و خجالت: حسن تعلیل

قرابت معنایی

۲۱. دربارهٔ ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

الف) دیدم که از مچتان خون می‌ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اول فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی دستتان را با خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی‌اختیار مچاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده‌اید، با چه قدرتی! با چه ایمانی!

سخت ۱۴۰۳

ب) کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت

با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت

حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

پاسخ: هر دو توصیف‌کنندهٔ رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار می‌دانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.

۲۲. چه مفهوم مشترکی در عبارت و سرودهٔ زیر دیده می‌شود؟

الف) مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما. می‌گفت نمرات ثلث سوم را که داده‌اید، رفته‌اید آقا! احتمال می‌داد که جبهه رفته باشید ولی یقین نداشت. من هم تا وقتی با چشم‌های خودم ندیدم که بر بالای تلّ خاکی ایستاده‌اید - چفیه بر گردن و کُلت بر کمر - و برای بچه‌ها صحبت می‌کنید، یقین نکردم.

سخت ۱۴۰۳

ب) برای وصف میدان‌های پُرمین

برای وصف خال و زلف چین‌چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه

«نظامی، می‌شوم در «قصر شیرین»

پاسخ: رها کردن وابستگی‌ها و رو کردن به مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه‌های جنگ

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

سخت ۱۴۰۰

۲۳. مفهوم کلی قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.

پاسخ:

الف

زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

سخت ۱۴۰۰

پاسخ: شکوه و اعتبار مرگ را از بین برده است.

۲۴. با توجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

دارد اسارت تو به زینب اشارتی

از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟

ای مُسلمِ شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ:

الف

این سروده در وصف کیست؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: شهید محسن حُجّی

ب

مصراع دوم بیت اول به چه موضوعی اشاره می‌کند؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: سر بریده بودن شهید

پ

بیت دوم کدام ویژگی شخص مورد نظر را بیان می‌کند؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: اسیر داعش شدن

ت

بیت سوم چه خصیلتی را می‌ستاید؟

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: حفظ شرافت با فداکاری

سخت ۱۴۰۳

۲۵. برای هر یک از ابیات زیر مفهوم مناسب بنویسید.

پاسخ:

الف

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

در دادگاه عشق رگ گردنت گواه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: بی‌نیاز بودن عاشق از گواه / عشق شهادت

ب

حُسن شهادت از همه حُسنی فراتر است

ای محسن شهید من، ای حُسن بی‌گناه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: برتری زیبایی معنویت شهادت بر زیبایی ظاهری

پ

دارد اسارت تو به زینب اشارتی
از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تحمل اسارت مانند حضرت زینب (س) / اشتیاق دیدار مولا

ت

از دور دست می رسد آیا کدام پیک؟
ای مسلم شرف، به کجا می کنی نگاه؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: شرافتمندی، انتظار دیدار

فصل ششم: ادبیات حماسی درس ۱۲: گذر سیاوش از آتش وازگان

۲۶. روابط معنایی بین جفت واژه‌های زیر را مشخص کنید.

«مرد و پدر - ماه و خورشید - گل و بلبل - باد و صبا - وصال و فراق - اقرار و انکار - کرم و بخشش - هزاهز و غریو - عظمت و شکوه - سیر و پیاز.»

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: مرد و پدر: تضمن / ماه و خورشید: تناسب / گل و بلبل: تناسب
باد و صبا: تضمن / وصال و فراق: تضاد / اقرار و انکار: تضاد
کرم و بخشش: ترادف / هزاهز و غریو: ترادف / عظمت و شکوه: ترادف
سیر و پیاز: تناسب

۲۷. معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

- (۱) به دستور فرمود تا ساروان
- (۳) همی ریخت آب و همی خست روی
- (۵) چنان آمد اسب و قیای سوار
- (۲) بشویم کنم چاره دل گسل
- (۴) ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم
- (۶) ز فرزند و سودابه نیک‌پی

پاسخ:

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| (۱) دستور: وزیر - مشاور | (۲) دل گسل: دل آزار |
| (۳) خست: زخمی کردن | (۴) اندیشه: نگرانی - اضطراب |
| (۵) قبا: لباس - لباس بلند تا زانو | (۶) نیک‌پی: خوشقدم - بانژاد و اصیل |

سخت ۱۴۰۲

۲۸. تفاوت معنایی فعل «گرفت» را در مصراع‌های زیر، بررسی کنید.
 الف) ز کردار بد پوزش اندر گرفت
 ب) محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت
 پاسخ: الف) آغاز کرد. ب) اخذ کرد.

متوسط ۱۳۹۸

۲۹. واژه «گرفت» در کدام گزینه‌ها به یک معنی به کار رفته است؟
 الف) بمالید گوش اندر آمد شگفت
 ب) گرفتند و بردند بسته چو یوز
 ج) گرفتند ناگاه کاووس را
 بلند ازدها را به دندان گرفت
 برو بر سر آورد ضحاک روز
 چو گودرز و چون گیو و چون طوس را
 پاسخ: الف) گرفتن: برداشتن
 ب) اسیر و گرفتار کردن
 ج) اسیر و گرفتار کردن

متوسط ۱۳۹۸

۳۰. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف چو او را بدیدند برخاست غو
 پاسخ: فریاد، بانگ و خروش

متوسط ۱۳۹۸

ب که بر بی گناهان نیاید گزند
 پاسخ: آسیب

متوسط ۱۳۹۸

پ یکی تازی‌ای برنشسته سپاه
 پاسخ: اسب عربی اصیل

متوسط ۱۳۹۸

ت از این کوه آتش نیام تپش
 پاسخ: اضطراب و نگران

متوسط ۱۳۹۸

ث چو از کوه آتش به هامون گذشت
 پاسخ: دشت و صحرا

متوسط ۱۳۹۸

ج هیون آرد از دشت صد کاروان
 پاسخ: شتر قوی و درشت

متوسط ۱۳۹۸

چ پراکنده کافور بر خویشتن

- پاسخ: ماده معطر و سفیدرنگ
- متوسط ۱۳۹۸ **ح** **بدان گاه سوگند** پرمایه شاه
- پاسخ: راه و رسم
- متوسط ۱۴۰۳ **۳۱** . معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.
- پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳ **الف** **بباید زدن سنگ را بر سیوی**
- پاسخ: کوزه، ظرف معمولاً دسته دار از سفال یا جنس دیگری برای حمل یا نگه داشتن مایعات
- متوسط ۱۴۰۳ **ب** **دل شاه از اندیشه یابد گزند**
- پاسخ: اندوه، ترس، اضطراب
- متوسط ۱۴۰۳ **پ** **هشیوار و با جامه های سپید**
- پاسخ: هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه
- متوسط ۱۴۰۳ **ت** **سیاوش، فرزند کاووس، شاه خیره سر کیانی است.**
- پاسخ: گستاخ و بی شرم، لجوج
- متوسط ۱۴۰۳ **ث** **سیاوش که آزر م و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است تن به گناه نمی سپارد.**
- پاسخ: آرزوم: شرم، حیا - عفاف: رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی
- متوسط ۱۴۰۳ **ج** **اگر کوه آتش بود بسپر م**
- پاسخ: طی می کنم، می پیمایم
- متوسط ۱۴۰۳ **چ** **سراسر همه دشت بریان شدند**
- پاسخ: غمگین و ناراحت شدند، در سوز و گداز بودند
- متوسط ۱۴۰۳ **ح** **یکی خود زرین نهاده به سر**
- پاسخ: کلاه خود
- متوسط ۱۴۰۳ **خ** **چو شب تیره گردد شیخون کنیم**
- پاسخ: حمله ناگهانی دشمن در شب
- متوسط ۱۴۰۳ **د** **بنده حلقه به گوش ار نوازی برود**
- پاسخ: کنایه از فرمانبردار و مطیع
- متوسط ۱۴۰۳ **ذ** **چون رعیت کم شود، ارتفاع ولایت نقصان پذیرد.**
- پاسخ: کم شدن، کاهش یافتن

ر

سرانجام گفت ایمن از هر دوان
نه گردد مرا دل، نه روشن روان

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: در امن، دل آسوده

ز

بدان گاه سوگند پرمایه شاه
چنین بود آیین و این بود راه

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: گرانمایه، پرشکوه

ژ

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد
گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: یاور، دستگیر

متوسط ۱۳۹۸

۳۲. در عبارتهای زیر املاى کدام واژهها نادرست است؟ تصحیح کنید؟

الف) به دستور فرمود تا ساروان

حيون آرد از دشت صدکاروان

ب) که دوزخ مرا زین سخن گشت خار

پ) کزین کوه آتش نیام طپش

ت) چو او را بدیدند برخواست غو

پاسخ: الف: حيون (نادرست)، هیون (درست)

ب: خار (نادرست)، خوار (درست)

پ: طپش (نادرست)، تپش (درست)

ت: برخواست (نادرست)، برخاست (درست)

۳۳. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«یکی از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به متوسط ۱۳۹۸

جهان برفتند و از گربت جورش راه غربت در پیش گرفتند. چون رعیت کم شد ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.»

پاسخ: عجم: غیرعرب، به ویژه ایرانیان

تطاول: درازدستی، تعدی، تجاوز، گردن‌کشی

مکاید: کیدها - خیلها - نیرنگها (جمع کید)
رعیت: مردم - عامه
گربت: غم و اندوه
غربت: دوری، دوری از وطن
ارتفاع ولایت: درآمد و عایدات مملکت

۳۴. در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟

متوسط ۱۴۰۳

- (۱) سیاوش چنین گفت کای شهریار
که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
- (۲) اگر کوه آتش بود بسپرم
ازین تنگ، خوار است اگر بگذرم
- (۳) چو او را بدیدند برخاست غو
که آمد ز آتش برون شاه نو

(۴) خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه قربت گرفتند

پاسخ: گزینه (۴) «قربت» نادرست و شکل صحیح آن در این جمله «غربت» است.

۳۵. غلط‌های املائی متن زیر را بیابید و اصلاح کنید.

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تناول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از جورش راه قربت گرفتند. «باری به مجلس او در، کتاب شاهنامه همی خواندند در ذوال مملکت ضحاک و عهد فریدون، وزیر، ملک را پرسید: «هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و هشتم نداشت، چگونه بر او مملکت مقرر شد؟» گفت: «آن‌چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت.»

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: تناول ← تناول / قربت ← غربت / ذوال ← زوال / هشتم: حشم

دستور زبان

۳۶. در بیت‌های زیر گروه‌های اسمی را بیابید و نوع ترکیب‌ها را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

- (الف) به پور جوان گفت شاه زمین
که رایت چه بیند کنون اندرین؟
 - (ب) بیامد دو صد مرد آتش فروز
دمیدند گفتمی شب آمد به روز
 - (پ) سراسر همه دشت بریان شدند
بر آن چهر خندانش گریان شدند
- پاسخ: (الف) پور جوان ← ترکیب وصفی
شاه زمین: ترکیب اضافی

رایت ← ترکیب اضافی

(ب) دو صد مرد آتش فروز ← ترکیب وصفی

(پ) همه دشت ← ترکیب وصفی

آن چهر خندان ← ترکیب وصفی

چهر او ← ترکیب اضافی

سخت ۱۴۰۳

۳۷. در هر یک از موارد زیر «وابسته وابسته» و نوع آن را مشخص کنید.

پاسخ:

الف

وزین دختر شاه هاماوران

پراندیشه گشتی به دیگران کران

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: «هاماوران»: مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه

ب

چنین است سوگند چرخ بلند

که بر بی‌گناهان نیاید گزند

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «بلند»: صفت مضاف‌آلیه

پ

یکی تازی‌ای برنشسته سیاه

همی خاک نعلش برآمد به ماه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: ضمیر «ش»، در «نعلش»: مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه

ت

به نیروی یزدان نیکی دهش

کزین کوه آتش نیابم تپش

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «نیکی دهش»: صفت مضاف‌آلیه

سخت ۱۴۰۳

۳۸. بیت‌هایی که به شیوه بلاغی سروده شده‌اند، به شیوه عادی برگردانید.

پاسخ:

الف

چنین گفت موبد به شاه جهان

که درد سپهید نماند نهان

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدم فعل بر نهاد (موبد) و متمم (شاه) / تقدم فعل بر مسند (نهان)

ب

که هر چند فرزند، هست ارجمند
دل شاه از اندیشه یابد گزند

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر مسند (ارجمند) / تقدّم فعل بر مفعول (گزند)

پ

چنین پاسخ آورد سودابه پیش
که من راست گویم به گفتار خویش

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر نهاد (سودابه) و قید (پیش) / تقدّم فعل بر متمم (گفتار)

ت

پراندیشه شد جان کاووس کی
ز فرزند و سودابه نیک پی

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر نهاد (جان) و متمم (فرزند و سودابه)

ث

بدان گاه سوگند پرمايه شاه
چنین بود آیین و این بود راه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر نهاد در هر دو جمله (آیین و راه)

ج

وز آن پس به موبد بفرمود شاه
که بر چوب ریزند نفت سیاه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر نهاد (شاه) / تقدّم فعل بر مفعول (نفت)

چ

سیاوش بیامد به پیش پدر
یکی خود زرین نهاده به سر

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: تقدّم فعل بر متمم در هر دو جمله (پیش، سر)

۳۹. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ور ایدون که زین کار هستم گناه

جهان آفرینم ندارد نگاه

ب) چنان آمد اسپ و قیای سوار

که گفتی سمن داشت اندر کنار

ج) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی

بباید زدن سنگ را بر سیوی

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: الف) گناه (گناهکار): مسند // م (من را نگاه ندارد): مفعول
ب) قبا: معطوف به نهاد // کنار: متمم
ج) گفت و گو: مفعول // سنگ: مفعول

۴۰. در بیت‌های زیر «ترکیب‌های وصفی و اضافی» را مشخص کنید.

متوسط ۱۳۹۸

«به نیروی یزدان نیکی دهش

کزین کوه آتش نیابم تپش»

«سراسر همه دشت بریان شدند

بر آن چهر خندانش گریان شدند»

پاسخ: ترکیب‌های وصفی: یزدان نیکی دهش - این کوه - همه دشت - آن چهر - چهر خندان
ترکیب‌های اضافی: نیروی یزدان - کوه آتش - خندانش (خندان او)

۴۱. در کدام بیت حذف دیده می‌شود؟ نوع حذف را مشخص کنید؟

متوسط ۱۳۹۸

الف) چو او را بدیدند برخاست غو

ب) همان به کزین زشت کردار دل

ج) سیاووش بدو گفت انده مدار

که آمد ز آتش برون شاه نو

بشویم کنم چاره دل گسل

کزین سان بود گردش روزگار

پاسخ: گزینه ب - حذف فعل «است» به قرینه معنوی دارد: همان بهتر [است]

۴۲. با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

کزین دو یکی گر شود نابه کار

از آن پس که خواند مرا شهریار؟

همان به کزین زشت کردار، دل

بشویم کنم چاره دل گسل

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

متوسط ۱۴۰۳

الف) «شهریار» چه نقشی دارد؟

پاسخ: «شهریار»، مسند است.

متوسط ۱۴۰۳

ب) در بیت دوم کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید.

پاسخ: فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنوی حذف شده (همان به است).

آرایه‌های ادبی

| | |
|------------|--|
| متوسط ۱۳۹۸ | ۴۳. مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید. (۱) همی خاک نعلش بر آمد به ماه (۲) پراگنده کافور بر خویشتن (۳) بیاید زدن سنگ را بر سبو (۴) دمیدند گفتی شب آمد به روز پاسخ: (۱) سرعت اسب (۲) آماده مرگ شدن (۳) آزمایش کردن (۴) روز روشن مثل شب تاریک شدن. |
| متوسط ۱۴۰۳ | ۴۴. در هر یک از موارد زیر کنایه و مفهوم آن را مشخص کنید. پاسخ: الف بیامد دوصد مرد آتش فروز دمیدند گفتی شب آمد به روز |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: «آمدن شب به روز»: کنایه از تاریک شدن ب |
| متوسط ۱۴۰۳ | یکی دشت با دیدگان پر ز خون که تا او کی آید ز آتش برون |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: «پر خون بودن دیده»: کنایه از گریه بسیار |
| متوسط ۱۴۰۳ | ۴۵. آرایه ادبی مقابل هر بیت را در آن مشخص کنید. پاسخ: الف |
| متوسط ۱۴۰۳ | چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی گناهان نیاید گزند (استعاره) پاسخ: «چرخ»: استعاره از آسمان ب |
| متوسط ۱۴۰۳ | اگر کوه آتش بود بسپرم ازین تنگ، خوار است اگر بگذرم (تشبیه) |

پاسخ: «کوه آتش»: تشبیه «آتش»: مشبه؛ «کوه»: مشبه‌به

پ

به دستور فرمود تا ساروان
هیون آرد از دشت، صد کاروان (جناس ناهمسان)

آسان ۱۴۰۳

پاسخ: «ساروان» و «کاروان»: جناس ناهمسان (ناقص)

متوسط ۱۴۰۳

۴۶. مفهوم «کنایه‌ها» را در ابیات زیر بنویسید.

پاسخ:

الف

سرانجام گفت ایمن از هر دوان
نه گردد، مرا دل، نه روشن روان

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «ایمن نگشتن دل» و «روشن نگشتن روان» کنایه از بدگمان شدن و اطمینان نداشتن

ب

همان به کزین زشت کردار، دل
بشویم کم چاره دل گسل

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: دل شستن کنایه از صرف‌نظر کردن، رها کردن

پ

سراسر همه دشت بریان شدند
بر آن چهر خندانش گریان شدند

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: بریان شدن کنایه از ناراحت و غمگین شدن / گریان شدن کنایه از غمگین و ناراحت شدن

متوسط ۱۴۰۳

۴۷. «جناس‌های» به کاررفته در ابیات زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف

به دستور فرمود تا ساروان
هیون آرد از دشت، صد کاروان

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: ساروان، کاروان: جناس ناهمسان

ب

بدان گاه سوگند پرمایه شاه
چنین بود آیین و این بود راه

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: گاه، شاه، راه: جناس ناهمسان

پ

خرامان بشد سوی آب روان
چنان چون شده باز جوید روان

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: روان (جاری)، روان (روح و روان): جناس همسان

ت

چنین گفت موبد به شاه جهان
که درد سپهید نماند نهان

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: جهان، نهان: جناس ناهمسان

ث

نخستین دمیدن سیه شد ز دود
زبانۀ برآمد پس از دود، زود

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: دود، زود: جناس ناهمسان

ج

رخ شاه کاووس پر شرم دید
سخن گفتنش با پسر نرم دید

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: شرم، نرم: جناس ناهمسان

چ

بزد بر بر و سینه اشکبوس
سپهر آن زمان دست او داد بوس

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: بر، جناس همسان / «بر، اول: حرف اضافه / «بر، دوم: پهلو

قرابت معنایی

متوسط ۱۳۹۸

۴۸. مفهوم کدام ابیات با هم یکسان است؟
الف-ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد
ب-خاک شد آن کس که در این خاک زیست
ج-هیچ لب زیر فلک بی ناله جانکاه نیست
کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست
خاک چه داند که در این خاک چیست؟
تار و پود عالم امکان به غیر از آه نیست

پاسخ: الف و ج

در هر دو گزینه به جور و ستم فلک و روزگار بر مردم اشاره دارد.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۴۹. با توجه به ویژگی‌های حماسه (داستانی، قهرمانی، ملی و خرق عادت)، هر یک از ابیات زیر دربردارنده کدام ویژگی است؟ علت را توضیح دهید.

(الف) بدان‌گاه سوگند پرمایه شاه

چنین بود آیین و این بود راه

(ب) سیاوش بیامد به پیش پدر

یکی خود ز زمین نهاده به سر

(پ) چو او را بدیدند برخاست عو

که آمد ز آتش برون شاه نو

پاسخ: (الف) «ملی»، زیرا به آداب و رسوم اشاره می‌کند.

(ب) «قهرمانی»، حضور سیاوش که قهرمان داستان است.

(پ) «خرق عادت»، عبور از آتش و آسیب ندیدن ویژگی خرق عادت است.

سخت ۱۴۰۳

۵۰. هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام یک از زمینه‌های حماسه است؟

پاسخ:

الف

زهر در سخن چون بدین گونه گشت

بر آتش یکی را بیا بد گذشت

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه ملی

ب

مگر کاتش تیز پیدا کند

گنه کرده را زود رسوا کند

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه ملی

پ

اگر کوه آتش بود بسپر

ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه قهرمانی

ت

هشیوار و با جامه‌های سپید

لیبی پر ز خنده، دلی پرامید

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه قهرمانی / مصراع اول (ملی)

ث

به نیروی یزدان نیکی دهش
کزین کوه آتش نیام تپش

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه قهرمانی / مصراع اول (ملی)

ج

چنان آمد اسپ و قباى سوار
که گفتی سمن داشت اندر کنار

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه خرق عادت

چ

به دستور فرمود تا ساروان
هیون آرد از دشت، صد کاروان

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه ملی

ح

نهادند بر دشت هیزم دو کوه
جهانی نظاره شده هم گروه

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: زمینه ملی

۵۱. ویژگی‌های حماسی مقابل را به بیت مربوط به آن وصل کنید.

متوسط ۱۳۹۸

الف) چو بخشایش پاک یزدان بود
دم آتش و آب یکسان بود
ب) اگر کوه آتش بود بسپر
از این تنگ خوار است اگر بگذرم
ج) چو او را بدیدند برخاست غو
که آمد ز آتش برون شاه نو
د) زمین گشت روشن تر از آسمان
جهان خروشان و آتش دمان
قهرمانی
ملی
خرق عادت

پاسخ: الف ← ملی

ب ← قهرمانی

ج ← ملی

د ← خرق عادت

متوسط ۱۳۹۸

۵۲. از عبارت «خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند، چه مفهومی دریافت نمی‌شود؟
الف- مرگ مردم ب- ظلم ظالم ج- حيله گری د- مهاجرت مردم
پاسخ: الف- مرگ مردم دریافت نمی‌شود.

متوسط ۱۳۹۸

۵۳. مفهوم عبارت‌های مشخص‌شده را بنویسید؟
الف- چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی‌گناهان نیاید گزند
ب- سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
ج- همان به کزین زشت کردار دل / بشویم کنم چاره دل غسل
پاسخ: الف- راه و رسم روزگار
ب- آتش جهنم از تحمل این سخنان آسان‌تر شد.
ج- دوری کردن و منصرف شدن

متوسط ۱۳۹۸

۵۴. معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.
پاسخ:

الف

بدان گاه سوگند پرمایه شاه
چنین بود آیین و این بود راه

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: در آن روزگار، راه و رسم شاهان در تشخیص خطاکار از بی‌گناه این بوده است (به اعتقاد آنها آتش مقدس بود و هرگز انسان‌های پاک را نمی‌سوزاند).

ب

به نیروی یزدان نیکی دهش
کزین کوه آتش نیابم تپش

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: به یاری و کمک خداوند بخشنده از این آتش بزرگ که مثل کوهی است، ترس و اضطرابی نخواهم داشت. (به لطف خدا عبور برایم آسان است).

پ

سیاوش سیه را به تندى بتاخت
نشد تنگ‌دل جنگ آتش بساخت

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: سیاوش اسب سیاه را به سرعت تاخت و نگران نبود و آماده جنگ با آتش شد.

ت

اگر کوه آتش بود بسپرم
از این تنگ خوار است اگر بگذرم

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: اگر کوهی از آتش باشد از آن عبور می‌کنم و از این دشواری (گذر از آتش) به آسانی عبور می‌کنم.

متوسط ۱۳۹۸

۵۵. معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

الف

سرانجام گفت ایمن از هر دوان
نه گردد مرا دل نه روشن روان

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: کیکاوس گفت، دل و روان من از آنها (سودابه و سیاوش) در امن و آسودگی نیست (به آنها مشکوکم)

ب

مگر کآتش تیز پیدا کند
گنه کرده را زود رسوا کند

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: شاید آتش سوزان گناهکار را مشخص و رسوا کند (به اعتقاد قدیمیان در مورد عبور گناهکار از آتش اشاره دارد).

پ

سیاوش چنین گفت کای شهریار
که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: سیاوش به کیکاوس گفت: ای شهریار بزرگ تحمل آتش سوزان از تحمل این تهمت برایم آسان‌تر شد.

ت

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی
بباید زدن سنگ را بر سیوی

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: موبد به کیکاوس گفت: اگر می‌خواهی که ماجرا را آشکار و روشن کنی، باید آنها (سیاوش و سودابه) را امتحان کنی.

متوسط ۱۳۹۸

۵۶. معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

الف

جهاندار سودابه را پیش خواند
همی با سیاوش به گفتن نشاند

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: کیکاوس سوادبه را فراخواند و او را با سیاوش روبه‌رو کرد.

ب

یکی تازی‌ای برنشسته سیاه
همی خاک نعلش برآمد به ماه

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: سیاوش بر اسب عربی سیاهی سوار شده بود که بسیار سریع و تندرو بود.

پ

کزین دو یکی گر شود نابکار
از آن پس که خواند مرا شهریار؟

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: کیکاووس گفت: اگر یکی از این دو (سیاوش یا سوادبه) خطاکار باشد دیگر کسی مرا به عنوان حاکم قبول نمی‌کند (آبرویم می‌رود).

ت

همان به کزین زشت کردار دل
بشویم کنم چاره دل گسل

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: کیکاوس گفت: همان بهتر است که از این اندیشه ناپسند دوری کنم و از این موضوع دل‌آزار خودم را برهانم.

متوسط ۱۳۹۸

۵۷. معنی عبارت و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

الف

به دستور فرمود تا ساروان
هیون آرد از دشت صد کاروان

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: کیکاوس به وزیر دستور داد که شتران صد گله شتر از دشت بیاورد.

ب

بدانگه که شد پیش کاووس باز
فرود آمد از باره بردش نماز

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: سیاوش پیش کیکاوس آمد و از اسب پایین آمد و تعظیم کرد.

پ

بندۀ حلقه به گوش ار نوازی برود
لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: خدمتکار فرمانبردار و مطیع اگر مورد محبت و لطف قرار نگیرد می‌رود (تو را ترک می‌کند) سعی کن به همه لطف و مهربانی کنی تا غلام و خدمتکار مطیع تو باشی.

متوسط ۱۳۹۸

ت خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کُربت جورش راه غربت در پیش گرفتند.
پاسخ: مردم از حيله‌های پادشاه به جاهای دیگر مهاجرت کردند و از اندوه و غم حاصل از ستم او از وطن خود دوری کردند.

ث

چنین است سوگند چرخ بلند
که بر بی‌گناهان نیاید گزند

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: راه و رسم روزگار (فلک) چنین است و به بی‌گناهان آسیب نمی‌رسد.

متوسط ۱۴۰۳

۵۸. اشعار و عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.

پاسخ:

الف

نهادند بر دشت، هیزم دو کوه
جهانی نظاره شده هم گروه

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: به اندازه دو کوه (بسیار زیاد)، هیزم در دشت جمع کردند و جمعیت فراوانی همه با هم به آن خیره شده بودند.

ب

ور ایدون که زین کار هستم گناه
جهان آفرینم ندارد نگاه

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: و اگر که در این کار، گناهی مرتکب شده باشم، خداوند مرا حفظ نخواهد کرد.

متوسط ۱۴۰۳

پ دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.

پاسخ: دارایی مردم را به زور و ستم از آنها گرفته بود و ظلم و آزار بر خلق را آغاز کرده بود.

ت

پادشاهی که طرح ظلم افکند
پای دیوار مُلک خویش بگند

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: پادشاهی که بنای کار را بر ظلم و ستم قرار داد، پایه سلطنت خود را سست کرده است.

۵۹. در بیت زیر منظور از «آیین» چیست؟

بدان‌گاه سوگند پُرمايه شاه

چنین بود آیین و این بود راه

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: گذر از آتش برای پیدا شدن گناهکار از بی‌گناه

متوسط ۳ ۱۴۰۳

۶۰. مفهوم کلی هر یک از موارد زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد
گو در آیام سلامت به جوانمردی کوش

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: مدارا و مهربانی با مردم

ب

نکند جور پیشه سلطانی
که نیاید ز گرگ، چوپانی

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: حکومت با ظلم ممکن نیست.

متوسط ۳ ۱۴۰۳

۶۱. مفهوم کلی هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف

به نیروی یزدان نیکی دهش
کزین کوه آتش نیام تپش

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: ایمان به یاری خدا / شجاعت

ب

سیاوش سیه را به تندی بتاخت
نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: سرعت و شجاعت

پ

ز هر سو زبانه همی برکشید
کسی خُود و اسپ سیاوش ندید

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: بلندی و انبوهی آتش

ت

یکی دشت با دیدگان پر ز خون
که تا او کی آید ز آتش برون

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: نگرانی مردم / اعتقاد به بی‌گناهی سیاوش

درس ۱۳: خوان هشتم واژگان

سخت ۱۳۹۸

۶۲. معنی «طاق» را در ابیات زیر با توجه به روابط هم‌نشینی واژه‌ها بنویسید.

(الف) به منزل بر آن طاق و ایوان رسید

که داراب را اندرو خفته دید

(ب) حضورش پریشان شد و کار زشت

سفر کرد و بر طاق مسجد نشست

(ج) دگر باره آمد ز ایوان خروش

که ای طاق چشم خرد را میوش

پاسخ: (الف) طاق ← ایوان کاخ

(ب) طاق مسجد ← محراب

(ج) طاق ← یکتا و فرد (در اینجا کسی مورد نظر است که بی‌همتا و فرد است).

متوسط ۱۳۹۸

۶۳. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

(الف) رخس آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا

(ب) کان کمند شصت خم خویش بگشاید

(ج) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید

(د) رو به یال و چشم او مالید

(ه) آیا میزبانی بود یا تزویر

(ی) بس که زهر زخم‌ها کاری‌ش

پاسخ: (الف) طاق: فرد - یکتا - بی‌همتا

(ب) کمند: طناب

(ج) ضجه: شیون - ناله و فریاد با صدای بلند.

(د) یال: گردن - موی گردن

(ه) تزویر: ریا - دورویی - حيله - نیرنگ

(ی) کاری: کشنده - مؤثر.

متوسط ۱۳۹۸

۶۴. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

(الف) چاه غدر ناجوانمردان

(ج) دربن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان گم بود

(ه) با صدایی مرتعش خواند

(ب) در تگ تاریک چاه ژرف پهناور

(د) کوه کوهان، مرد مردستان، رستم دستان

(ی) بی‌عیار و شعر محض و خوب و خالی نیست

پاسخ:

(الف) بی‌وفایی - خیانت

(ب) ته - عمق - پایین

(ج) سر نیزه

(د) استوارترین کوه

(ه) لرزنده - دارای ارتعاش

(ی) ابزار سنجش و اندازه - معیار

۶۵. در منظومهٔ زیر غلط‌های املائی را بیابید و اصلاح کنید.

«این ایار مهر و کین مرد و نامرد است / ... آن که هرگز گم نمی‌شد از لبش لبخند ... / خواه روز جنگ و خورده بحر کین سوگند / رستم دستان، در تگ تاریک چاه ژرف پهناور / کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه قدر ناجوانمردان / چاه پستان چاه بی‌دردان ... گم بود، سخت ۱۳۹۸

پاسخ: املائی کلمات نادرست:

درست

ایار ← عیار

درست

قدر ← غدر

درست

بحر ← بهر

متوسط ۱۴۰۳

۶۶. در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

«صورت و تندى - چوب‌دستی مَنَشاماند - هریوهٔ خوب و پاک آیین - صدای مرتعش - لحن رجزمانند - گُرد سِجستانی - شمشیر و سنان - حيله و تزوير - تاق و بی‌همتا - ضجّه و زاری - کمند شصت‌خم»

پاسخ: گروه‌های «صورت و تندى»، و «حيله و تزوير»، و «تاق و بی‌همتا»، نادرست و شکل صحیح آنها «سورت و تندى»، و «حيله و تزوير»، و «طاق و بی‌همتا»، است.

متوسط ۱۴۰۳

۶۷. در هر یک از موارد زیر نادرستی املائی را یافته و تصحیح کنید.

(الف) قصّه است این، قصّه، آری غصّه درد است / شعر نیست

(ب) این ایار مهر و کین مرد و نامرد است

(پ) شیرمرد عرصهٔ ناوردهای حول / پور زال زر، جهان پهلُو

(ت) چاه قدر ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان

پاسخ: (الف) واژهٔ «غصّه» نادرست و شکل صحیح آن «قصّه» است.

(ب) واژهٔ «ایار» نادرست و شکل صحیح آن «عیار» است.

(پ) واژهٔ «حول» نادرست و شکل صحیح آن «هول» است.

(ت) واژهٔ «قدر» نادرست و شکل صحیح آن «غدر» است.

دستور زبان

۶۸. ضمیر پیوسته، در کدام مصراع، «وابسته وابسته» است؟
 «بعد چندی که گشودش چشم
 رخس خود را دید
 بس که خونش رفته بود از تن
 بس که زهر زخم‌ها کاریش
 گویی از تن حس و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید»
 پاسخ: بس که زهر زخم‌ها کاریش
 ۱۴۰۲ سخت
۶۹. در بند زیر ترکیب‌های «اضافی و وصفی» را مشخص کنید.
 «مرد نَقال آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت و سخن می‌گفت»
 پاسخ: مرد نَقال: ترکیب وصفی / صدایش، نایش، سکوتش، دمش: ترکیب اضافی / حدیث آشنایش: ترکیب وصفی و اضافی
 ۱۴۰۳ سخت
۷۰. در منظومه زیر «ترکیب‌های وصفی» را مشخص کنید.
 «هفت‌خوان را زاد سرو مرو / یا به قولی «ماخ سالار» آن گرمی‌مرد، آن هریوه خوب و پاک‌آیین - روایت کرد / خوان هشتم را من روایت می‌کنم من که
 نامم ما».
 پاسخ: هفت‌خوان - آن مرد - مرد گرمی - آن هریوه - هریوه خوب - هریوه پاک‌آیین - خوان هشتم (۷ مورد)
 ۱۳۹۸ متوسط
۷۱. در عبارتهای زیر «وابسته‌های وابسته» را مشخص کرده و نوع آنها را بنویسید.
 پاسخ:
 ۱۳۹۸ متوسط
- الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.
 پاسخ: مروارید ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 ۱۳۹۸ متوسط
- ب) این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست
 پاسخ: داغ ← صفت مضاف‌الیه
 تختی ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 ۱۳۹۸ متوسط

آرایه‌های ادبی

- ۱۴۰۳ سخت
۷۲. «استعاره‌های» به کار رفته در بندهای زیر را بنویسید.
- پاسخ:
- ۱۴۰۳ سخت
- الف** آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن، گرد سجستانی / کوه کوهان، مرد مردستان
- پاسخ: شیر استعاره از رستم / کوه استعاره از رستم
- ۱۴۰۳ سخت
- ب** ور پیرسی راست، گویم راست / قصه بی شک راست می گوید. / می توانست او، اگر می خواست.
- پاسخ: قصه راست می گوید: استعاره (تشخیص)
- ۱۴۰۳ سخت
- پ** مرد نقال از صدایش ضجه می بارید / و نگاهش مثل خنجر بود
- پاسخ: ضجه می بارید: استعاره (ضجه مثل باران در نظر گرفته شده است).
- ۱۳۹۸ متوسط
۷۳. آرایه مشترک عبارتهای زیر را بنویسید.
- (۱) آن که هرگز چون کلید گنج مروارید گم نمی شد از لبش لبخند
- (۲) مرد نقال از صدایش ضجه می بارید / و نگاهش مثل خنجر بود
- (۳) صدای شوم و نامردانه اش در چاهسار گوش می پیچید.
- پاسخ: تشبیه آرایه مشترک هر سه گزینه است.
- (۱) لبخندش کلید گنج مروارید ← تشبیه
- (۲) نگاه مثل خنجر ← تشبیه
- (۳) چاهسار گوش ← تشبیه
۷۴. در بند زیر آرایه‌های «تشخیص، مجاز و استعاره، را مشخص کنید.
- ۱۴۰۳ متوسط
- یادم آمد، هان، / داشتم می گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد. / و چه سرمای، چه سرمای! / باد برف و سوز وحشتناک
- پاسخ: سورت سرمای دی بیدادها می کرد: استعاره (تشخیص) / بیداد کردن سرما کنایه از سرمای بسیار شدید / دی مجاز از زمستان / چه سرمای: تکرار
- ۱۴۰۳ متوسط
۷۵. در هر بند فقط «تشبیه‌های» به کار رفته را بیابید.
- پاسخ:
- ۱۴۰۳ متوسط
- الف** آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود.

پاسخ: مانند کردن «زهر شمشیر و نیزه» به «آب چاه»: تشبیه

متوسط ۱۴۰۳

ب همگنان خاموش، / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید، / پای تا سر گوش

پاسخ: مانند کردن «همگنان به صدف» و مانند کردن «مرد نقال به مروارید»: تشبیه

متوسط ۱۴۰۳

پ آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت و سخن می‌گفت.

پاسخ: مانند کردن «دم» به «حدیث آشنا»: تشبیه

متوسط ۱۴۰۳

ت شعر نیست، / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست.

پاسخ: مانند کردن هیچ به پوچ: تشبیه

متوسط ۱۴۰۳

ث مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

پاسخ: مانند کردن نگاه به خنجر: تشبیه

سخت ۱۴۰۳

۷۶. آرایه‌های ادبی بندهای زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف قصه می‌گوید / این برایش سخت آسان بود و ساده بود / قصه می‌گوید که بی‌شک می‌توانست او اگر می‌خواست / که شغاد نابردار را بدوزد -

سخت ۱۴۰۳

همچنان که دوخت / با کمان و تیر / بر درختی که به زیرش ایستاده بود، / و بر آن بر تکیه داده بود و درون چه ننگه می‌کرد.

پاسخ: قصه می‌گوید: استعاره (تشخیص) / سخت: ایهام تناسب (به معنی بسیار است و در معنی دشوار با «سهل و آسان» تناسب و تضاد ایجاد می‌کند) / نابردار (۱ - نامرد ۲ - برادر ناتنی): ایهام /

کمان، تیر: مراعات نظیر / با تیر دوختن کنایه از کشتن

سخت ۱۴۰۳

ب لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ...

پاسخ: «تیرگی بیرون» و «گرم بودن و روشن بودن شرم»: حس آمیزی / مانند کردن «بیرون» به «ترس»: تشبیه / مانند کردن «قهوه‌خانه» به «شرم»: تشبیه / گرم، شرم: جناس ناهمسان / «تیره»

روشن، و «گرم، سرد»: تضاد

سخت ۱۴۰۳

پ همگنان را خون گرمی بود. / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود.

پاسخ: خون گرم بودن کنایه از صمیمی و مهربان بودن / گرم (۱- صمیمی ۲- گرم): ایهام / آتشین پیغام: حس آمیزی و تشبیه
۷۷. آرایه‌های بیت‌های زیر را بنویسید.

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف «تنیده یاد تو در تار و پودم میهن ای میهن! / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن!»

پاسخ: تشخیص ← ای میهن / مجاز ← تار و پود / کنایه ← لبریز بودن از عشق / تناسب ← تار و پود

متوسط ۱۳۹۸

ب «به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!»

پاسخ: تشخیص ← ای میهن / تشبیه ← دشت دل / استعاره ← این زیبا زمین / واج‌آرایی ← ن - ز / تناسب ← دشت و گیاه و گل

متوسط ۱۴۰۳

۷۸. در هر یک از ترکیب‌های زیر چه آرایه ادبی به چشم می‌خورد؟

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف چاهسار گوش:

پاسخ: اضافه تشبیهی

متوسط ۱۴۰۳

ب یادهای روشن:

پاسخ: حس آمیزی

متوسط ۱۴۰۳

پ بی‌شرم بودن چاه:

پاسخ: استعاره (تشخیص)

متوسط ۱۴۰۳

ت چاه غدر:

پاسخ: اضافه تشبیهی

متوسط ۱۴۰۳

ث صدای گرم:

پاسخ: حس آمیزی

متوسط ۱۴۰۳

ج آتشین پیغام:

پاسخ: حس آمیزی

متوسط ۱۴۰۳

چ قطره دانش:

پاسخ: اضافه تشبیهی

۷۹. در هر یک از موارد زیر، آرایهٔ مقابل آن را بیابید و توضیح دهید.
متوسط ۱۴۰۳
- پاسخ:
- الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد (استعاره)
متوسط ۱۴۰۳
- پاسخ: الف) «کلید گنج مروارید»: استعاره از لیخند / «گنج مروارید»: استعاره از دندان‌ها
- ب) همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید (تشبیه)
متوسط ۱۴۰۳
- پاسخ: «همگان به صدف» و «نقال به مروارید» تشبیه شده‌اند. «به کردار، ادات تشبیه و «گرد بر گرد بودن» وجه شبه است.
- پ) پهلوان هفت‌خوان، اکنون / طعمهٔ دام و دهان خوان هشتم بود (تشخیص)
متوسط ۱۴۰۳
- پاسخ: «دهان خوان هشتم»: تشخیص
- ت) رخسار رخشنده / با هزاران یادهای روشن و زنده (حس آمیزی)
متوسط ۱۴۰۳
- پاسخ: «یادهای روشن»: حس آمیزی

قرابت معنایی

۸۰. از عبارت زیر چه مفاهیمی دریافت می‌شود؟
متوسط ۱۳۹۸
- «همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش»
- پاسخ: ۱- سخنان جذاب راوی ← از پای تا سر گوش دریافت می‌شود.
۲- خوب گوش کردن مردم ← از پای تا سر گوش دریافت می‌شود.
۳- وجود فضای صمیمی و دوستانه
۸۱. در مورد نزدیکی معنی ابیات زیر توضیح دهید.
متوسط ۱۳۹۸
- الف) تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن!
بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن!
- ب) ذره‌ای در همه اجزای من مسکین نیست
که نه آن ذره معلق به هوای تو بود
- پاسخ: در هر دو بیت به وجود عشق در همه اجزای بدن اشاره دارد. عشق در تار و پود و ذره‌های وجود حضور دارد.
- معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۸۲. شاعر در مصراع: «چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور» چه چیزی را توصیف می‌کند؟ چاه را یا بی‌شرمی را؟
سخت ۱۳۹۸
- پاسخ: بی‌شرمی لازم برای کندن چنان چاهی را بیان می‌کند. بی‌شرمی کندن چاه مثل عمق آن بی‌انتهای ناباورانه است.

۸۳. «هفت‌خوان را زادسرو مرو، / یا به قولی «ماخ‌سالار» آن گرامی مرد / آن هریوه خوب و پاک‌آیین - روایت کرد؛ / خوان هشتم را / من سخت ۱۴۰۳
روایت می‌کنم اکنون، ... / من که نامم ماث»

پاسخ: زادسرو: آزادسرو از بزرگ‌ترین راینی بود که داستان‌های رزم رستم را به یاد داشت. / ماخ‌سالار: از راین شاهنامه / هریوه: اهل هرات، هراتی / خوان هشتم: چاهی که رستم با نیرنگ شغاد در آن افتاد / ماث: مهدی اخوات ثالث (سرواژه)

۸۴. معنی و مفهوم هر یک از بندهای زیر را بنویسید.
پاسخ:

الف) گرچه بیرون تیره بود و سرد، همچون ترس، / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ...
پاسخ: هر چند که بیرون مانند ترس، تاریک و سرد و بی‌روح بود، قهوه‌خانه (فضای داستان شاهنامه) که پناهگاه من بود، همانند شرم و پاک، گرم و روشن بود.

ب) می‌اندیشید / که نایستی بگوید، هیچ / بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر. / چشم را باید ببندد، تا نبیند هیچ ...
پاسخ: و با خود می‌اندیشید که نباید چیزی بگوید؛ از بس که این فریبکاری پست و بی‌شرمانه است، باید چشمش را ببندد تا چیزی از این دنیای فریب‌آلود نبیند.

پ) در تگ تاریک ژرف چاه پهناور، / کشته هر سو بر کف و دیوارش هایش نیزه و خنجر، / چاه غدر ناجوان‌مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان، چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور.
پاسخ: در ته چاه تاریک و پهناوری که در هر طرف آن، بر کف و دیوارهایش نیزه و خنجر کاشته شده بود، چاهی که نشانه فریبکاری نامردان و افراد پست و بی‌عاطفه بود؛ چنان چاهی که پهنا و بی‌شرمی آن باورکردنی نبود و بسیار غم‌انگیز و شگفت‌آور بود.

۸۵. معنی و مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید.
پاسخ:

الف) به سوزی ده کلام را روایی / کز آن گرمی کند آتش گدایی
پاسخ: آتش با آن گرمایی که دارد، از کلام من گرما گدایی کند. (مفهوم: طلب سوزناک بودن کلام و شعر از خداوند)

ب) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.
پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: خنده از لب‌های او (رستم) افتاد. (مفهوم: ناراحتی و غمگینی رستم از جفای نابردارش، شفاد)

متوسط ۱۳۹۸

۸۶. معنی و مفهوم عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف همگان را خون گرمی بود.

پاسخ: همگی به هم مهربانی و محبت داشتند.

متوسط ۱۳۹۸

ب دمش چونان حدیث آشنایش گرم

پاسخ: کلامش مانند داستان‌های شاهنامه گرم و دلنشین بود.

متوسط ۱۳۹۸

پ قصه است این قصه آری قصه درد است شعر نیست.

پاسخ: سخن من داستان درد و رنج مردم است و مبتنی بر واقعیت‌هاست و خیالی نیست.

متوسط ۱۳۹۸

ت این عیار مهر و کین مرد و نامرد است.

پاسخ: این سخنان من ابزاری برای سنجش محبت و دوستی جوانمردان و نامردی نامردان است.

متوسط ۱۳۹۸

۸۷. معنی و مفهوم عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست.

پاسخ: این شعر من داستان دردها و بدبختی‌های جامعه است و سرنوشت دردمند مردی است که به خون سیاوش‌ها و سهراب‌ها و تختی‌ها آغشته شده است.

متوسط ۱۳۹۸

ب بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست.

پاسخ: شعر خوان هشتم بدون محتوا نیست که ظاهر ادبی و زیبایی داشته باشد بلکه سرشار از واقعیت‌هاست و بی‌ارزش نیست.

متوسط ۱۳۹۸

پ آن‌که هرگز - چون کلید گنج مروارید - گم نمی‌شد از لبش لبخند / خواه روز صبح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین

سوگند.

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: رستم همیشه خنده به لب داشت چه روز دوستی و صلح و چه زمان جنگ که برای دشمن و نابودی آن قسم می‌خورد.

متوسط ۱۳۹۸

ت به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!

پاسخ: ای میهن در دل به جز تو به کسی عشق و محبت ندارم، من این دلم را امتحان کردم و مطمئن شدم.

متوسط ۱۳۹۸

۸۸. معنی و مفهوم عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن!

پاسخ: ای میهن تو مرا به وجود آوردی و با عشق مرا تربیت کردی، تمام وجودم فدای تو باد.

متوسط ۱۳۹۸

ب اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن!

پاسخ: ای میهن در مستی و هوشیاری و در خواب و بیداری (در هر حالتی) فقط به تو توجه دارم و عاشق تو هستم.

متوسط ۱۳۹۸

پ رخش آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا، رخش رخشند ... داشت می خوابید.

پاسخ: رخش آن یار یکتای عزیز و آن بی همتا و بی مانند، رخش رخشند ... داشت می مرد.

متوسط ۱۳۹۸

ت مرد نقال از صدایش ضجه می بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

پاسخ: از صدای مرد نقال ناله و زاری می آمد و نگاهش مثل خنجر تیز بود (بیانگر تفر از حيله).

متوسط ۱۳۹۸

۸۹. مفهوم عبارتهای زیر را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد

پاسخ: لبخند نزد - نخندید

متوسط ۱۳۹۸

ب گویی از تن حس و هوشش رفته بود.

پاسخ: مرگش نزدیک بود.

متوسط ۱۳۹۸

پ روکش تابوت تختی هاست.

پاسخ: ملی و حماسی بودن مطلب

متوسط ۱۳۹۸

۹۰. کدام یک از بیت های زیر بیانگر «خوان هشتم» است؟

الف) در آن کویر سوخته آن خاک بی بهار

حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت

ب) ای پریشان گوی مسکین پرده دیگر کن

پوردستان جان ز چاه نابردار در نخواهد برد

ج) نشسته ام در انتظار این غبار بی سوار

دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی زند

پاسخ: بیت ب: که به سختی خوان هشتم و مرگ رستم اشاره دارد.

و رهایی از خوان هشتم (تزویر و ریا) سخت تر از خوان های دیگر است.

۹۱. با توجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«قصه است این، قصه، آری قصه درد است / شعر نیست، / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست»

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف مقصود از «قصه درد، چیست؟

پاسخ: کشته شدن رستم به دست برادر ناتنی‌اش شغاد و داستان دردناک مرگ جوان‌مردان به دست حيله‌گران.

متوسط ۱۴۰۳

ب چرا شاعر، سروده خود را شعر نمی‌داند؟

پاسخ: زیرا وظیفه‌ای فراتر از شعر برای سروده خود قائل است.

متوسط ۱۴۰۳

پ به نظر شاعر، شعر واقعی باید چه ویژگی‌ای داشته باشد؟

پاسخ: شعر واقعی باید محتوا داشته باشد و جوان‌مردان و ناجوان‌مردان را از هم جدا کند.

شعر خوانی: ای میهن

۹۲. مصراع دوم هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

سخت ۱۴۰۰

الف) آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل

.....

ب) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود

.....

ج) تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن

.....

پاسخ: الف) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران

ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

ج) بود لبریز از عشقت وجودم؛ میهن ای میهن!

۹۳. با توجه به مصراع‌های داده‌شده، ابیات زیر را کامل کنید. (یک مصراع اضافی است)

الف) به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید

.....

ب) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی

.....

سخت ۱۴۰۲

۱) فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!

۲) من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!

۳) به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!

پاسخ: الف) ۲: من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!

ب) ۱: فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!

فصل هفتم: ادبیات داستانی درس ۱۴: سی مرغ و سیمرغ واژگان

۹۴. در گروه کلمات زیر، غلط‌های املایی را بیابید و درست آنها را بنویسید.
«ائانت و یاری - عزم و اراده - طاقت و تحمل - صدر مجلس - استغنا و بی‌نیازی - ذوال و نابودی - وجه ذاد - کوه قاف - دشمنی و مخاصمت»
سخت ۱۳۹۸
پاسخ: اعانت و یاری - صدر مجلس - زوال و نابودی - وجه زاد

دستور زبان

۹۵. با توجه به مصرع اول بیت زیر مسندها را مشخص کنید.
«عاشق آن باشد که چون آتش بود
گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود»
سخت ۱۳۹۸
پاسخ: در جمله اول، «عاشق» مسند است. آن کسی عاشق است که ...
در جمله دوم، «چون آتش» مسند است، مسند (از جنس متمم).
در ظاهر، «آتش» بعد از حرف اضافه «چون» به کار رفته است اما با توجه به نوع فعل جمله، «چون آتش» مسند است.
«چون» اگر به معنی مثل و مانند باشد، (حرف اضافه) ادات تشبیه محسوب می‌شود.

۹۶. نقش ضمیر پیوسته «ت» را در هر دو مصرع مشخص کنید.
«بعد از این وادی حیرت آیدت
کار دائم درد و حسرت آیدت»
سخت ۱۳۹۸
پاسخ: «ت» در مصرع اول متمم و در مصرع دوم مضاف‌الیه است.
بعد از این برای تو وادی حیرت آید. / کارت دائم درد و حسرت است.

۹۷. در بیت زیر یک شبه‌جمله بیابید. جمله‌های مصرع دوم را نیز مشخص کنید.
«بس که خشکی بس که دریا بر ره است
تا نپنداری که راهی کوتاه است»
سخت ۱۳۹۸
پاسخ: «تا» در این بیت به معنی «زنهار» به کار رفته است و «شبه‌جمله» است.
مصرع دوم سه جمله دارد: «تا»، «نپنداری»، و «راهی کوتاه است».

۹۸. با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده‌شده را تعیین کنید.
صد هزاران سایه جاوید، تو
گم شده بینی ز یک خورشید، تو
چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
خویش را دیدند سیمرغ تمام
بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام
سخت ۱۴۰۱

پاسخ:
واژه «تو» نقش تبعی تکرار و واژه «خود» نقش تبعی بدل دارد.
سخت ۱۴۰۱

- پاسخ: درست
- بیت دوم یک جمله غیر ساده است و مصراع اول، جمله وابسته آن است. **ب**
- پاسخ: درست
- نقش دستوری واژه «تمام» در هر دو مصراع بیت سوم، «قید» است. **پ**
- پاسخ: نادرست
- مفهوم «ان» در واژه «صد هزاران» همانند واژه «ان» در واژه «بهاران» است. **ت**
- پاسخ: نادرست

آرایه‌های ادبی

۹۹. هریک از حیوانات زیر در ادبیات کهن فارسی، «نماد» چه مفهومی هستند؟
- سخت ۱۳۹۸
- آهو:
- اسب:
- جغد:
- بلبل:
- بو قلمون:
- شیر:
- سیمرغ:
- طوطی:
- پاسخ: آهو: نماد آزادگی و بی‌گناهی / اسب: نماد نجابت و هوشیاری / جغد: نماد شومی و نحسی / بلبل: نماد عاشقی و دل‌باختگی / بو قلمون: نماد بی‌ثباتی و چندرنگی و ریاکاری / شیر: نماد قدرت و شجاعت / سیمرغ: نماد بلند پروازی، همت، دانایی / طوطی: نماد تقلید و سخن‌گویی

سخت ۱۳۹۸

۱۰۰. در مورد آرایه‌های بیت زیر، کدام مورد نادرست است؟

«چون نگه کردند آن سی مرغ، زود
بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود»

الف) جناس و تکرار

ب) استعاره و جناس

پ) استعاره و تشبیه

پاسخ: گزینه «پ» درست است.

در بیت، تشبیه وجود ندارد.

تکرار: سی مرغ

جناس: ۱- سیمرغ ۲- زود، بود ۳- آن، این

استعاره: ۱- سیمرغ: سالکان ۲- سیمرغ: وجود حق تعالی

سخت ۱۳۹۸

۱۰۱. در تمام گزینه‌ها، دو استعاره وجود دارد؛ به‌جز

الف) محو او گشتند آخر بر دوام

سایه در خورشید گم شد والسّلام

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند

جمله سر از یک گریبان برکنند

پ) بعد از این، وادی عشق آید پدید

غرق آتش شد کسی کانچا رسید

پاسخ: گزینه «ب» درست است.

در این بیت، یک استعاره وجود دارد.

«بیابان، استعاره از وادی توحید است.

در گزینه «الف»، دو استعاره وجود دارد:

سایه: استعاره از موجودات

خورشید: استعاره از خداوند

در گزینه «پ»، دو استعاره وجود دارد:

آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: آتش (عشق) مانند آب است که انسان را در خود غرق می‌کند.

سخت ۱۳۹۸

۱۰۲. در کدام بیت آرایهٔ «مجاز» وجود ندارد؟

الف) عاشق آن باشد که چون آتش بُود

گرم‌رو، سوزنده و سرکش بُود

ب) روی‌ها چون زین بیابان درکنند

جمله سر از یک گریبان برکنند

پ) مرد حیران چون رسد این جایگاه

در تحیر مانده و گم کرده راه

ت) مجمعی کردند مرغان جهان

آنچه بودند آشکارا و نهان

پاسخ: «الف» مجاز ندارد.

در بیت «ب»، «روی»: مجاز از تمام وجود است.

در بیت «پ»، «مرد»: مجاز از انسان

در بیت «ت»، «آشکارا و نهان»: مجاز از همهٔ پرندگان

۱۰۳. با توجه به متن درس «سی مرغ و سیمرغ»، هریک از پرندگان زیر نماد چه کسانی هستند؟

بلبل: (.....)

باز: (.....)

سیمرغ: (.....)

مرغان: (.....)

پاسخ: بلبل: کسانی که وابسته به زیبایی‌های زودگذر و ظاهری هستند.

باز: افراد جاه‌طلب که نمی‌توانند از جاه و مقام خویش بگذرند.

سیمرغ: خداوند

مرغان: انسان‌ها و ساکنان راه حق

۱۰۴. با توجه به ابیات زیر، به سوالات پاسخ دهید.

گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال

حُسن او در هفته‌ای گیرد زوال

وا نیامد در جهان زین راه، کس

نیست از فرسنگِ آن، آگاه کس

پاسخ:

الف

مجاز را در هر دو بیت مشخص کنید.

پاسخ: هفته: مجاز از زمان کوتاه فرسنگ: مجاز از مسافت

ب

«راه» در بیت دوم چه آرایه‌ای دارد؟

پاسخ: «راه»، استعاره از «عشق الهی» است.

سخت ۱۳۹۸

سخت ۱۳۹۸

سخت ۱۳۹۸

سخت ۱۴۰۳

۱۰۵. «استعاره‌های» به کار رفته را در ابیات زیر بنویسید.

پاسخ:

الف

بعد از این وادی عشق آید پدید

غرق آتش شد کسی کانجا رسید

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: آتش استعاره از عشق / غرق آتش: اضافه استعاری (آتش به آبی تشبیه شده است که در آن غرق می‌شوند).

ب

روی‌ها چون زین بیابان در کنند

جمله سر از یک گریبان برکنند

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: بیابان استعاره از وادی توحید

پ

صدهزاران سایه جاوید، تو

گم شده بینی ز یک خورشید، تو

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: سایه استعاره از موجودات (که نمود و سایه خورشید حق تعالی هستند) / خورشید استعاره از وجود حق تعالی

ت

چون به دریا می‌توانی راه یافت

سوی یک شب‌نم چرا باید شتافت؟

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: دریا استعاره از سیمرغ، عشق الهی / شب‌نم استعاره از بهشت

سخت ۱۳۹۸

۱۰۶. در کدام گزینه متناقض‌نما یا پارادوکس وجود ندارد؟

الف) چون بتابد آفتاب معرفت

از سپهر این ره عالی صفت

ب) بعد از این، وادی عشق آید پدید

غرق آتش شد کسی کانجا رسید

پ) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است

هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

پاسخ: گزینه «الف» درست است.

بیت «ب»: غرق آتش شد: غرق کردن ویژگی آب است و این که آتش مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند، پارادوکس است؛ زیرا ویژگی آب را با آتش یکجا جمع کرده است.

بیت «پ»: دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است.

۱۰۷. دربارهٔ تلمیح به کار رفته در بیت زیر توضیح دهید:

سخت ۱۳۹۸

«طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه
آن جاست جلوه گاهم، اینجا چه کار دارم؟»

پاسخ: اشاره دارد به ماجرای رانده شدن انسان (آدم و حوا) از بهشت که به وسوسهٔ شیطان از شجرهٔ ممنوعه خوردند و از بهشت به زمین رانده شدند و طاووس نیز مانند انسان اکنون خود را متعلق به این دنیا نمی‌داند و بهشت را جلوه‌گاه و جایگاه خود می‌داند.

۱۰۸. در هر یک از ابیات زیر آرایهٔ ادبی مقابل آن را توضیح دهید.

سخت ۱۴۰۳

پاسخ:

الف

چون بود کاقلم ما را شاه نیست؟
بیش ازین بی‌شاه بودن راه نیست (جناس)

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «شاه» و «راه»: جناس ناهمسان (ناقص)

ب

شیرمردی باید این ره را شگرف
زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف (واج آرایه)

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: واج آرایه: تکرار صامت «ر»

پ

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است
هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است (متناقض‌نما)

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: «افسرده و یخ‌زده بودن دوزخ»: متناقض‌نما (پارادوکس)

۱۰۹. آرایه‌های مقابل کدام گزینه نادرست است؟

سخت ۱۳۹۸

الف) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ، افسرده‌ای است (متناقض‌نما - تضاد)
ب) بعد از آن بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی‌ای بی‌پا و سر (تشبیه - کنایه)
پ) چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود (جناس تام - تشبیه)
ت) هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت، صدر خویش (مجاز - جناس)

پاسخ: گزینهٔ «پ» درست است. در این بیت، سیمرغ و سی‌مرغ: جناس تام است. تشبیه ندارد.

در گزینهٔ «الف»، هفت دوزخ مثل یخ افسرده‌ای است: متناقض‌نما (دوزخ که جایگاه آتش است، همچو یخ منجمد است).

جنت و بهشت: تضاد
در گزینهٔ «ب»، معرفت، وادی‌ای است: تشبیه (معرفت: مشبه، وادی: مشبه‌به)
بی‌پا و سر: کنایه از بی‌انتها
در گزینهٔ «ت»، صدر: مجاز از مقام / قدر و صدر: جناس

۱۱۰. در بیت زیر، آرایه‌های «تشبیه، استعاره، پارادوکس، واج آرایی» را مشخص کنید.

سخت ۱۳۹۸

«بعد از این، وادی عشق آید پدید

غرق آتش شد کسی کانجا رسید»

پاسخ: وادی عشق: تشبیه (عشق: مشبه، وادی: مشبه‌به)
آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: استعاره (آتش مانند آبی است که انسان را غرق می‌کند).
مشبه مشبه‌به

مشبه‌به نیامده است؛ بنابراین این عبارت استعاره دارد.

غرق آتش: پارادوکس (غرق کردن، ویژگی آب است و آتش یا همان عشق، مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند؛ بنابراین، چون ویژگی آب و آتش را یکجا جمع کرده است، پارادوکس است).
واج آرایی: تکرار حروف «د» و «ش»

سخت ۱۴۰۳

۱۱۱. آرایه‌های ادبی ابیات زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف

بعد از این وادی عشق آید پدید

غرق آتش شد کسی کانجا رسید

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: آتش استعاره از عشق / غرق آتش: اضافهٔ استعاری (آتش به آبی تشبیه شده است که در آن غرق می‌شوند. / تکرار صامت (د): واج آرایی / غرق آتش عشق شدن کنایه از عاشق شدن

ب

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است

هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: مانند کردن هشت جنت به مرده: تشبیه / مانند کردن هفت دوزخ به یخ: تشبیه / اینکه هفت دوزخ مثل یخ، سرد و منجمد باشد: متناقض‌نما (پارادوکس) / مثل مرده‌ای بودن کنایه از بی‌ارزش بودن / هشت، هفت: جناس ناهمسان / جنت، دوزخ: تضاد و مراعات‌نظیر / هشت، هفت: مراعات‌نظیر

قرابت معنایی

۱۱۲. مفهوم کدام بیت با بیت «چون نگه کردند آن سی مرغ، زود / بی شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود» متفاوت است؟ توضیح دهید.

سخت ۱۳۹۸

الف) عشق را خواهی که چون پایان بری

بس که بپسندید باید ناپسند

ب) دو جهان پر و بال سی مرغ است

نیست سیمرغ و آشیانه پدید

پ) عشق هم عاشق است و هم معشوق

عشق، دوروبه نیست یک روبه است

پاسخ: بیت «الف» مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که برای رسیدن به کمال عشق، باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد. اما مفهوم بیت صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها این است که همه ذرات و پدیده‌های جهان نمودی از خدا هستند و وجود خداوند در ذات همه پدیده‌ها ساری و جاری است.

۱۱۳. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

چون نگه کردند آن سی مرغ زود

بی شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود

ای نسخه نامه الهی که تویی

وی آینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست

در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

پاسخ: خداوند در درون انسان است و انسان وجودی الهی و ارزشمند دارد (الهی بودن وجود انسان).

۱۱۴. مفهوم مشترک ابیات هر بخش را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

الف) دل چه بندی در این سرای مجاز؟

همت پست کی رسد به فراز؟

ملک اینجا بایدت انداختن

ملک اینجا بایدت در باختن

ب) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

صد هزاران سایه جاوید، تو

گم شده بینی ز یک خورشید، تو

پاسخ: الف) رها کردن این جهان و طلب کردن حقیقتی برتر از این جهان

ب) فنا شدن در راه عشق

سخت ۱۳۹۸

۱۱۵. مفهوم کدام بیت به «یگانگی خداوند در عین تعدّد و کثرت مظاهر و پدیده‌ها، اشاره ندارد؟»

- الف) صد هزاران سایه جاوید، تو
گم شده بینی ز یک خورشید، تو
ب) مدّتی شد تا درین راه آمدیم
از هزاران، سی، به درگاه آمدیم
پ) چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
ت) خویش را دیدند سیمرغ تمام
بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام

پاسخ: پاسخ گزینه «ب» است. مفهوم بیت تشریح راه سیر و سلوک و طولانی شدن زمان و مسیر حرکت و رسیدن تعداد کمی از پرندگان (سالکان) به پیشگاه سیمرغ (خداوند) است؛ اما مفهوم دیگر گزینه‌ها بیان کثرت آثار و پدیده‌ها در عین واحد بودن حقیقت است و پدیده‌های متعدد را جلوه‌ای از وجود یگانه حضرت حق می‌داند.

۱۱۶. بیت «شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف» با کدام بیت مفهوم مشترک دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

- الف) نی حدیث راه پر خون می‌کند
قصه‌های عشق مجنون می‌کند
ب) سر مویی ز تو، تا با تو باقی است
درین ره درنگنجی، گرچه مویی

پاسخ: بیت صورت سؤال و بیت «الف» از «نی‌نامه» به سختی‌های راه عشق و خطرناک بودن مسیر آن اشاره دارند. اما بیت «ب» به مفهوم گذشتن از خواسته‌های نفسانی برای رسیدن به خداوند اشاره دارد.

۱۱۷. بیت زیر با کدام بیت از درس نی‌نامه مناسبت دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

سخت ۱۴۰۲

- شیرمردی باید این ره را شگرف
زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف «عطار»

پاسخ:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر دو بیت به این مسئله اشاره دارند که راه و راز عشق را تنها عاشق دلسوخته و شجاع درمی‌یابد؛ زیرا راه عشق راه پر خوف و پر خطری است.

۱۱۸. مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

سخت ۱۴۰۰

- نی حدیث راه پر خون می‌کند
قصه‌های عشق مجنون می‌کند
شیرمردی باید این ره را شگرف
زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

پاسخ: دشوار و پرخطر بودن راه عشق.

سخت ۱۴۰۳

۱۱۹. در موارد زیر ابتدا مفهوم مشترک دو بیت را بنویسید سپس مشخص کنید که هر مورد یادآور کدام وادی از هفت وادی عشق است؟

پاسخ:

الف

- وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا
هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است
- صد هزاران سایه جاوید، تو
گم شده بینی ز یک خورشید، تو

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: فنا شدن در راه عشق؛ وادی فقر و فنا

ب

- دل چه بندی در این سرای مجاز؟
- مال، اینجا بایدت انداختن
همّت پست کی رسد به فراز؟
ملک، اینجا بایدت درباختن

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: چیزی برتر از این جهان را طلب کردن؛ وادی طلب

پ

- چشم بگشا به گلستان و ببین
جلوه آب صاف در گل و خار
روی‌ها چون زین بیابان در کنند
جمله سر از یک گریبان بر کنند

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: همه چیز را از خداوند دیدن؛ وادی توحید

۱۲۰. ارتباط معنایی موارد زیر را توضیح دهید.

- بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی
چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: وجود الهی و ارزشمند انسان و یافتن خداوند در درون خود.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

سخت ۱۴۰۳

۱۲۱. با توجه به درس «سی مرغ و سیمرغ» عذراوری مرغان بیانگر چه مطلبی است؟

پاسخ: دشواری راه - وجود ترس از مشکلات یا علاقه به تعلقات مادی

سخت ۱۳۹۸

۱۲۲. مفهوم مشترک دو بیت زیر را بنویسید.

- «وانیامد در جهان زین راه کس
نیست از فرسنگ آن آگاه کس»
«راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست
آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست»

- پاسخ: کسی از راه عاشقی به سلامت برگشته است و این راه، راهی بس خطرناک است.
۱۲۳. مفهوم کلی بیت زیر چیست؟ بیت چند جمله دارد؟
«محو او گشتند آخر بر دوام
سایه در خورشید گم شد والسلام»
- پاسخ: اتحاد عاشق و معشوق
بیت سه جمله دارد؛ «والسلام» شبه جمله است و یک جمله به حساب می آید.
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۴. مفهوم بیت زیر بیانگر کدام اصطلاح عرفانی است؟
«پاسبان حرم دل شده ام، شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم»
- پاسخ: تجرید: خالی شدن قلب سالک از آنچه غیر خداست.
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۵. مفهوم مشترک دو بیت زیر، بیانگر کدام اصطلاح عرفانی است؟
«امید تو بیرون بُرد از دل همه امیدی
سودای تو خالی کرد از سر همه سودایی»
«پاسبان حرم دل شده ام، شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم»
- پاسخ: تجرید
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۶. جای خالی را کامل کنید.
وادی ششم: «بعد از این وادی آیدت
کار دائم درد و حسرت آیدت»
وادی دوم: «بعد از این وادی آید پدید
غرق آتش شد کسی کانجا رسید»
- پاسخ: حیرت - عشق
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۷. هفت «وادی» را به ترتیب نام ببرید.
پاسخ: ۱) طلب ۲) عشق ۳) معرفت ۴) استغنا ۵) توحید ۶) حیرت ۷) فقر و فنا
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۸. بیت زیر کدام یک از شخصیت های منطق الطیر را توصیف می کند؟
«من اگر شایسته سلطان شوم
به که در وادی بی پایان شوم»
- پاسخ: باز، که علاقه مند به پادشاهان و هم نشینی با آنهاست.
- ۱۳۹۸ سخت
۱۲۹. در بیت «صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو»، منظور از بخش های مشخص شده را بنویسید.
پاسخ: صد هزاران سایه جاوید: استعاره از همه موجودات
یک خورشید: استعاره از خداوند
- ۱۳۹۸ سخت

۱۳۰. هریک از ابیات زیر، بیانگر وادی چندم از وادی‌های عرفان است؟

سخت ۱۳۹۸

الف) صد هزاران سایه جاوید، تو

گم شده بینی ز یک خورشید، تو

ب) مُلک، اینجا بایدت انداختن

ملک اینجا بایدت در باختن

پاسخ: الف) وادی هفتم (فقر و فنا)

ب) وادی اول (طلب)

۱۳۱. بیت «هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت، صدر خویش» مربوط به وادی چندم است؟ وادی بعد از آن چیست؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: وادی سوم «معرفت»، است که بعد از آن وادی استغنا است.

۱۳۲. در بیت «هر که داند گفت با خورشید، راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟» منظور از «خورشید» و «ذره» چیست؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: خورشید: استعاره از خداوند

ذره: استعاره از خواسته‌های کوچک

۱۳۳. با توجه به وادی مورد نظر در بیت «هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است»، کدام گزینه مربوط به وادی بعد از آن است؟

سخت ۱۳۹۸

الف) صد هزاران سایه جاوید، تو

گم شده بینی ز یک خورشید، تو

ب) روی‌ها چون زین بیابان در کنند

جمله سر از یک گریبان برکنند

پاسخ: بیت صورت سؤال به وادی چهارم (استغنا) اشاره دارد و با توجه به این که وادی پنجم، وادی «توحید» است، گزینه «ب» مربوط به این وادی است.

اما بیت «الف» به محو شدن موجودات و سایه‌ها در برابر خورشید وجود خداوند و وادی «فنا» اشاره دارد.

۱۳۴. بیت «روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان برکنند» به کدام یک از هفت وادی اشاره دارد؟ کنایه‌ای را که به این مفهوم اشاره دارد، مشخص کنید.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: توحید. سر از یک گریبان بر کردن: کنایه از به وحدت و یگانگی رسیدن

۱۳۵. ویژگی هریک از وادی‌های «فقر و فنا»، «توحید» و «استغنا» در کدام بیت آمده است؟ به ترتیب مشخص کنید.

سخت ۱۳۹۸

الف) درین دریا گلیمت شسته گردد

اگر یک بار دست از خود بشویی

ب) چو با توست آنچه می‌جویی به هرجا

به هرزه، گرد عالم چند پویی؟

پ) چشم بگشا به گلستان و بین

جلوه آب صاف در گل و خار

پاسخ: الف) فقر و فنا

ب) استغنا

پ) توحید

۱۳۶. هریک از ابیات زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی هستند؟

سخت ۱۳۹۸

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟

همّت پست کی رسد به فراز؟

پ) چو با دریا گرفتی آشنایی

مجرد شو، ز سر برکش تو دویی

ت) درین میدان همی خور زخم، چون تو

فتاده در خم چوگان چو گویی

پاسخ: الف) وادی فقر و فنا

ب) استغنا

پ) توحید

ت) طلب

۱۳۷. هریک از پرندگان زیر، دارای مفهوم نمادین هستند. نام هر پرنده را به مفهوم نمادین آن، وصل کنید.

سخت ۱۳۹۸

الف) سیمرغ

ب) طاووس

پ) هدهد

ت) باز شکاری

ث) بلبل

ج) سیمرغ

۱) افراد جاه طلب که نمی‌توانند از جاه و مقام خویش بگذرند.

۲) کسانی که راه کمال و معرفت را تا پایان طی می‌کنند.

۳) خداوند

۴) کسانی که به قصد پاداش خداوند را عبادت می‌کنند.

۵) کسانی که به زیبایی‌های زودگذر و ظاهری وابسته‌اند.

۶) انسان کامل و راهنما و آگاه به مسیر

پاسخ: الف) ۳

ب) ۴

پ) ۶

ت) ۱

ث) ۵

ج) ۲

۱۳۸. هر بیت زیر، یادآور کدام وادی از هفت وادی است؟

سخت ۱۴۰۲

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است «عطار»

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟

همّت پست کی رسد به فراز؟ «سنایی»

پ) چشم بگشا به گلستان و ببین

جلوة آب صاف در گل و خار «هاتف اصفهانی»

پاسخ:

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

وادی فقر و فنا: از خود فانی شدن و ترک تعلقات دنیایی شرط رسیدن به وصال است.
 (ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ همت پست کی رسد به فراز؟
 وادی استغنا: کسی که دل بسته تعلقات دنیایی و نیازمند به آنها است، نمی تواند به کمال برسد. (سرای مجاز: استعاره از دنیا)
 (پ) چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار
 وادی توحید: به وحدت وجود اشاره دارد و این که وجود حقیقی فقط از آن خداوند است و همه موجودات جلوه ای از وجود حقیقی او هستند.

۱۳۹. با توجه به ابیات زیر، به سوالات پاسخ دهید:

بعد از آن بنمایدت پیش نظر
 معرفت را وادی ای بی پا و سر
 بعد از این، وادی حیرت آیدت
 کار دائم درد و حسرت آیدت

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف

مرجع هریک از ضمیرهای «آن» و «این» به ترتیب، کدام یک از وادی های عرفانی است؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: مرجع ضمیر «آن»، وادی «عشق» و مرجع ضمیر «این»، وادی «توحید» است.

ب

هریک از وادی های مربوط به ابیات بالا را در بیت مشخص کنید و بنویسید که هریک از آنها وادی چندم هستند؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: وادی «معرفت»، وادی سوم و وادی «حیرت»، وادی ششم است.

۱۴۰. با توجه به ابیات زیر به سوالات پاسخ دهید.

چشم بگشا به گلستان و بین
 جلوه آب صاف در گل و خار
 روی ها چون زین بیابان درکنند
 جمله سر از یک گریبان برکنند

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف

مفهوم مشترک ابیات بالا چیست؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: وجود همه چیز را از خداوند دانستن. (جاری بودن وجود خداوند در همه پدیده ها)

ب

این ابیات، یادآور کدام وادی از هفت وادی عرفان است؟

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: یادآور وادی توحید هستند.

۱۴۱. هر یک از ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان معنی کنید.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف

اشتر مقالات گرگ و روباه بر آن گونه شنید.

سخت ۱۳۹۸

- پاسخ: شتر سخنان گرگ و روباه را به آن شکل شنید.
- ب) با ایشان از وجه زاد و توشه، گردهای بیش نبود.
- پاسخ: خوراکی و غذای راهشان تنها به مقدار یک قرص نان بود.
- پ) من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شما را چراغ فرا می‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم.
- پاسخ: من آن شب در آنجا حضور داشتم و برای شما چراغ نگه می‌داشتم و به مادرت کمک می‌کردم.
- ت) هر که داند گفت با خورشید، راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟
- پاسخ: کسی که بتواند به خورشید (خداوند) رازهای خود را بگوید، هیچ وقت از رسیدن به ذره (خواسته‌های کوچک) باز نمی‌ماند (اکتفا نمی‌کند).
- ث) عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود
- پاسخ: عاشق، کسی است که مانند آتش، تیزرو (سریع)، سوزان و سرکش (مهارنشدنی) باشد.
- ج) روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند
- پاسخ: وقتی که از این بیابان (وادی توحید) عبور کنند، همه با هم یکی می‌شوند (به وحدت و یگانگی می‌رسند).
- چ) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است
- پاسخ: در این مرحله (وادی استغنا)، هشت طبقه بهشت مانند مرده‌ای (بی‌ارزش) است و هفت طبقه جهنم مانند یخ، سرد و بی‌حرکت است.
- ح) چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود / بی‌شک این سی‌مرغ، آن سیمرغ بود
- پاسخ: وقتی که آن سی‌پرنده به دقت نگاه کردند، زود متوجه شدند که قطعاً این سی‌مرغ (خودشان)، همان سیمرغ بود.
- خ) شیرمردی باید این ره را شگرف / زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف
- پاسخ: برای پیمودن این راه، مردی شجاع و نیرومند لازم است؛ زیرا این راه (مسیر عرفان و خدانشناسی)، طولانی و پر خطر است. (موانع و سختی‌های بسیار دارد).
۱۴۲. در بیت زیر، معنای قسمت مشخص شده را بنویسید.
- «روی‌ها چون زین بیابان در کنند
جمله سر از یک گریبان بر کنند»
- پاسخ: همگی به وحدت و یگانگی می‌رسند.

۱۴۳. گوینده هر یک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر با توجه به درس سی مرغ و سیمرغ، کدام یک از شخصیت‌هاست؟

سخت ۱۳۹۸

الف) در سرم از عشق گل سودا بس است

زان که مطلوبم گل رعنا بس است

ب) من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام پیوسته با آنان بوده‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام.

پ) من مرغ بهشتی‌ام روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام. مار با من آشنا شد، آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.

پاسخ: الف) بلبل ب) باز پ) طاووس

۱۴۴. در جدول زیر، هریک از ابیات، یادآور کدام وادی از وادی‌های هفت‌گانه عطار است؟ (از ستون مقابل انتخاب کنید).

سخت ۱۴۰۰

| | | |
|-----|--|--------------------------------------|
| الف | «دل چه بندی در این سرای مجاز همّت پست کی رسد به فراز» | (۱) توحید |
| ب | «صد هزاران سایه جاوید تو گم شده بینی از یک خورشید تو» | (۲) طلب (۱) فقر و فنا (۲) حیرت |

پاسخ: الف) یا طلب

ب) با فقر و فنا

۱۴۵. هر یک از ابیات زیر، یادآور کدام یک از هفت وادی در سروده عطار است؟ (نام وادی را بنویسید).

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

ب) روی‌ها چون زین بیابان در کنند

جمله سر از یک گریبان برکنند

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: الف) فنا (وادی هفتم)

ب) توحید (وادی پنجم)

تاریخ ادبیات

۱۴۶. در عبارات زیر، جاهای خالی را، به درستی، پر کنید.

سخت ۱۴۰۳

پاسخ:

سخت ۱۴۰۳

الف کتاب «بخارای من ایل من» اثر است.

پاسخ: محمد بهمن بیگی

سخت ۱۴۰۳

ب کتاب نوشته «طهیری سمرقندی» است.

پاسخ: سندبادنامه

درس ۱۶: کباب غاز واژگان

سخت ۱۳۹۸

۱۴۷. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف به سرعت می‌دوید. دو سه بار سکندری خورد.

پاسخ: حالت انسان که در اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بیفتد.

سخت ۱۳۹۸

ب به مصطفی گفت: مصطفی، این، روی برجکش تیربار دارد.

پاسخ: سازه‌ای چرخان که روی تانک قرار دارد و به کمک آن، می‌توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

سخت ۱۳۹۸

پ اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین‌جا بستری شده وبال جانت می‌گردیم.

پاسخ: سختی، عذاب.

سخت ۱۳۹۸

ت این بدبخت‌ها سال آزگار یک بار برایشان چنین پای می‌افتد.

پاسخ: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل.

سخت ۱۳۹۸

ث چنین روز مبارکی صله ارحام نکنی، کی خواهی کرد؟

پاسخ: به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن.

سخت ۱۳۹۸

ج یکی از حُصار جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.

پاسخ: پیشانی.

سخت ۱۳۹۸

چ پس از مدتی اندیشه و استثاره، چاره منحصر به فرد را در این دیدم.

پاسخ: رای‌زنی، مشورت، نظرخواهی.

سخت ۱۳۹۸

ح آن‌گاه، با خنده تصنعی، وارد اتاق مهمان‌ها شدم.

پاسخ: ساختگی.

سخت ۱۳۹۸

خ به‌عنوان ولیمه، کباب غاز صحبی بدهد.

پاسخ: غذایی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

سخت ۱۳۹۸

د مگر نمی‌دانی که شکوم ندارد و بچه اول می‌میرد؟

پاسخ: شگون / میمنت، خجستگی و مبارکی، چیزی را به فال نیک گرفتن.

سخت ۱۳۹۸

۱۴۸. معنی کدام واژه‌ها در برابر آنها نادرست آمده است؟ معنی درست آنها را بنویسید.

«معال: ناممکن / استشاره: مشورت دادن / بلامعارض: بی‌رقیب / بذله: بخشش / اطوار: رفتار یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار / تصنعی: ساختگی / به انضمام: به‌جز / سکندری خوردن: حالت سکندری برای کسی پیش آمدن»

پاسخ: سه واژه:

۱ - استشاره: رأی‌زنی، مشورت، نظرخواهی

۲ - بذله: شوخی، لطیفه

۳ - به انضمام: به ضمیمه، به همراه

۱۴۹. واژه‌های مربوط به هریک از معانی «نظرخواهی، خجستگی، ارتقا یافتن» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟ واژه مورد نظر را مشخص کنید.

سخت ۱۳۹۸

الف) در کارگاه دولت، شور حشم شگون نیست

یکسر خروش جغد است هر جا هما نشیند

ب) پیران صاف‌طینت رأی صواب دارند

صائب، مگرد غافل از استشاره صبح

پ) شهی که کسوت جاه و منال دولت او

طراز سرمد و ترفیع جاودان دارد

پاسخ: نظرخواهی: بیت «ب» ← واژه «استشاره»

خجستگی: بیت «الف» ← واژه «شگون»

ارتقا یافتن: بیت «پ» ← واژه «ترفیع»

۱۵۰. در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟ شکل درست آنها را بنویسید.

«مصطفی قد دراز و کج و معوجش را روی صندلی مخمل جا داد و خاست جویده‌جویده از این بروز محبت و دل‌بستگی غیرمترقبه سیاس‌گذاری کند؛ ولی مهلتش نداده گفتم: «تو برادر کوچک من هستی، اصلاً امروز هم نمی‌گزارم از اینجا بروی. چیزی که هست، ملتفت باش احدی از مهمانان درصدد دست زدن به این غاز برنیاید. آن وقت من هر چه اسرار و تعارف می‌کنم، تو بیشتر امتناء می‌ورزی.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: در این متن، املائی شش واژه نادرست است. این واژه‌ها و املائی درست آنها عبارت است از:

۱ - خاست ← خواست

۲ - غیرمترقبه ← غیرمترقبه

۳ - سیاس‌گذاری ← سیاست‌گذاری

۴ - نمی‌گزارم ← نمی‌گذارم

۵- اصرار ← امتناع
۶- امتناع ← امتناع

۱۵۱. در گروه کلمات زیر، املاي کدام واژه‌ها نادرست است؟ شکل درست آنها را بنویسید.

«دل‌بستگی غیرمترقبه - اثنا و میان - اصرار و پافشاری - امتناء و خودداری - بهبوحه بخوربخور - قدر و اندازه - محضوظ و برخوردار - غاز فربه - بذله و شوخی - حال استیصال - جوان دیلاق»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: املاي چهار واژه نادرست است. این واژه‌ها و املاي درست آنها عبارت‌اند از:

- ۱- امتناء و خودداری ← امتناع و خودداری
- ۲- بهبوحه بخوربخور ← بحبوحه بخوربخور
- ۳- محضوظ و برخوردار ← محظوظ و برخوردار
- ۴- بذله و شوخی ← بذله و شوخی

۱۵۲. در گروه کلمات زیر، «غلط‌های املايي» را بیابید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

«کازیه و جاکاغذی - بقولات و حبوبات - انضمام و ضمیمه - طبّق و سینی - طاق و سقف مُهدّب - تطاول و تعدّی - خُرد رفتن و ساییده شدن - قلیان و جوشش»

سخت ۱۴۰۲

پاسخ: طاق و سقف محدّب - خورد رفتن و ساییده شدن - غلیان و جوشش

دستور زبان

۱۵۳. در عبارت زیر قسمت حذف‌شده را مشخص کنید و نوع حذف را تعیین نمایید.

«گفتم: پس چاره‌ای نیست جز اینکه دو روز مهمانی بدهیم. یک روز یک دسته بیابند و فردای آن روز، دسته‌ای دیگر. عیالم با این ترتیب موافقت کرد.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: در جمله «فردای آن روز دسته‌ای دیگر»، فعل «بیابند» به قرینه «بیابند» در جمله پیشین (یک روز یک دسته بیابند)، حذف شده است؛ بنابراین، چون لفظ «بیابند» به خاطر وجود قرینه و مشابه آن، حذف شده است، به این نوع حذف، اصطلاحاً «حذف به قرینه لفظی» می‌گویند.

۱۵۴. با توجه به متن زیر، به سوالات پاسخ دهید.

«من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد، ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم، اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف چند حرف پیوند هم‌پایه‌ساز وجود دارد؟ مشخص کنید.

پاسخ: دو مورد: ولی، اما

سخت ۱۳۹۸

ب نقش دستوری واژه «استاد» چیست؟

پاسخ: مضاف‌الیه

سخت ۱۳۹۸

پ چند جمله مستقل مرکب وجود دارد؟

پاسخ: دو جمله مستقل مرکب:

۱- من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد .

جمله هسته (پایه) جمله وابسته (پیرو)

۲- خوش ندارم که زیاد استعمال کنم: (حرف پیوند که نقش‌نمای جمله وابسته (پیرو) است، در جمله نیامده است).

جمله هسته (پایه) جمله وابسته (پیرو)

۱۵۵. در نوشته زیر، پرسش‌ها را پاسخ دهید.

«وزیر داخله اتومبیل شخصی خود را فرستاده بودند که فوراً آنجا بروند و دیگر نخواستند مزاحم آقایان بشوند. همه اهل مجلس تأسف خوردند و از خوش‌مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و برای دعوت ایشان به مجالس خود، نمره تلفن او را از من خواستند.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف کدام واژه‌ها نقش «مفعول» دارند؟

پاسخ:

اتومبیل ، مزاحم آقایان بشوند، چیزها ، نمره
مفعول برای فعل (فرستاده بودند) مفعول برای فعل (نخواستند) مفعول برای فعل (گفتند) مفعول برای فعل (خواستند)

سخت ۱۳۹۸

ب چند واژه نقش «مضاف‌الیه» دارد؟ (نه تا / ده تا / یازده تا)

پاسخ: یازده واژه در نقش مضاف‌الیه آمده است.

وزیر داخله ، اتومبیل خود ، مزاحم آقایان ، اهل مجلس ، خوش‌مشربی او ، فضل او ، کمال او ، دعوت ایشان ، مجالس خود ، نمره تلفن ، تلفن او
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۱۵۶. با توجه به متن زیر، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد؛ ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم؛ اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف فعل «می‌دانم» به چه معنی است؟ این فعل، به جز نهاد به کدام اجزای دستوری نیاز دارد؟

پاسخ: فعل «می‌دانم» به معنی «می‌پندارم» است و به جز نهاد، به «مفعول و مسند» نیاز دارد.

من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی که باید متروک گردد، می‌دانم

نهاد مفعول مسند فعل

سخت ۱۳۹۸

ب متن، چند جمله دارد؟

پاسخ: پنج جمله دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم.
- ۲ - که باید متروک گردد.
- ۳ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم.
- ۴ - اما خوش ندارم.
- ۵ - زیاد استعمال کنم.

سخت ۱۳۹۸

پ چند جمله مستقل وجود دارد؟

پاسخ: سه جمله مستقل دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد. (یک جمله مستقل مرکب)
- ۲ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم. (یک جمله مستقل ساده)
- ۳ - اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. (یک جمله مستقل مرکب)

۱۵۷. با توجه به متن زیر، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

« در این آننا، صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد. آقای استادی رو به نوکر نموده فرمودند: هم‌قطار، احتمال می‌دهم وزیر داخله باشد و مرا بخواند. بگویند: فلانی حالا سر میز است و بعد خودش تلفن خواهد کرد.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف چند وابسته پیشین گروه اسمی وجود دارد؟ مشخص کنید.

پاسخ: یک مورد: این (این آننا، آقا (آقای استادی)

سخت ۱۳۹۸

ب کدام واژه‌ها ضمیر هستند؟

پاسخ: من (مرا)، فلانی (ضمیر مبهم)، خود، تـ ش،

سخت ۱۳۹۸

۱۵۸. از متن درس برای کاربرد انواع حرف ربط یا پیوند (وابسته‌ساز - هم‌پایه‌ساز)، نمونه‌های مناسب بیابید.

سخت ۱۴۰۲

پاسخ: شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.

یک جمله مستقل ساده حرف پیوند یک جمله مستقل ساده

همپایه ساز

من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد ولی کلمه استاد را اختیار کردم

یک جمله مستقل ساده

حرف پیوند جمله وابسته (پیرو) حرف پیوند

وابسته‌ساز همپایه ساز

یک جمله مستقل مرکب...

به اصرار یکی از ادیبان کلمه استاد را اختیار کردم اما خوش ندارم

یک جمله مستقل ساده حرف پیوند یک جمله مستقل ساده

همپایه ساز

خودت بهتر می‌دانی که در این شب عیدی مالتیه از چه قرار است.
 جمله هسته (پایه) حرف پیوند جمله وابسته (پیرو) وابسته‌ساز

یک جمله مستقل مرکب
بگذار سماق بپکند (حرف پیوند وابسته‌ساز (که / تا) حذف شده است).
 جمله هسته جمله وابسته (پایه) (پیرو)

یک جمله مستقل مرکب
هرگز دیده نشده که نصف غاز را سر سفره بیاورند.
 جمله هسته (پایه) حرف پیوند جمله وابسته (پیرو) وابسته‌ساز

سخت ۱۴۰۲

۱۵۹. زمان و نوع فعل «نخستین جمله» در همه عبارات زیر، به‌جز عبارت یکسان است.

الف) داشتم می‌گفتم آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.

ب) در باب آن مسئله معهود، خاطر من داشت کم کم به کلی آسوده می‌شد.

پ) با تمام نیرویی که داشت می‌دوید. هر از گاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد.

ت) کار داشت به دلخواه انجام می‌یافت که ناگهان از دهنم در رفت که آخر آقایان، حیف نیست از چنین غازی گذشت؟

پاسخ: گزینه پ؛ «با تمام نیرویی که داشت می‌دوید. هر از گاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد».

آرایه‌های ادبی

سخت ۱۳۹۸

۱۶۰. هر یک از مفاهیم را به کنایه آن وصل کنید.

| (مفهوم) | (کنایه) |
|------------------------------|------------------------------|
| ۱ - انتظار بیهوده کشیدن | ۱ - مثل فتر در رفتن |
| ۲ - انجام کاری مفید برای خود | ۲ - خم به ابرو نیاوردن |
| ۳ - انتظار کشیدن | ۳ - شاخ در آوردن |
| ۴ - بدون چون و چرا | ۴ - سماق مکیدن |
| ۵ - ناراحت شدن | ۵ - بی برو برگرد |
| ۶ - بی‌اختیار شدن | ۶ - سر توی حساب بودن |
| ۷ - چه کار کردن؟ | ۷ - چین به صورت انداختن |
| ۸ - تعجب کردن | ۸ - این یک دم را خوش نخواندن |
| ۹ - حواس جمع بودن | ۹ - گل به سر خود زدن |
| ۱۰ - ناتوان | ۱۰ - ساعت‌شماری کردن |
| ۱۱ - اصرار نکردن | ۱۱ - چه خاکی به سر ریختن؟ |
| ۱۲ - ناراحت نشدن | ۱۲ - بی‌دست و پا |

پاسخ:

| (مفهوم) | (کنایه) |
|--------------------------|------------------------------|
| بی اختیار شدن | ۱ - مثل فنر در رفتن |
| ناراحت نشدن | ۲ - خم به ابرو نیاوردن |
| تعجب کردن | ۳ - شاخ در آوردن |
| انتظار بیهوده کشیدن | ۴ - سماق مکیدن |
| بدون چون و چرا | ۵ - بی برو برگرد |
| حواس جمع بودن | ۶ - سر توی حساب بودن |
| ناراحت شدن | ۷ - چین به صورت انداختن |
| اصرار نکردن | ۸ - این یک دم را خوش نخواندن |
| انجام کاری مفید برای خود | ۹ - گل به سر خود زدن |
| انتظار کشیدن | ۱۰ - ساعت شماری کردن |
| چه کار کردن؟ | ۱۱ - چه خاکی به سر ریختن؟ |
| ناتوان | ۱۲ - بی دست و پا |

۱۶۱. با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«دیگران که منتظر چنین حرفی بودند، فرصت نداده مانند قحطی‌زدگان به جان غاز افتادند و در یک چشم به هم زدن، چنان کلکش را کردند که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود نهاده بود!»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف مشبه و وجه شبه کدام است؟

پاسخ: دیگران ← مشبه / به جان غاز افتادند ← وجه شبه

سخت ۱۳۹۸

ب کدام عبارت کنایی به مفهوم نابود کردن است؟

پاسخ: کلکش را کردند (کلک چیزی را کردن)

سخت ۱۳۹۸

پ در عبارت «گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود نهاده بود!» در چه مفهومی، اغراق صورت گرفته است؟

پاسخ: «به طور کامل خوردن غاز، طوری که هیچ بخشی از غاز باقی نمانده بود.»

سخت ۱۳۹۸

ت مفهوم کنایی «در یک چشم به هم زدن» یعنی چه؟

پاسخ: کنایه از زمان کوتاه

۱۶۲. در متن زیر، کنایه‌ها و مفهوم آنها را مشخص کنید.

«حقاً که حرف منطقی بود و هیچ بروبرگرد نداشت. چاره‌منحصر به فرد را در این دیدم که هر طور شده، یک غاز دیگر دست و پا کنیم. به خود گفتم: این مصطفی اگرچه کودن است، ولی پیدا کردن یک غاز در شهر بزرگی مثل تهران، کشف امریکا و شکستن گردن رستم نیست؛ لابد این قدرها از دستش ساخته است.»

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: در این متن، پنج کنایه به کار رفته است:

برو برگرد نداشتن ← بدون چون و چرا و بدون بحث بودن

دست و پا کردن ← تهیه کردن/ فراهم کردن

کشف آمریکا ← انجام کار سخت و دشوار

شکستن گردن رستم ← انجام کار سخت و دشوار

کاری از دست کسی ساخته شدن ← کاری را به انجام رساندن

۱۶۳. معنی چند کنایه در برابر آن نادرست آمده است؟

سخت ۱۳۹۸

«این مقدار از دستش ساخته است: میزان توانایی خود را نشان دادن/ می‌خواهم نشان بدهی که چند مرده حلاجی: توانایی انجام کاری را داشتن/ هنوز درست دستگیرش نشده بود: موضوعی را نفهمیدن/ خاطر جمع بودن: اطمینان داشتن/ متکلم وحده شدن: فقط با یک نفر گفت‌وگو کردن/ در شوخی و بذله، نوک جمع را چیده است: به دیگران اجازه سخن گفتن ندادن/ روا نیست روی میهمان عزیز را زمین انداخت: بی‌توجهی کردن به درخواست کسی/ ولی چون تیری که از شست رفته باز نمی‌گردد: کار انجام شده غیر قابل جبران بودن»

الف) دو ب) یک پ) چهار ت) سه

پاسخ: «ت» درست است.

۱ - این مقدر از دستش ساخته است ← یعنی این قدر توانایی انجام کار را دارد.

۲ - چند مرده حلاجی ← یعنی چقدر توانایی داری؟ میزان توانایی خود را نشان بده.

۳ - متکلم وحده شده است ← یعنی به دیگران اجازه سخن گفتن نمی‌دهد. معادل «نوک جمع را چیده است».

سخت ۱۳۹۸

۱۶۴. مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف) چند مرده حلاج بودن:

پاسخ: چقدر توانایی داشتن

سخت ۱۳۹۸

ب) چشم دوختن:

پاسخ: خیره شدن

سخت ۱۳۹۸

۱۶۵. مفهوم هریک از کنایه‌های زیر را در جای خالی مقابل آنها بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف) شکم را صابون زدن:

پاسخ: به خود وعده دادن/ خود را آماده خوردن نمودن

- سخت ۱۳۹۸ **ب** سماق مکیدن:
پاسخ: انتظار بیهوده کشیدن
- سخت ۱۳۹۸ **پ** پشت دست داغ کردن:
پاسخ: توبه کردن از انجام دوباره کاری / پشیمان شدن
- سخت ۱۳۹۸ **ت** حساب کسی را دستش دادن:
پاسخ: او را تنبیه کردن
- سخت ۱۳۹۸ **ث** به خود آمدن:
پاسخ: فهمیدن / متوجه اوضاع و احوال خود شدن
- سخت ۱۳۹۸ **ج** خود را از تک و تا نینداختن:
پاسخ: ترس و ضعف خود را نشان ندادن
- سخت ۱۳۹۸ **چ** حساب کار خود را کردن:
پاسخ: متوجه شدن
- سخت ۱۳۹۸ **ح** گل کاشتن:
پاسخ: کاری را به درستی انجام دادن

۱۶۶. در متن زیر، تمام آرایه‌های کدام گزینه درست است؟

«دیدم ماشاءالله، قدش دراز و تک و پوزش کریه‌تر شده است. گردنش مثل گردن همان غاز مادرمرده‌ای بود که در همان ساعت در دیگ مشغول کباب شدن بود؛ مشغول تماشا و ورنانداز این مخلوق کمیاب و شیء عَجَاب بودم که عیالم هراسان وارد شد، گفت: «خاک به سرم، مرد حسابی، اگر این غاز را برای مهمان‌های امروز بیاوریم، برای میهمان‌های فردا از کجا غاز خواهی آورد؟»

سخت ۱۳۹۸

الف) تشخیص، کنایه، تضمین

ب) تلمیح، تشبیه، کنایه

پ) تشخیص، حسن تعلیل، کنایه

پاسخ: گزینه «ب» درست است.

شیء عَجَاب ← تلمیح به آیه ۵ / سوره ص: (إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ).

گردنش مثل گردن همان غاز مادرمرده‌ای بود ← تشبیه

مرد حسابی ← کنایه

قرابت معنایی

۱۶۷. کدام یک از گزینه‌های زیر، مفهوم متفاوتی با دیگر ابیات دارد؟

سخت ۱۳۹۸

الف) ترحم بر پلنگ تیزدندان

ستمکاری بود بر گوسفندان

ب) گله ما را گله از گرگ نیست

کاین همه بیداد، شبان می‌کند

پ) شیشه نزدیک‌تر از سنگ، ندارد خویشی

هر شکستی که به انسان رسد، از خویش است

پاسخ: بیت الف مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که «نباید به ظالم فرصت ظلم داد و به او ترحم کرد».

مفهوم ابیات «ب و پ» یادآور ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» است و ریشه تمام بدبختی‌ها را در خود انسان جست‌وجو می‌کند.

۱۶۸. مفهوم مشترک آیه (وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى) با بیت زیر چیست؟

سخت ۱۳۹۸

«ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد

که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی»

پاسخ: از آیه شریفه و بیت سنایی، این مفهوم مشترک برداشت می‌شود که «فاعل حقیقی همه کارها خداوند است. همه کارها به اذن و خواست خداوند انجام می‌شود».

* توضیح آیه چنین است ← خطاب به مسلمانان در جنگ می‌گوید: و تیر نینداختی هنگامی که انداختی؛ بلکه خداوند تیر انداخت.

* توضیح بیت چنین است ← انجام هر کاری از خداوند است و از ارکان (اعضای بدن و پدیده‌ها) نیست.

نسبت دادن کارها به اعضای بدن درست مانند این است که خطی را که زائیده خرد نویسنده است، به انگشتان دست نسبت بدهیم و این نشانه سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی است.

۱۶۹. کدام یک از ابیات زیر مفهوم مشترک دارند؟ مفهوم مشترک را بنویسید.

سخت ۱۳۹۸

الف) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن

اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد

ب) سخندان پرورده، پیر کهن

بیندیشد آن‌که بگوید سخن

پ) اول اندیشه وانگهی گفتار

پای‌بست آمده است و پس، دیوار

ت) سخن تا نگویی، به دینار مانی

ولیکن چو گفتی، پشیزی مسینی

پاسخ: ابیات «الف»، «ب» و «پ»، به مفهوم «اندیشیدن پیش از سخن گفتن» اشاره دارند؛ زیرا سخنی که گفته شود، قابل جبران نیست.

بیت «ت» به مفهوم «به موقع سخن گفتن» اشاره دارد.

۱۷۰. با توجه به آیه شریفه و بیت زیر، متن روان خوانی «ارمیا» را تحلیل کنید.

(وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى) (انفال / ۱۷)

سخت ۱۴۰۲

وقتی تو تیر انداختی، تو نبودی که تیر انداختی؛ بلکه خداوند بود که تیر انداخت. (معنی آیه)

ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه دیدگی باشد

که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی «سنایی»

معنی بیت: همه کارها را از خدا بدان؛ نه از اعضای بدن خودت؛ زیرا نشانه سطحی نگری و کوتاه بینی است که نوشته ای را که از عقل جاری می شود، از اثر

انگشتان دست بدانی.

پاسخ: تحلیل: در متن روان خوانی، رزمندگان با دید اسلامی و انقلابی خود، همه چیز را از خدا می دانستند و راه خود را راه خدا می دانستند؛ بنابراین، متن روان خوانی با آیه قرآن و بیت بالا تناسب مفهومی دارد.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۷۱. هریک از جمله ها و عبارات زیر را به فارسی روان معنا کنید.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ:

الف) باید در این موقع، درست جلوشان در آیی.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: باید در این موقع به خوبی از آنها پذیرایی کنی.

ب) آسمان جُل و بی دست و پا و پخمه و گاگول و تا بخواهی، بدریخت و بدقواره.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: فقیر و بی نوا و ضعیف و بی عرضه و بسیار زشت بدقیافه.

پ) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: شب عید نوروز بود و موقع بالا رفتن رتبه و مقام.

ت) تنها همان رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: فقط همان مقامات بالا را دعوت کن و بقیه را فعلاً نادیده بگیر و بگذار که بیهوده انتظار بکشند.

ث) در حرافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و متکلم وحده و مجلس آرای پلامعارض شده است.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: در پرحرفی و شوخی و بذله گویی، همه را به سکوت واداشته بود و تنها گوینده مجلس و سخنگوی بی رقیب شده بود.

ج) به من دخلی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان، پسر عموی خودت است. هر گلی هست، به سر خودت بزَن.

سخت ۱۳۹۸

پاسخ: به من ربطی ندارد. ماشاءالله، بلا به دور، پسر عموی خود تو است. هر کاری می کنی، به خاطر خودت می کنی.

- سخت ۱۳۹۸ ج یکی از حضار که کباده شعر و ادب می کشید، چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.
پاسخ: یکی از حضاران که ادعای شعر و ادب داشت، آنچنان خوشحال و بهره مند شده بود که جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید.
- سخت ۱۳۹۸ ح شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.
پاسخ: تمام توجه و هوش و حواسم به مصطفی است که مبادا بوی غاز او را از خود بی خود بکند و اختیارش را از دست بدهد.
- سخت ۱۳۹۸ خ پیرمرد هیکلی خیلی به درد می خورد. مرده فیل صد تومن است، زنده اش هم صد تومن!
پاسخ: پیرمرد قوی هیکل (منظور سهراب، گوینده این جمله است.) مفیدتر است. همان طوری که هر دو صورت مرده و زنده فیل به خاطر عاجش ارزشمند است، انسان ارزشمند نیز در هر شرایطی (خوب یا بد، مرده یا زنده) ارزشمند است.
- سخت ۱۳۹۸ د گفتند: سهراب، گل کاشتی، ای والله! دود هنوز از کُنده بلند می شود.
پاسخ: گفتند: سهراب، کارت را خیلی درست انجام دادی. (ای والله، شبه جمله است و برای تأیید کار کسی به کار می رود.)

فصل هشتم: ادبیات جهان درس ۱۷: خنده‌ی تو واژگان

- متوسط ۱۴۰۳ ۱۷۲. روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.
پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳ الف گل و سوسن:
پاسخ: تَضَمَن
- متوسط ۱۴۰۳ ب کشتی و لنگر:
پاسخ: تناسب
- متوسط ۱۴۰۳ پ جور و ظلم:
پاسخ: ترادف
- متوسط ۱۴۰۳ ت شاد و خونین دل:
پاسخ: تضاد
- متوسط ۱۴۰۳ ۱۷۳. معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳ الف) از پس نبردِ سخت بازمی‌گردم.
- پاسخ: نبرد: جنگ، کارزار
- متوسط ۱۴۰۳ ب) سرحد جهان خلقتش قرار داده است.
- پاسخ: سرحد: مرز، کرانه
- متوسط ۱۴۰۳ پ) بدین حد اکتفا نمی‌کنم.
- پاسخ: اکتفا کردن: بسنده کردن، کافی شمردن
- متوسط ۱۴۰۳ ت) دیگر در آن، ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.
- پاسخ: ذی‌حیات: دارای حیات، زنده، جاندار
۱۷۴. در کدام عبارت، «غلط املائی» وجود دارد؟
- متوسط ۱۴۰۲ الف) پادشاهی به درویشی گفت: که مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و قرب باشد، یاد کن.
ب) یکی از حضار که کباده شعر و ادب می‌کشید، چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.
ج) اشتیری و گرگی و روباهی از روی مصاحبت، مسافرت کردند و با ایشان از وجع ذات و توشه، گرده‌ای بیش نبود.
د) دلم می‌خواهد بر بال‌های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم.
- پاسخ: گزینه ب: وجع ← وجه
درست
۱۷۵. در هریک از ابیات و عبارتهای زیر کدام واژه داخل کمانک از نظر املائی درست است؟
- متوسط ۱۳۹۸ ۱- دلم می‌خواهد بر بال‌های باد بنشینم و آنچه را پروردگار جهان پدید آورده زیر پا (گذارم - گزارم).
۲- در این سفر دورودراز، ستارگانی را می‌بینم که می‌خواهند بر سر منزل (غایی - قایی) خود برسند.
۳- برجسته‌ترین شاگرد (حوزه - حوضه) علمیه شیراز بود.
۴- اما (بقض - بغض) و اندوه، صدا را در گلویش شکست.
- پاسخ: ۱- گذارم ۲- غایی (به معنای نهایی و آخرین) ۳- حوزه ۴- بغض

متوسط ۱۴۰۳

۱۷۶. در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟ غلط املایی موجود در دیگر گزینه‌ها را یافته و تصحیح کنید.

(۱) می‌خواهم به آنجا روم که خداوند آن را سرحدّ دنیای خلقت قرار داده است.

(۲) دیگر در آن زی حیاتی نفس نمی‌کشد.

(۳) دلم می‌خواهد آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گزارم.

(۴) راه هزاران ساله را در دل افلاک می‌پیمایند تا به سر منزل قایی سفر خود برسند.

پاسخ: گزینه ۱: در این گزینه غلط املایی وجود ندارد.

بررسی نادرستی‌های املایی در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «زی‌حیات» نادرست و شکل صحیح آن «زی‌حیات» است.

گزینه ۳: «گزارم» نادرست و شکل صحیح آن «گذارم» است.

گزینه ۴: «قایی» نادرست و شکل صحیح آن «قایی» است.

دستور زبان

سخت ۱۳۹۸

۱۷۷. در مصراع‌های زیر مفعول را مشخص کنید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف) کز آن گرمی کند آتش گدایی

پاسخ: که آتش از آن گرمی (را) گدایی کند.

مفعول

سخت ۱۴۰۳

۱۷۸. مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف) کندوان:

پاسخ: شباهت (این روستا خانه‌هایی شبیه کندو دارد).

سخت ۱۴۰۳

ب) دوان:

پاسخ: حالت (صفت فاعلی)

سخت ۱۴۰۳

پ) شامگاهان:

پاسخ: زمان

متوسط ۱۴۰۳

ت) چناران:

پاسخ: مکان

سخت ۱۴۰۳

ث) جوان:

پاسخ: «ان» پسوند نیست و قسمتی از واژه است.

سخت ۱۴۰۳

ج) یاران:

پاسخ: جمع

سخت ۱۴۰۳

چ) جانان:

پاسخ: منسوب به جان (نسبی)

سخت ۱۴۰۳

ح) خرامان:

پاسخ: حالت (صفت فاعلی)

سخت ۱۴۰۳

خ) سیاوشان:

پاسخ: منسوب به سیاوش (نسبی)

۱۷۹. نوع پسوند «ان» در واژه‌های «کاوین - خواهان - دیلمان - پاییزان» به ترتیب کدام است؟

سخت ۱۴۰۳

الف) زمان - صفت فاعلی - مکان - زمان

ب) نسبت - صفت فاعلی - مکان - زمان

ج) نسبت - جمع - مکان - زمان

د) مکان - جمع - نسبت - زمان

پاسخ: گزینه «ب»

۱۸۰. مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

متوسط ۱۳۹۸

بامدادان:

ماهان:

سپاهان:

دوندگان:

بانوان:

کاوین:

گیلان:

نالان:

پاییزان:

پاسخ:

کاوایان: پسوند نسبت، یعنی منسوب به کاوه
گیلان: پسوند مکان، یعنی محل حضور گیل‌ها
نالان: پسوند حالت، یعنی در حال ناله کردن
پاییزان: پسوند زمان

بامدادان: پسوند زمان، یعنی زمان بامداد
ماهان: پسوند شباهت، یعنی همچون ماه
سپاهان: پسوند مکان، یعنی محل حضور سپاهی‌ها
دوندگان: پسوند جمع
بانوان: پسوند جمع

متوسط ۱۴۰۳

۱۸۱. هر یک از موارد زیر چند جمله دارد؟

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه.

پاسخ: چهار جمله: نان را از من بگیر (۱) / اگر می‌خواهی (۲) / هوا را از من بگیرد (۳) / اما خنده‌ات را نه [نگیر] (۴)

آسان ۱۴۰۳

ب خنده‌ات که رها می‌شود و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید تمامی درهای زندگی را به رویم می‌گشاید.

پاسخ: سه جمله: خنده‌ات که رها می‌شود (۱) / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید (۲) / تمامی درهای زندگی را به رویم می‌گشاید (۳)

متوسط ۱۴۰۳

پ اگر دیدی، به ناگاه خون من بر سنگفرش خیابان جاری است، بخند.

پاسخ: سه جمله: اگر دیدی (۱) / به ناگاه خون من بر سنگفرش خیابان جاری است (۲) / بخند (۳)

ت

چو گل هر جا که لبخند آفرینی
به هر سو رو کنی لبخند بینی

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: سه جمله: چو گل هر جا که لبخند آفرینی (۱) / به هر سو رو کنی (۲) / لبخند بینی (۳)

ث

چه خوش فرمود آن پیر خردمند
وزین خوشتر نباشد در جهان پند

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: دو جمله: چه خوش فرمود آن پیر خردمند (۱) / وزین خوشتر نباشد در جهان پند (۲)

آسان ۱۴۰۳

ج از هم‌اکنون، در این سفر دور و دراز، ستارگان را با درخشندگی جاودانی خود می‌بینم.

پاسخ: یک جمله: از هم‌اکنون، در این سفر دور و دراز، ستارگان را با درخشندگی جاودانی خود می‌بینم (۱)

متوسط ۱۴۰۳

چ ای مسافر، بایست! با چنین شتاب به کجا می‌روی؟

پاسخ: سه جمله: ای مسافر (۱) / بایست (۲) / با چنین شتاب به کجا می‌روی (۳)

متوسط ۱۴۰۳

ح اوه بایست؛ بیهوده رنج سفر بر خویش هموار مکن.

پاسخ: سه جمله: اوه (۱) / بایست (۲) / بیهوده رنج سفر بر خویش هموار مکن (۳)

متوسط ۱۴۰۳

ح) اوه، بایست، برای تو بیش از این اجازه سفر نیست.
پاسخ: سه جمله: اوه (۱) / بایست (۲) / برای تو بیش از این اجازه سفر نیست (۳)

آرایه‌های ادبی

متوسط ۱۴۰۳

۱۸۲. آرایه «مجاز» را در عبارت زیر مشخص کنید.
نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، / اما خنده‌ات را نه.
پاسخ: نان مجاز از روزی و غذا / هوا مجاز از آزادی و زندگی / خنده مجاز از شادمانی و سرور

متوسط ۱۴۰۳

۱۸۳. در هر یک از موارد زیر قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.
پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف) الف) نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه.
پاسخ: «نان»: مجاز از خوراک؛ «هوا»: مجاز از نفس کشیدن

متوسط ۱۴۰۳

ب) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد.
پاسخ: «تاریک‌ترین لحظه‌ها»: حس آمیزی

متوسط ۱۴۰۳

پ) تو ای کشتی تندرو خیال من، همین‌جا لنگر انداز.
پاسخ: «کشتی تندرو خیال»: تشبیه («خیال»: مشبّه؛ «کشتی تندرو»: مشبّه‌به)

متوسط ۱۴۰۳

۱۸۴. آرایه‌های ادبی عبارت زیر بنویسید.
عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد / خنده تو، در پاییز / در کناره دریا / موج کف آلوده‌ش را / باید بفرزاد.
پاسخ: شکفتن خنده و عشق: استعاره / پاییز نماد ناامیدی و سردی / دریا نماد عظمت و بزرگی / برافراشتن موج کف آلوده کنایه از دور کردن سختی‌ها و غم‌ها و به شادی و نشاط رسیدن / دریا، موج، کف: مراعات نظیر

متوسط ۱۴۰۳

۱۸۵. عبارت زیر را با توجه به آرایه‌های خواسته شده بررسی کنید.
«اما آنگاه که چشم می‌گشایم و می‌بندم، / آنگاه که پاهایم می‌روند و باز می‌گردند، نان را، هوا را، / روشنی را، بهار را، / از من بگیر / اما خنده‌ات را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم.»

متوسط ۱۴۰۳

الف) تضاد:

پاسخ: «می‌گشایم، می‌بندم» - «می‌روند، باز می‌گردند»: تضاد

متوسط ۱۴۰۳

ب) مجاز:

پاسخ: نان مجاز از غذا و روزی / هوا مجاز از زندگی و آزادی / روشنی مجاز از آگاهی / بهار مجاز از شادابی /

خنده مجاز از شادی و سرور

متوسط ۱۴۰۳

پ
کنایه:

پاسخ: چشم از دنیا بستن کنایه از مردن

قربابت معنایی

۱۸۶. ارتباط مفهومی موارد زیر چیست؟

متوسط ۱۴۰۳

- اگر خونین دلی از جور آیام
- لب خندان بیاور چون لب جام
- به پیش اهل دل، گنجی ست شادی
- که دستاورد بی رنجی ست شادی

• عشق من، خنده تو / در تاریک ترین لحظه ها می شکفت / خنده تو، در پاییز / در کنار دریا / موج کف آلوده اش را / باید بر فرزند.
پاسخ: خنده، رنج را از بین می برد و تلخی ها را به شادی تبدیل می کند و زندگی بخش و زیباست.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

سخت ۱۳۹۸

۱۸۷. مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۳۹۸

الف) یک قصه بیش نیست غم عشق، وین عجب / کز هر زبان که می شنوم نامکرر است

پاسخ: تکراری نشدن و تازه ماندن عشق و عاشقی در همه دوران

سخت ۱۳۹۸

ب) به پیش اهل دل گنجی است شادی / که دستاورد بی رنجی است شادی

پاسخ: ارزش بالای شادی در از بین بردن غمها

سخت ۱۴۰۲

۱۸۸. با توجه به ابیات زیر، مراد از «پیر خردمند» کیست؟

«چه خوش فرمود آن پیر خردمند

وزین خوشتر نباشد در جهان پند:

اگر خونین دلی از جور آیام

لب خندان بیاورد چون لب جام،

پاسخ: حافظ

سخت ۱۴۰۲

۱۸۹. شاعر در سروده زیر، علاقه خود به محبوبش را به چه موضوعی پیوند زده است؟

«خندهات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم / گلی آبی، گل سرخ کشورم که مرا می خواند.»

پاسخ: میهن دوستی

متوسط ۱۳۹۸

۱۹۰. معنی و مفهوم عبارتهای زیر را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف

روشنی را، بهار را از من بگیر / اما خنده‌ات را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم.

پاسخ: نعمت‌های دنیوی قابل چشم‌پوشی و نادیده گرفتن است؛ اما عاشق نمی‌تواند محبت و عشق معشوق را نادیده بگیرد.

متوسط ۱۳۹۸

ب

از پس نبردی سخت بازمی‌گردم / با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است بی هیچ دگرگونی.

پاسخ: منظور از نبردی سخت، مشکلات و گرفتاری‌های زندگی است که خنده معشوق می‌تواند همه آنها را از یاد عاشق ببرد.

متوسط ۱۴۰۳

۱۹۱. سروده‌ها و عبارات‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف

عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفتد.

پاسخ: معشوق من، خنده تو در غم‌انگیزترین لحظه‌ها آشکار می‌شود.

متوسط ۱۴۰۳

ب

ستارگان را می‌بینم که راه هزاران ساله را در دل افلاک می‌پیمایند تا به سر منزل غایی سفر خود برسند.

پاسخ: ستارگان را می‌بینم که راه هزاران ساله را درون آسمان‌ها طی می‌کنند تا به مقصد نهایی سفر خود برسند.

متوسط ۱۴۰۳

پ

می‌خواهم بدانجا روم که خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن، ذی‌حیاتی نَفَس نمی‌کشد.

پاسخ: می‌خواهم به آنجایی بروم که خداوند آن را مرز دنیای آفرینش قرار داده است و دیگر در آن، هیچ جاندار وجود ندارد.

متوسط ۱۴۰۳

ت

ای فکر دور پرواز من، بال‌های عقاب آسایت را از پرواز بازدار.

پاسخ: ای خیال بلندی‌خواه من، مانع پرواز بال‌های عقاب‌مانند خود شو. (بلندپروازی را رها کن.)

۱۹۲. مفهوم نمادهای به‌کاررفته در عبارت زیر را بنویسید.

متوسط ۱۴۰۳

گل سرخ را از من مگیر / سوسنی را که می‌کاری، / از پس نبردی سخت بازمی‌گردم.

پاسخ: گل سرخ نماد عشق به وطن / سوسن نماد لبخند و شادمانی

۱۹۳. معنی بیت زیر را بنویسید.

به پیش اهل دل گنجی‌ست شادی

که دستاورد بی‌رنجی‌ست شادی

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: نزد انسان‌های آگاه شادی یک گنج محسوب می‌شود که شایسته شادمانی باشد.

متوسط ۳ ۱۴۰۳

۱۹۴. مفهوم ابیات و عبارات زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف اما آنگاه که چشم می‌گشایم و می‌بندم، / آنگاه که پاهایم می‌روند و بازمی‌گردند، / نان را، هوا را، / روشنی را، بهار را، / از من بگیر / اما خنده‌ها را هرگز / تا چشم از دنیا نبندم.

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: ترجیح شادمانی بر همه چیز / شادمانی موجب ادامه حیات

ب و در بهاران، عشق من، / خنده‌ها را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم، / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند. / بخند و بر شب / بر روز، بر ماه، بخند بر پیچ‌پیچ خیابان‌های جزیره

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: آرزوی نشاط جاودانی و زیبایی برای کشور

پ عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت / خنده تو، در پاییز / در کناره دریا / موج کف آلوده‌اش را / باید بر فرازد.

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: لبخند و شادمانی موجب از بین رفتن غم‌هاست / جاری بودن نشاط در سختی‌ها

ت اما خنده‌ها که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید.

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: حیات‌بخش بودن نشاط و شادمانی

ث از پس نبردی سخت بازمی‌گردم / با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است / بی‌هیچ دگرگونی

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: نبرد بی‌نتیجه انسان با دنیای بدون دگرگونی

ج گل سرخ را از من بگیر / سوسنی را که می‌کاری

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: ارزشمندی عشق، نشاط و لبخند

تاریخ ادبیات

متوسط ۳ ۱۴۰۳

۱۹۵. نویسنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

پاسخ:

الف گنج حکمت «مسافر»:

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: یوهان کریستف فریدریش شیلر

ب هوا را از من بگیر، خنده‌ها را نه!

متوسط ۳ ۱۴۰۳

پاسخ: پابلو نرودا

درس ۱۸: عشق جاودانی واژگان

- متوسط ۱۴۰۳
۱۹۶. روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.
- پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳
- الف** ساز و شیپور:
- پاسخ: تفسیر
- متوسط ۱۴۰۳
- ب** ضمیر و باطن:
- پاسخ: مترادف
- متوسط ۱۴۰۳
- پ** غریب و آشنا:
- پاسخ: تضاد
- متوسط ۱۴۰۳
- ت** درفش و اهتزاز:
- پاسخ: تناسب
- متوسط ۱۴۰۳
۱۹۷. معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.
- پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳
- الف** به قدر کفایت متنه شده‌ای.
- پاسخ: کافی، بسنده
- متوسط ۱۴۰۳
- ب** بر تخته سیاه این کلمات را با خطی جلی نوشت.
- پاسخ: ویژگی خطی که درشت و واضح باشد و از دور دیده شود.
- متوسط ۱۴۰۳
۱۹۸. معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
- پاسخ:
- متوسط ۱۴۰۳
- الف** آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد؟
- پاسخ: مخیله: خیال، قوه تخیل، ذهن
- متوسط ۱۴۰۳
- ب** معلم با همان چوب رعبانگیز در اتاق درس قدم می‌زد.
- پاسخ: رعبانگیز: ترسناک، هراس‌آور
- متوسط ۱۴۰۳
- پ** از پس عینک درشت و ستبر به حروف و خطوط آن می‌نگریست.
- پاسخ: ستبر: بزرگ، ضخیم
- متوسط ۱۴۰۳
- ت** قومی که مقهور و مغلوب بیگانه گردد.
- پاسخ: مقهور: مغلوب، شکست‌خورده

متوسط ۱۴۰۳

ث نهالی چند در باغ غرس کرده بود.

پاسخ: غرس: نشاندن و کاشتن درخت و گیاه

متوسط ۱۴۰۳

ج به سوزی ده کلام را روایی

پاسخ: روایی: ارزش، اعتبار

متوسط ۱۴۰۳

۱۹۹. در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املایی را بیابید و تصحیح کنید.

«سجایای ارزشمند - ذکری واحد - جراحات پیری - صحیفه شعر - صورت ظاهر - مورد عتاب - غلغله و هیاهو - همهمة شاگردان - لباس ژنده معمول - ابهت و شکوه - معمور نامه‌رسانی - درشت و ستبر - مدارس این نواهی - صفحه ضمیر - خدمتگزاری - صدای رثا - به قدر کفایت - اهتمام ورزیدن - مقلوب و مقهور - تحریر و کتابت - اهتزاز پرچم - غرس نهال - وداع ابدی - آثنا و میان - پرمهابت و با عظمت»

پاسخ: گروه کلمات «معمور نامه‌رسانی»، «مدارس این نواهی»، «صدای رثا» و «مقلوب و مقهور» نادرست و شکل صحیح آنها «مأمور نامه‌رسانی»، «مدارس این نواحی»، «صدای رسا» و «مقلوب و مقهور» است.

دستور زبان

سخت ۱۴۰۳

۲۰۰. در هر یک از موارد زیر هسته گروه‌های اسمی مشخص شده و نوع وابسته‌ها را نیز بنویسید.

پاسخ:

سخت ۱۴۰۳

الف هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم.

پاسخ: «هر»: صفت مبهم، وابسته پیشین - روز: هسته - ذکر: هسته، واحد: وابسته پسین، صفت

سخت ۱۴۰۳

ب درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

پاسخ: نام: هسته - زیبا: وابسته پسین، صفت بیانی - تو: وابسته پسین، مضاف‌الیه

سخت ۱۴۰۳

پ نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است.

پاسخ: نخستین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - احساس: هسته - عشق: وابسته پسین مضاف‌الیه

سخت ۱۴۰۳

ت دو سال بود که هر خبر ملال‌انگیزی که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت.

پاسخ: «هر»: صفت مبهم، وابسته پیشین - خبر: هسته - ملال‌انگیز: وابسته پسین، صفت بیانی

سخت ۱۴۰۳

ث معلم با همان چوب رعب‌انگیزی که همواره در دست داشت، در اتاق درس قدم می‌زد.

پاسخ: «همان»: وابسته پیشین، صفت اشاره - چوب: هسته - رعب‌انگیز: وابسته پسین، صفت بیانی

سخت ۱۴۰۳

ج به کودکان ده آموختن زبان ملی ممنوع است.

پاسخ: آموختن: هسته - زبان: وابسته پسینف مضاف‌الیه - مَلّی: وابسته پسین: صفت بیانی

سخت ۱۴۰۳

ج) آری این آخرین درس زبان مَلّی من بود.

پاسخ: آخرین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - درس: هسته - زبان: وابسته پسین، مضاف‌الیه - ملی: وابسته پسین، صفت بیانی - من: وابسته وابسته، مضاف‌الیه مضاف‌الیه

سخت ۱۴۰۳

ح) به خاطر همین آخرین روز درس بود که وی لباس‌های نو خود را بر تن کرده بود.

پاسخ: «همین»: وابسته پیشین، صفت اشاره - آخرین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - روز: هسته - درس: وابسته پسین، مضاف‌الیه

۲۰۱. نوع «ان» را در واژه‌های زیر بررسی کنید.

متوسط ۱۳۹۷

«کوهساران - سینه‌مالان - نیزه‌داران - مغولان - اختران - افسران - لرزان - خروشان - روان - رقصان - گران»

پاسخ: ان جمع: کوهساران - نیزه‌داران - مغولان - اختران - افسران

ان صفت‌ساز و حالت: سینه‌مالان - لرزان - خروشان - روان - رقصان

* دقت کنید «ان» در واژه «گران» جزئی از واژه است.

۲۰۲. در اشعار زیر چه واژه‌هایی حذف شده‌اند؟ نوع حذف‌ها را بنویسید.

متوسط ۱۳۹۸

۱- آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»

۲- امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو

پاسخ: در هر دو مورد فعل حذف شده است.

۱- حذف فعل به قرینه لفظی است. تو از آن منی و من از آن تو (~~هستیم~~)

۲- حذف فعل به قرینه معنوی است. امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو (~~است~~)

۲۰۳. در شعر: «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است، یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف) چند گروه اسمی مفعولی وجود دارد؟

پاسخ: دو گروه اسمی مفعولی: ۱- عشق من ۲- سجایای ارزشمند تو

متوسط ۱۳۹۸

ب) نوع حذف فعل را بنویسید.

پاسخ: حذف فعل به قرینه لفظی در جمله: «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است، یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن (مانده است)» .

حذف فعل به قرینه لفظی

متوسط ۱۴۰۳

۲۰۴. در هر یک از موارد زیر فقط هسته گروه اسمی مشخص شده را بنویسید.

| | |
|------------|--|
| آسان ۱۴۰۳ | پاسخ: الف آیا اینها را نیز مجبور خواهند کرد که <u>سرود خود</u> را به <u>زبان بیگانه</u> بخوانند؟ |
| آسان ۱۴۰۳ | پاسخ: سرود / زبان ب باید حیاط مدرسه و <u>خاک وطن</u> را <u>وداع ابدی</u> گوید. |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: خاک / وداع پ در <u>این اثنا</u> وقت به آخر آمد. |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: اثنا ت <u>هر آن دل</u> را که سوزی نیست دل نیست |
| آسان ۱۴۰۳ | پاسخ: دل ث ندارد <u>راه فکر</u> روشنایی |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: راه ۲۰۵. در هر یک از گروه‌های زیر وابسته و وابسته و نوع آن را مشخص کنید. |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: الف موضوع صحیفه شعر خود |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: «شعر»؛ مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه؛ «خود»؛ مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه |
| متوسط ۱۴۰۳ | ب مدارس این نواحی |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: «این»؛ صفت مضاف‌آلیه |
| متوسط ۱۴۰۳ | پ خاطره این آخرین روز درس |
| متوسط ۱۴۰۳ | پاسخ: «این» و «آخرین»؛ صفت مضاف‌آلیه؛ «درس»؛ مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه |
| متوسط ۱۴۰۳ | ت صدای شیپور سربازان بیگانه |
| | پاسخ: «سربازان»؛ مضاف‌آلیه مضاف‌آلیه؛ «بیگانه»؛ صفت مضاف‌آلیه |

آرایه‌های ادبی

| | |
|----------|--|
| سخت ۱۴۰۳ | ۲۰۶. در هر یک از ابیات زیر یک استعاره را مشخص کنید. پاسخ: الف |
| سخت ۱۴۰۳ | به سوزی ده کلامم را روایی کز آن گرمی کند آتش گدایی |

پاسخ: گدایی کردن آتش: استعاره

ب

دلم را داغ عشقی بر جبین نه
زبانم را بیانی آتشین ده

سخت ۱۴۰۳

پاسخ: جبین دل: اضافه استعاری

پ

اگر لطف تو نبود پرتوانداز
کجا فکر و کجا گنجینه راز

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: پرتو استعاره از بصیرت و بینش

متوسط ۱۳۹۸

۲۰۷. مفهوم کنایه‌های مشخص شده در عبارت‌های زیر را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف پیداست که تا چه حد از چنین کاری بیم داشتم، اما دل به دریا زدم و وارد اتاق درس شدم.

پاسخ: دل به دریا زدن: کنایه از کنار گذاشتن ترس و وحشت

متوسط ۱۳۹۸

ب اما برخلاف آنچه من چشم می‌داشتم، آن روز سکوت و آرامش در مدرسه برقرار بود.

پاسخ: چشم داشتن: کنایه از توقع و انتظار چیزی را داشتن

متوسط ۱۴۰۳

۲۰۸. در عبارت‌های زیر «مجازها» را بیابید و معنای مجازی هر یک را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۴۰۳

الف چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است؟

پاسخ: «حرف، مجاز از سخن

متوسط ۱۴۰۳

ب دو سال بود که هر خبر ملال‌انگیزی که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت.

پاسخ: «ده، مجاز از اهالی ده

متوسط ۱۴۰۳

پ این جماعت به درس معلم ما آمده بودند تا از او قردادانی کنند.

پاسخ: «درس، مجاز از کلاس درس

ت

الهی سینه‌ای ده آتش افروز
در آن سینه دلی وان دل همه سوز

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «سینه، مجاز از وجود

ت

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
دل افسرده غیر از آب و گل نیست

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: دل مجاز از انسان / آب و گل مجاز از اجزای سازنده انسان

۲۰۹. کدام آرایه ادبی در عبارت زیر مشهود است؟

متوسط ۱۴۰۳

«از سر مهر نظری بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: زود سر جایث بنشین؛ نزدیک بود درس را بی حضور تو شروع کنیم.»

پاسخ: «با لطف و نرمی گفت، آرایه حس آمیزی دارد.»

۲۱۰. آرایه‌های ادبی «کنایه، مجاز و حس آمیزی» را در متن زیر نشان دهید.

هر خبر ملالانگیزی که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت. از این رو من - بی‌آنکه در آنجا توفقی کنم - با خود اندیشیدم که «باز چه خوابی دیده‌اند؟» ... معلم، از سر مهر نظری بر من انداخت و با لطف و نرمی گفت: «زود سر جایث بنشین.»

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: «ده»: مجاز از مردم ده؛ «خوابی برای کسی دیدن»: کنایه از نقشه کشیدن برای او؛ «با نرمی گفتن»: حس آمیزی

قرابت معنایی

۲۱۱. با توجه به سروده زیر، شاعر هر روز خود را ملزم به تکرار چه سخنی می‌داند؟

«هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است قدیمی ندانم؛ که تو از آن منی و من از آن تو، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.»

سخت ۱۴۰۰

پاسخ: تو از آن منی و من از آن تو

۲۱۲. مقصود از «راه پیچ در پیچ» در بیت زیر چیست؟

متوسط ۱۳۹۸

«به راه این امید پیچ در پیچ

مرا لطف تو می‌باید دگر هیچ»

پاسخ: مقصود از راه پیچ در پیچ در این بیت، دشواری‌ها و خطرات موجود در راه عشق است که فقط عنایت خداوندی است که می‌تواند رهرو را به سلامت به منزل برساند.

۲۱۳. در عبارت زیر «نفس گرفت» چه مفهومی را بیان می‌کند؟

متوسط ۱۳۹۸

به جلو نگاه کرد تا جایی که چشم کار می‌کرد، هیچ‌کس دیده نمی‌شد، نفس گرفت و دوباره با سرعت دوید.

پاسخ: نفس گرفت یعنی اندکی استراحت کرد و نفسی تازه کرد.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

متوسط ۱۴۰۳

۲۱۴. بیت‌های زیر را به نثر روان برگردانید.

پاسخ:

الف

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
دل افسرده غیر از آب و گل نیست

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: هر کس که سوز عشق نداشته باشد، از انسانیت به دور است. انسان بی‌خبر از عشق، تنها از جسم مادی برخوردار است و از روح انسانیت بی‌بهره است.

ب

به سوزی ده کلامم را روایی
کز آن گرمی کند آتش گدایی

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: سخن را با برخورداری از عشق آنچنان تأثیرگذار کن که حتی آتش با آن همه سوزناکی از آن، گرما را گدایی کند.

پ

دلم را داغ عشقی بر جبین نه
زبانم را بیانی آتشین ده

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: نشانی از عشق را بر پیشانی دلم بگذار و دلم را عاشق کن و به زبان من قدرت بیان آتشین و تأثیرگذار ببخش.

ت

ندارد راه فکرم روشنایی
ز لطف پرتوی دارم گدایی

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: فکر و اندیشه من مانند راهی تاریک است که هیچ روشنایی در آن نیست. خدایا از تو می‌خواهم تا با لطف خود نوری به اندیشه من ببخشی.

ث

اگر لطف تو نبود پرتوانداز
کجا فکر و کجا گنجینه راز

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: اگر لطف تو به اندیشه من نور و بصیرتی بخشد، هیچ بهره‌ای از فکر و گنجینه معرفت نخواهم داشت.

ج

به راه این امید پیچ در پیچ
مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: در این راه بسیار سخت عشق و امیدواری، جز لطف و عنایت تو چیز دیگری نمی‌خواهم.

متوسط ۱۴۰۳

۲۱۵. عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

پاسخ:

الف هر روز باید ذکرِ واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم:

متوسط ۱۴۰۳

«که تو از آن منی و من از آن تو»

پاسخ: هر روز باید ذکر یگانه‌ای را بارها بخوانم و آنچه را قدیمی است کهنه به شمار نیآورم؛ که تو برای من هستی و من برای تو هستم،

ب

الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز
در آن سینه دلی وان دل همه سوز

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: خداوندا، وجودی سرشار از عشق به من عطا کن و آن دلی قرار بده که سراسر سوز عشق باشد.

پ

کرامت کن درونی دردپرورد
دلی در وی درون درد و برون درد

متوسط ۱۴۰۳

پاسخ: باطنی پر از رنج عشق به من عطا کن، دلی که سراسر درد عشق باشد.

تاریخ ادبیات

۲۱۶. از میان اسامی داخل کمانک نام پدیدآورندگان آثار زیر را بیابید. (نام دو تن اضافی است.)

متوسط ۱۳۹۸

(آلفونس دوده - ریچارد باخ - شکسپیر - فریدون مشیری - پابلو نرودا - فردریش شیلر - رضا امیرخانی - محمدعلی جمال‌زاده)

غزلواره‌ها: / ارمیا: / مسافر: / کباب‌غاز: / قصه‌های دوشنبه: / هوا را از من بگیر، خنده‌ات را
نه:

متوسط ۱۳۹۸

پاسخ: غزلواره‌ها: شکسپیر / ارمیا: رضا امیرخانی / مسافر: فردریش شیلر / کباب‌غاز: محمدعلی جمال‌زاده / قصه‌های دوشنبه: آلفونس دوده / هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه: پابلو نرودا (ریچارد باخ و فریدون مشیری اضافی است.)

متوسط ۱۳۹۸

۲۱۷. پدیدآورندگان آثار زیر را بنویسید.

پاسخ:

متوسط ۱۳۹۸

الف قصه‌های دوشنبه:

پاسخ: آلفونس دوده

متوسط ۱۳۹۸

ب) غزلواره‌ها:

پاسخ: شکسپیر

پاسخنامه تشریحی

۱. گزینه الف ← داعیه به معنی «خواسته و خواهش» آمده است.
 گزینه ب ← داعیه در معنای «آرزو و انگیزه» آمده است.
 گزینه ج ← در معنای «علت و سبب» بیان شده است.
 ۲.

الف

برگ در معنای توشه و تاب و توان آمده است.

ب

برگ درختان منظور است.

پ

برگ در معنای زاد و توشه است.

۳. گزینه اول ← دریا ← استعاره از جهان دیگر
 گزینه دوم ← نسیم سحرخیز ← استعاره از نسیم انقلاب اسلامی
 باغ ← استعاره از دنیا
 گل ← استعاره از خوبی‌ها

۴. ۱) تشخیص ← مرغ غمین / گل به دست مرغ دادن

۲) تشبیه ۱) گل ← نقش امید/۲) باران ← خورشید

۳) تناسب ← مرغ و آشیانه / آب و دانه / گل و کاشتن / مرغ و دانه / باران و باریدن

۴) کنایه ← کاشتن امید در چشم ← امیدوار کردن / باریدن خورشید به چشم ← روشنی چشم و خوشحالی

۵) استعاره ← مرغ غمین در آشیانه ← استعاره از ایرانیان اندوهگین و رنج‌دیده از حکومت

۶) گل ← نماد شادی و سلامتی / آب و دانه ← نماد زندگی

۵. تکرار صامت «غ»: واج آرایبی / غرق غبار و غربت بودن کنایه از گرفتاری و تنهایی / باران نماد آزادی / جویبار نماد رهایی و حرکت / در انتظار بودن جویبار: استعاره (تشخیص) / تقابل «غبار، با باران»: تضاد

۶. گزینه اول (صحیح) است.

– در بیت سؤال به ماندگاری نام نیک در دنیا اشاره می‌کند که همین مضمون از گزینه الف «الف، دریافت می‌شود: اگر نیکی کنی نامت می‌ماند. بوی (به معنای «می‌شوی»): بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ب ← به نیکی کردن توصیه می‌کند و می‌گوید با بدی، کسی دنیا را به دست نمی‌آورد.

گزینه ج ← با تدبیر وزیر دانشمندش به نیکی کردن معروف و مشهور شد.

– دو گزینه دیگر به ماندگاری نام نیک اشاره‌ای ندارند.

۷. الف) دادگاه و دفترخانه (ب) استشهادنامه و گواهی‌نامه (ج) حضور

۸.

الف

روضه ← ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی – آنچه در مراسم عزاداری می‌خوانند (مرثیه)

مجسم ← تجسم یافته - آشکارکننده

ب

محضر ← دفتر خانه - دادگاه - محل حضور - گواهی نامه - استشهدنامه (مجاز از قیامت)

پ

پگاه ← صبح زود

ت

شرف ← بزرگواری - ارجمندی - حرمت و اعتبار اجتماعی (آبرو)

. ۹

الف

بیچاره - عاجز

ب

ناراحت و بی تاب

پ

باقی مانده جان

ت

بی پوشش - بدون حصار و نرده

. ۱۰

الف

عتاب و سرزنش

ب

بهانه گیری - سستی - کاهلی - اهمال

پ

محافظ - نگهدارنده - بند شمشیر

ت

تپه خاکی - پشته

. ۱۱

الف

سیاهی - سایه خیالی

ب

مقدمه متن - آغاز هر نوشته

پ

زینت و آرایش

ت

ایثار و فداکاری

. ۱۲ . املائی کلمات نادرست:

«شبح و سایه - تشر زدن - صدای مهیب - انهدام تیربار - تمایل و خواسته»
توجه: شکل واژه جناغ با هر دو حرف «ق» و «غ» صحیح است.

. ۱۳ . خاسته (نادرست) ← خواسته (درست)

محبیب (نادرست) ← مهیب (درست)

هزم (نادرست) ← هضم (درست)

. ۱۴

الف

اصلح شده
طل ← تل (درست است)

ب

اصلح شده
قریب ← غریب (درست است)

۱۵. «جناق / جناغ»

۱۶. مرجع ضمائر به ترتیب متن:

| | | |
|------|--------------|--------------|
| او | شما | شما |
| مدیر | معلم نویسنده | معلم نویسنده |

| | | |
|--------------|--------------|-------------------------|
| تان | مان | نویسنده و هم‌کلاسی‌هایش |
| معلم نویسنده | معلم نویسنده | معلم نویسنده |

| | | |
|---------|---------|---------|
| م | من | نویسنده |
| نویسنده | نویسنده | نویسنده |

| | | |
|--------------|--------------|--------------|
| تان | تان | معلم نویسنده |
| معلم نویسنده | معلم نویسنده | معلم نویسنده |

۱۷. شرح سؤال:

ترکیب‌های وصفی ← پای لنگ - هر روز - یک پا - دو عصا - اینجا - هر روز - این پا - چیز بیشتر - آن شب - شب عزیز - (۱۰ مورد)
 ترکیب‌های اضافی ← افتخار من - خود من - دل‌خوشی من - گرد قاب - قاب عکس - عکس شما - سنگ شما - گلدان شما - خاطرات من - یاد من - (۱۰ مورد)
 ۱۸. الف) در مصراع دوم ← مُسَلَّم ایهام دارد ← ۱- پیرو و مسلمان ۲- حضرت مسلم (ع)
 ب) ایهام ندارد.

ج)

نظامی ← ۱- شاعر ۲- سرباز نظامی / قصر شیرین ← ۱- قصر شیرین خانم ۲- شهر قصر شیرین کرمانشاه
 ۱۹. اشاره به قتلگاه و شهادت حضرت امام حسین (ع): تلمیح / روضه (۱- ذکر مصیبت و نوحه سرایی ۲- بهشت، باغ): ایهام

۲۰

الف) گرم حرف زدن کنایه از صمیمی حرف زدن / نیفتادن شوخی از کلام کنایه از بی‌وقفه شوخی کردن (ادامه داشتن شوخی) / کلام گرم: حس‌آمیزی / کلام مجاز از سخن دلنشین

ب)

مزمزه کردن خواب، چشیدن خواب: حس‌آمیزی / سیر خوابیدن کنایه از کامل و راحت خوابیدن / ایستاده، نشسته: تضاد

پ)

خورشید، ماه استعاره از سر / نشستن خورشید روی خاک: استعاره (تشخیص) / ماه و راه: جناس ناهمسان / خورشید، ماه: مراعات نظیر

ت)

اشاره به داستان حضرت یوسف و ماجرای به چاه افکندن او: تلمیح / عِلَّت بیرون نیامدن حضرت یوسف از چاه به دلیل شرمندگی و خجالت: حسن تعلیل

۲۱. هر دو توصیف‌کنندهٔ رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار می‌دانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.

۲۲. رها کردن وابستگی‌ها و رو کردن به مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه‌های جنگ

۲۳.

الف

شکوه و اعتبار مرگ را از بین برده است.

۲۴.

الف

شهید محسن حَجَّجی

ب

سر بریده بودن شهید

پ

اسیر داعش شدن

ت

حفظ شرافت با فداکاری

۲۵.

الف

بی‌نیاز بودن عاشق از گواه / عشق شهادت

ب

برتری زیبایی معنویت شهادت بر زیبایی ظاهری

پ

تحمل اسارت مانند حضرت زینب (س) / اشتیاق دیدار مولا

ت

شرافتمندی، انتظار دیدار

۲۶.

مرد و پدر: تضمن / ماه و خورشید: تناسب / گل و بلبل: تناسب

باد و صبا: تضمن / وصال و فراق: تضاد / اقرار و انکار: تضاد

کرم و بخشش: تضاد / هزاهز و غریبو: تضاد / عظمت و شکوه: تضاد

سیر و پیاز: تناسب

۲۷.

(۱) دستور: وزیر- مشاور

(۳) خست: زخمی کردن

(۵) قبا: لباس - لباس بلند تا زانو

(۲) دل‌گسل: دل‌آزار

(۴) اندیشه: نگرانی - اضطراب

(۶) نیک‌پی: خوشقدم - بانژاد و اصیل

۲۸. الف) آغاز کرد. (ب) اخذ کرد.

۲۹. الف) گرفتن: برداشتن

(ب) اسیر و گرفتار کردن

(ج) اسیر و گرفتار کردن

۳۰.

الف

فریاد، بانگ و خروش

ب

آسیب

پ

اسب عربی اصیل

ت

اضطراب و نگران

ث

دشت و صحرا

ج شتر قوی و درشت

چ ماده معطر و سفیدرنگ

ح راه و رسم

۳۱.

الف کوزه، ظرف معمولاً دسته‌دار از سفال یا جنس دیگری برای حمل یا نگه داشتن مایعات

ب اندوه، ترس، اضطراب

پ هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه

ت گستاخ و بی‌شرم، لجوج

ث آرزوم: شرم، حیا - عفاف: رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی

ج طی می‌کنم، می‌پیمایم

چ غمگین و ناراحت شدند، در سوز و گداز بودند

ح کلاه‌خود

خ حمله ناگهانی دشمن در شب

د کنایه از فرمانبردار و مطیع

ذ کم شدن، کاهش یافتن

ر در امن، دل آسوده

ز گران‌مایه، پرشکوه

ژ یاور، دستگیر

۳۲ . الف: حیون (نادرست)، هیون (درست)

ب: خار (نادرست)، خوار (درست)

پ: تپیش (نادرست)، تپش (درست)

ت: برخواست (نادرست)، برخاست (درست)

۳۳ . عجم: غیرعرب، به‌ویژه ایرانیان

تظاول: درازدستی، تعدی، تجاوز، گردن‌کشی

مکاید: کیده‌ها - حیل‌ها - نیرنگ‌ها (جمع کید)

رعیت: مردم - عامه

کُربت: غم و اندوه

غربت: دوری، دوری از وطن

- ارتفاع ولایت: درآمد و عایدات مملکت
۳۴. گزینهٔ «۴»، «قربت»، نادرست و شکل صحیح آن در این جمله «غربت» است.
۳۵. تناول ← تطاول / قربت ← غربت / ذوال ← زوال / هشتم: حشم
۳۶. الف) پور جوان ← ترکیب وصفی
شاه زمین: ترکیب اضافی
رایت ← ترکیب اضافی
ب) دو صد مرد آتش فروز ← ترکیب وصفی
پ) همه دشت ← ترکیب وصفی
آن چهر خندان ← ترکیب وصفی
چهر او ← ترکیب اضافی
- ۳۷.

الف

«هاماوران»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب

«بلند»: صفت مضاف‌الیه

پ

ضمیر «ش»، در «نعش»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ت

«نیکی دهش»: صفت مضاف‌الیه

۳۸

الف

تقدّم فعل بر نهاد (موبد) و متمم (شاه) / تقدّم فعل بر مسند (نهان)

ب

تقدّم فعل بر مسند (ارجمند) / تقدّم فعل بر مفعول (گزنند)

پ

تقدّم فعل بر نهاد (سودابه) و قید (پیش) / تقدّم فعل بر متمم (گفتار)

ت

تقدّم فعل بر نهاد (جان) و متمم (فرزند و سودابه)

ث

تقدّم فعل بر نهاد در هر دو جمله (آیین و راه)

ج

تقدّم فعل بر نهاد (شاه) / تقدّم فعل بر مفعول (نفت)

چ

تقدّم فعل بر متمم در هر دو جمله (پیش، سر)

۳۹. الف) گناه گناهکار: مسند // م (من را نگاه ندارد): مفعول

ب) قبا: معطوف به نهاد // کنار: متمم

ج) گفت و گو: مفعول // سنگ: مفعول

۴۰. ترکیب‌های وصفی: یزدان نیکی دهش - این کوه - همه دشت - آن چهر - چهر خندان

ترکیب‌های اضافی: نیروی یزدان - کوه آتش - خندانش (خندان او)

۴۱. گزینه ب - حذف فعل «است»، به قرینه معنوی دارد: همان بهتر [است]

۴۲.

الف

«شهریار»، مسند است.

ب

فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنوی حذف شده (همان به است).

۴۳. (۱) سرعت اسب

(۲) آماده مرگ شدن

(۳) آزمایش کردن

(۴) روز روشن مثل شب تاریک شدن.

۴۴.

الف

«آمدن شب به روز»: کنایه از تاریک شدن

ب

«پرخون بودن دیده»: کنایه از گریه بسیار

۴۵.

الف

«چرخ»: استعاره از آسمان

ب

«کوه آتش»: تشبیه «آتش»: مشبه: «کوه»: مشبه‌به

پ

«ساروان» و «کاروان»: جناس ناهمسان (ناقص)

۴۶.

الف

«ایمن نگشتن دل» و «روشن نگشتن روان» کنایه از بدگمان شدن و اطمینان نداشتن

ب

دل شستن کنایه از صرف نظر کردن، رها کردن

پ

بریان شدن کنایه از ناراحت و غمگین شدن / گریان شدن کنایه از غمگین و ناراحت شدن

۴۷.

الف

ساروان، کاروان: جناس ناهمسان

ب

گاه، شاه، راه: جناس ناهمسان

پ

روان (جاری)، روان (روح و روان): جناس همسان

ت

جهان، نهان: جناس ناهمسان

ث

دود، زود: جناس ناهمسان

ج

شرم، نرم: جناس ناهمسان

چ

بر، بر: جناس همسان / «بر» اول: حرف اضافه / «بر» دوم: پهلو

۴۸. الف و ج

در هر دو گزینه به جور و ستم فلک و روزگار بر مردم اشاره دارد.

۴۹. الف) «مَلّی»، زیرا به آداب و رسوم اشاره می‌کند.
ب) «قهرمانی»، حضور سیاوش که قهرمان داستان است.
پ) «خرق عادت»، عبور از آتش و آسیب ندیدن ویژگی خرق عادت است.

۵۰.

الف) زمینهٔ مَلّی

ب) زمینهٔ مَلّی

پ) زمینهٔ قهرمانی

ت) زمینهٔ قهرمانی / مصراع اول (مَلّی)

ث) زمینهٔ قهرمانی / مصراع اول (مَلّی)

ج) زمینهٔ خرق عادت

چ) زمینهٔ ملی

ح) زمینهٔ مَلّی

۵۱. الف ← ملی

ب ← قهرمانی

ج ← ملی

د ← خرق عادت

۵۲. الف- مرگ مردم دریافت نمی‌شود.

۵۳. الف- راه و رسم روزگار

ب- آتش جهنم از تحمل این سخنان آسان‌تر شد.

ج- دوری کردن و منصرف شدن

۵۴.

الف) در آن روزگار، راه و رسم شاهان در تشخیص خطاکار از بی‌گناه این بوده است (به اعتقاد آنها آتش مقدس بود و هرگز انسان‌های پاک را نمی‌سوزاند).

ب) به یاری و کمک خداوند بخشنده از این آتش بزرگ که مثل کوهی است، ترس و اضطرابی نخواهم داشت. (به لطف خدا عبور برآیم آسان است).

پ) سیاوش اسب سیاه را به سرعت تاخت و نگران نبود و آمادهٔ جنگ با آتش شد.

ت) اگر کوهی از آتش باشد از آن عبور می‌کنم و از این دشواری (گذر از آتش) به آسانی عبور می‌کنم.

۵۵.

الف

کیکاوس گفت، دل و روان من از آنها (سودابه و سیاوش) در امن و آسودگی نیست (به آنها مشکوکم)

ب

شاید آتش سوزان گناهکار را مشخص و رسوا کند (به اعتقاد قدیمیان در مورد عبور گناهکار از آتش اشاره دارد).

پ

سیاوش به کیکاوس گفت: ای شهریار بزرگ تحمل آتش سوزان از تحمل این تهمت برایم آسان تر شد.

ت

موبد به کیکاوس گفت: اگر می‌خواهی که ماجرا را آشکار و روشن کنی، باید آنها (سیاوش و سودابه) را امتحان کنی.

. ۵۶

الف

کیکاوس سودابه را فراخواند و او را با سیاوش روبه‌رو کرد.

ب

سیاوش بر اسب عربی سیاهی سوار شده بود که بسیار سریع و تندرو بود.

پ

کیکاوس گفت: اگر یکی از این دو (سیاوش یا سودابه) خطاکار باشد دیگر کسی مرا به عنوان حاکم قبول نمی‌کند (آبرویم می‌رود).

ت

کیکاوس گفت: همان بهتر است که از این اندیشه ناپسند دوری کنم و از این موضوع دل‌آزار خودم را برهانم.

. ۵۷

الف

کیکاوس به وزیر دستور داد که شتربان صد گله شتر از دشت بیاورد.

ب

سیاوش پیش کیکاوس آمد و از اسب پایین آمد و تعظیم کرد.

پ

خدمتکار فرمانبردار و مطیع اگر مورد محبت و لطف قرار نگیرد می‌رود (تو را ترک می‌کند) سعی کن به همه لطف و مهربانی کنی تا غلام و خدمتکار مطیع تو باشی.

ت

مردم از حيله‌های پادشاه به جاهای دیگر مهاجرت کردند و از اندوه و غم حاصل از ستم او از وطن خود دوری کردند.

ث

راه و رسم روزگار (فلک) چنین است و به بی‌گناهان آسیب نمی‌رسد.

. ۵۸

الف

به اندازه دو کوه (بسیار زیاد)، هیزم در دشت جمع کردند و جمعیت فراوانی همه با هم به آن خیره شده بودند.

ب

و اگر که در این کار، گناهی مرتکب شده باشم، خداوند مرا حفظ نخواهد کرد.

پ

دارایی مردم را به زور و ستم از آنها گرفته بود و ظلم و آزار بر خلق را آغاز کرده بود.

ت

پادشاهی که بنای کار را بر ظلم و ستم قرار داد، پایه سلطنت خود را سست کرده است.

. ۵۹ گذر از آتش شدن گناهکار از بی‌گناه

۶۰.

الف) مدارا و مهربانی با مردم

ب) حکومت با ظلم ممکن نیست.

۶۱.

الف) ایمان به یاری خدا / شجاعت

ب) سرعت و شجاعت

پ) بلندی و انبوهی آتش

ت) نگرانی مردم / اعتقاد به بی‌گناهی سیاوش

۶۲. الف) طاق ← ایوان کاخ

ب) طاق مسجد ← محراب

ج) طاق ← یکتا و فرد (در اینجا کسی مورد نظر است که بی‌همتا و فرد است).

۶۳. الف) طاق: فرد - یکتا - بی‌همتا

ب) کمند: طناب

ج) ضجه: شیون - ناله و فریاد با صدای بلند.

د) یال: گردن - موی گردن

ه) تزویر: ریا - دورویی - حیله - نیرنگ

ی) کاری: کشنده - مؤثر.

۶۴.

الف) بی‌وفایی - خیانت

ب) ته - عمق - پایین

ج) سرنیزه

۶۵. املاي کلمات نادرست:

درست

ایار ← عیار

درست

بهر ← بحر

درست

قدر ← غدر

۶۶. گروه‌های «صورت و تندی» و «حیله و تزویر» و «طاق و بی‌همتا» نادرست و شکل صحیح آنها «سورت و تندى» و «حیله و تزویر» و «طاق و بی‌همتا» است.

۶۷. الف) واژه «غصه» نادرست و شکل صحیح آن «قصه» است.

ب) واژه «ایار» نادرست و شکل صحیح آن «عیار» است.

پ) واژه «حول» نادرست و شکل صحیح آن «هول» است.

ت) واژه «قدر» نادرست و شکل صحیح آن «غدر» است.

۶۸. بس که زهر زخم‌ها کاریش

۶۹. مرد نقال: ترکیب وصفی / صدایش، نایش، سکوتش، دمش: ترکیب اضافی / حدیث آشنایش: ترکیب وصفی و اضافی

۷۰. هفت‌خوان - آن مرد - مرد گرمی - آن هریوه - هریوه خوب - هریوه پاک‌آیین - خوان هشتم (۷ مورد)

۷۱.

الف مروارید ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب داغ ← صفت مضاف‌الیه

تختی ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۷۲.

الف شیر استعاره از رستم / کوه استعاره از رستم

ب قصه راست می‌گوید: استعاره (تشخیص)

پ ضجه می‌بارید: استعاره (ضجه مثل باران در نظر گرفته شده است).

۷۳. تشبیه آرایه مشترک هر سه گزینه است.

۱) لبخندش کلید گنج مروارید ← تشبیه

۲) نگاه مثل خنجر ← تشبیه

۳) چاهسار گوش ← تشبیه

۷۴. سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد: استعاره (تشخیص) / بیداد کردن سرما کنایه از سرمای بسیار شدید / دی مجاز از زمستان / چه سرمای: تکرار

۷۵.

الف مانند کردن «زهر شمشیر و نیزه» به «آب چاه»: تشبیه

ب مانند کردن «همگنان به صدف» و مانند کردن «مرد نقال به مروارید»: تشبیه

پ مانند کردن «دم» به «حدیث آشنا»: تشبیه

ت مانند کردن هیچ به پوچ: تشبیه

ث مانند کردن نگاه به خنجر: تشبیه

۷۶.

الف قصه می‌گوید: استعاره (تشخیص) / سخت: ایهام تناسب (به معنی بسیار است و در معنی دشوار با «سهل و آسان» تناسب و تضاد ایجاد می‌کند) / نابرابر (۱- نامرد ۲- برادر ناتنی): ایهام / کمان، تیر: مراعات نظیر / با تیر دوختن کنایه از کشتن

ب «تیرگی بیرون» و «گرم بودن و روشن بودن شرم»: حس آمیزی / مانند کردن «بیرون» به «ترس»: تشبیه /

مانند کردن «قهوه‌خانه» به «شرم»: تشبیه / گرم، شرم: جناس ناهمسان / «تیره، روشن» و «گرم، سرد»: تضاد

پ خون گرم بودن کنایه از صمیمی و مهربان بودن / گرم (۱- صمیمی ۲- گرم): ایهام / آتشین پیغام: حس آمیزی و تشبیه
۷۷.

الف تشخیص ← ای میهن / مجاز ← تار و پود / کنایه ← لبریز بودن از عشق / تناسب ← تار و پود

ب تشخیص ← ای میهن / تشبیه ← دشت دل / استعاره ← این زیبا زمین / واج آرایبی ← ن - ز / تناسب ← دشت و گیاه و گل
۷۸.

الف اضافه تشبیهی

ب حس آمیزی

پ استعاره (تشخیص)

ت اضافه تشبیهی

ث حس آمیزی

ج حس آمیزی

چ اضافه تشبیهی

۷۹.

الف «الف» کلید گنج مروارید: استعاره از لیخند / «گنج مروارید، استعاره از دندان‌ها

ب «همگنان به صدف» و «نقال به مروارید» تشبیه شده‌اند. «به کردار، ادات تشبیه و «گرد بر گرد بودن» وجه شبه است.

پ «دهان خوان هشتم»: تشخیص

ت «یادهای روشن»: حس آمیزی

۸۰. ۱- سخنان جذاب راوی ← از پای تا سر گوش دریافت می‌شود.

۲- خوب گوش کردن مردم ← از پای تا سر گوش دریافت می‌شود.

۳- وجود فضای صمیمی و دوستانه

۸۱. در هر دو بیت به وجود عشق در همه اجزای بدن اشاره دارد. عشق در تار و پود و ذره‌های وجود حضور دارد.

۸۲. بی‌شرمی لازم برای کندن چنان چاهی را بیان می‌کند. بی‌شرمی کندن چاه مثل عمق آن بی‌انتهای و ناباورانه است.

۸۳. زادسرو: آزادسرو از بزرگ‌ترین روایانی بود که داستان‌های رزم رستم را به یاد داشت. / ماخ‌سالار: از روایان شاهنامه / هریوه: اهل هرات، هراتی / خوان هشتم: چاهی که رستم با نیرنگ شغاد در آن افتاد / ماث: مهدی

اخوات ثالث (سرواژه)

. ۸۴

الف

هرچند که بیرون مانند ترس، تاریک و سرد و بی‌روح بود، قهوه‌خانه (فضای داستان شاهنامه) که پناهگاه من بود، همانند شرم و پاکی، گرم و روشن بود.

ب

و با خود می‌اندیشید که نباید چیزی بگوید؛ از بس که این فریبکاری پست و بی‌شرمانه است، باید چشمش را ببندد تا چیزی از این دنیای فریب‌آلود نبیند.

پ

در ته چاه تاریک و پهناوری که در هر طرف آن، بر کف و دیوارهایش نیزه و خنجر کاشته شده بود، چاهی که نشانه فریبکاری نامردان و افراد پست و بی‌عاطفه بود؛ چنان چاهی که پهنای بی‌شرمی آن باورکردنی نبود و بسیار غم‌انگیز و شگفت‌آور بود.

. ۸۵

الف

آتش با آن گرمایی که دارد، از کلام من گرما‌گدایی کند. (مفهوم: طلب سوزناک بودن کلام و شعر از خداوند)

ب

خنده از لب‌های او (رستم) افتاد. (مفهوم: ناراحتی و غمگینی رستم از جفای نابردارش، شغاد)

. ۸۶

الف

همگی به هم مهربانی و محبت داشتند.

ب

کلامش مانند داستان‌های شاهنامه گرم و دلنشین بود.

پ

سخن من داستان درد و رنج مردم است و مبتنی بر واقعیت‌هاست و خیالی نیست.

ت

این سخنان من ابزاری برای سنجش محبت و دوستی جوانمردان و نامردی نامردان است.

. ۸۷

الف

این شعر من داستان دردها و بدبختی‌های جامعه است و سرنوشت دردمند مردی است که به خون سیاوش‌ها و سهراب‌ها و تختی‌ها آغشته شده است.

ب

شعر خوان هشتم بدون محتوا نیست که ظاهر ادبی و زیبایی داشته باشد بلکه سرشار از واقعیت‌هاست و بی‌ارزش نیست.

پ

رستم همیشه خنده به لب داشت چه روز دوستی و صلح و چه زمان جنگ که برای دشمن و نابودی آن قسم می‌خورد.

ت

ای میهن در دل به جز تو به کسی عشق و محبت ندارم، من این دلم را امتحان کردم و مطمئن شدم.

. ۸۸

الف

ای میهن تو مرا به وجود آوردی و با عشق مرا تربیت کردی، تمام وجودم فدای تو باد.

ب

ای میهن در مستی و هوشیاری و در خواب و بیداری (در هر حالتی) فقط به تو توجه دارم و عاشق تو هستم.

پ

رخش آن یار یکتای عزیز و آن بی‌همتا و بی‌ماند، رخس درخشنده ... داشت می‌مرد.

ت

از صدای مرد تقال ناله و زاری می‌آمد و نگاهش مثل خنجر تیز بود (بیانگر تفر از حيله).

. ۸۹

الف

لبخند نزد - نخندید

ب

مرگش نزدیک بود.

پ

ملی و حماسی بودن مطلب

۹۰ . بیت ب: که به سختی خوان هشتم و مرگ رستم اشاره دارد.
و رهایی از خوان هشتم (تزویر و ریا) سخت‌تر از خوان‌های دیگر است.

. ۹۱

الف

کشته شدن رستم به دست برادر ناتنی‌اش شغاد و داستان دردناک مرگ جوان‌مردان به دست حيله‌گران.

ب

زیرا وظیفه‌ای فراتر از شعر برای سروده خود قائل است.

پ

شعر واقعی باید محتوا داشته باشد و جوان‌مردان و ناجوان‌مردان را از هم جدا کند.

۹۲ . الف) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران

ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

ج) بود لبریز از عشقت وجودم؛ میهن ای میهن!

۹۳ . الف) «۲»: من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!

ب) «۱»: فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!

۹۴ . اعانت و یاری - صدر مجلس - زوال و نابودی - وجه زاد

۹۵ . در جمله اول، «عاشق» مسند است. آن کسی عاشق است که ...

در جمله دوم، «چون آتش» مسند است، مسند (از جنس متمم).

در ظاهر، «آتش» بعد از حرف اضافه «چون» به کار رفته است اما با توجه به نوع فعل جمله، «چون آتش» مسند است.

«چون» اگر به معنی مثل و مانند باشد، (حرف اضافه) ادات تشبیه محسوب می‌شود.

۹۶ . «ت» در مصرع اول متمم و در مصرع دوم مضاف‌الیه است:

بعد از این برای تو وادی حیرت آید. / کارت دائم درد و حسرت است.

۹۷ . «تا» در این بیت به معنی «زنهار» به کار رفته است و «شبه‌جمله» است.

مصرع دوم سه جمله دارد: «تا»، «پنداری» و «راهی کوتاه است».

. ۹۸

الف

درست

ب

درست

پ نادرست

ت نادرست

۹۹. آهو: نماد آزادی و بی‌گناهی / اسب: نماد نجابت و هوشیاری / جغد: نماد شومی و نحسی / بلبل: نماد عاشقی و دل‌باختگی / بوقلمون: نماد بی‌ثباتی و چندرنگی و ریاکاری / شیر: نماد قدرت و شجاعت / سیمرغ: نماد بلندپروازی، همت، دانایی / طوطی: نماد تقلید و سخن‌گویی

۱۰۰. گزینه «پ» درست است.

در بیت، تشبیه وجود ندارد.

تکرار: سی‌مرغ

جناس: ۱- سیمرغ ۲- زود، بود ۳- آن، این

استعاره: ۱- سیمرغ: سالکان ۲- سیمرغ: وجود حق تعالی

۱۰۱. گزینه «ب» درست است.

در این بیت، یک استعاره وجود دارد.

«بیابان» استعاره از وادی توحید است.

در گزینه «الف»، دو استعاره وجود دارد:

سایه: استعاره از موجودات

خورشید: استعاره از خداوند

در گزینه «پ»، دو استعاره وجود دارد:

آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: آتش (عشق) مانند آب است که انسان را در خود غرق می‌کند.

۱۰۲. «الف» مجاز ندارد.

در بیت «ب»، «روی»: مجاز از تمام وجود است.

در بیت «پ»، «مرد»: مجاز از انسان

در بیت «ت»، «آشکارا و نهان»: مجاز از همه پندگاران

۱۰۳. بلبل: کسانی که وابسته به زیبایی‌های زودگذر و ظاهری هستند.

باز: افراد جاه‌طلب که نمی‌توانند از جاه و مقام خویش بگذرند.

سیمرغ: خداوند

مرغان: انسان‌ها و ساکنان راه حق

۱۰۴

الف

هفته: مجاز از زمان کوتاه فرسنگ: مجاز از مسافت

ب

«راه»، استعاره از «عشق الهی» است.

۱۰۵ .

الف آتش استعاره از عشق / غرق آتش: اضافه استعاری (آتش به آبی تشبیه شده است که در آن غرق می‌شوند).

ب

بیابان استعاره از وادی توحید

پ

سایه استعاره از موجودات (که نمود و سایه خورشید حق تعالی هستند) / خورشید استعاره از وجود حق تعالی

ت

دریا استعاره از سیمرغ، عشق الهی / شبنم استعاره از بهشت

۱۰۶ . گزینه «الف» درست است.

بیت «ب»: غرق آتش شد: غرق کردن ویژگی آب است و این که آتش مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند، پارادوکس است؛ زیرا ویژگی آب را با آتش یکجا جمع کرده است.

بیت «پ»: دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است.

۱۰۷ . اشاره دارد به ماجرای رانده شدن انسان (آدم و حوا) از بهشت که به وسوسه شیطان از شجره ممنوعه خوردند و از بهشت به زمین رانده شدند و طاووس نیز مانند انسان اکنون خود را متعلق به این دنیا نمی‌داند و بهشت را جلوه‌گاه و جایگاه خود می‌داند.

۱۰۸ .

الف «شاه» و «راه»: جناس ناهمسان (ناقص)

ب

واج آرایی: تکرار صامت «ر»

پ

افسرده و یخ‌زده بودن دوزخ: متناقض نما (پارادوکس)

۱۰۹ . گزینه «پ» درست است. در این بیت، سیمرغ و سیمرغ: جناس تام است. بیت، تشبیه ندارد.

در گزینه «الف»، هفت دوزخ مثل یخ افسرده‌ای است: متناقض نما (دوزخ که جایگاه آتش است، همچو یخ منجمد است).

جنت و بهشت: تضاد

در گزینه «ب»، معرفت، وادی‌ای است: تشبیه (معرفت: مشبه، وادی: مشبه‌به)

بی‌پا و سر: کنایه از بی‌انتهای

در گزینه «ت»، صدر: مجاز از مقام / قدر و صدر: جناس

۱۱۰ . وادی عشق: تشبیه (عشق: مشبه، وادی: مشبه‌به)

آتش: استعاره از عشق

غرق آتش: استعاره (آتش مانند آبی است که انسان را غرق می‌کند).

مشبه مشبه‌به

مشبه‌به نیامده است؛ بنابراین این عبارت استعاره دارد.

غرق آتش: پارادوکس (غرق کردن، ویژگی آب است و آتش یا همان عشق، مانند آبی است که فرد را غرق می‌کند؛ بنابراین، چون ویژگی آب و آتش را یکجا جمع کرده است، پارادوکس است).
واج آرای: تکرار حروف «د» و «ش»
۱۱۱.

الف

آتش استعاره از عشق / غرق آتش: اضافه استعاری (آتش به آبی تشبیه شده است که در آن غرق می‌شوند. / تکرار صامت (د): واج آرای / غرق آتش عشق شدن کنایه از عاشق شدن

ب

مانند کردن هشت جنت به مرده: تشبیه / مانند کردن هفت دوزخ به یخ: تشبیه / اینکه هفت دوزخ مثل یخ، سرد و منجمد باشد: متناقض‌نما (پارادوکس) / مثل مرده‌ای بودن کنایه از بی‌ارزش بودن / هشت، هفت: جناس ناهمسان / جنت، دوزخ: تضاد و مراعات‌نظیر / هشت، هفت: مراعات‌نظیر
۱۱۲. بیت «الف» مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که برای رسیدن به کمال عشق، باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد.
اما مفهوم بیت صورت سؤال و دیگر گزینه‌ها این است که همه ذرات و پدیده‌های جهان نمودی از خدا هستند و وجود خداوند در ذات همه پدیده‌ها ساری و جاری است.
۱۱۳. خداوند در درون انسان است و انسان وجودی الهی و ارزشمند دارد (الهی بودن وجود انسان).

۱۱۴. الف) رها کردن این جهان و طلب کردن حقیقتی برتر از این جهان
ب) فنا شدن در راه عشق

۱۱۵. پاسخ گزینه «ب» است. مفهوم بیت تشریح راه سیر و سلوک و طولانی شدن زمان و مسیر حرکت و رسیدن تعداد کمی از پرندگان (سالکان) به پیشگاه سیمرغ (خداوند) است؛ اما مفهوم دیگر گزینه‌ها بیان کثرت آثار و پدیده‌ها در عین واحد بودن حقیقت است و پدیده‌های متعدد را جلوه‌ای از وجود یگانه حضرت حق می‌داند.

۱۱۶. بیت صورت سؤال و بیت «الف» از «بی‌نامه» به سختی‌های راه عشق و خطرناک بودن مسیر آن اشاره دارند. اما بیت «ب» به مفهوم گذشتن از خواسته‌های نفسانی برای رسیدن به خداوند اشاره دارد.

۱۱۷.

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر دو بیت به این مسئله اشاره دارند که راه و راز عشق را تنها عاشق دلسوخته و شجاع درمی‌یابد؛ زیرا راه عشق راه پرخوف و پرخطری است.

۱۱۸. دشوار و پرخطر بودن راه عشق.

۱۱۹.

الف

فنا شدن در راه عشق؛ وادی فقر و فنا

ب

چیزی برتر از این جهان را طلب کردن؛ وادی طلب

پ

همه چیز را از خداوند دیدن؛ وادی توحید

- ۱۲۰ . وجود الهی و ارزشمند انسان و یافتن خداوند در درون خود.
- ۱۲۱ . دشواری راه- وجود ترس از مشکلات یا علاقه به تعلقات مادی
- ۱۲۲ . کسی از راه عاشقی به سلامت برگشته است و این راه، راهی بس خطرناک است.
- ۱۲۳ . اتحاد عاشق و معشوق
- بیت سه جمله دارد؛ «والسلام» شبه جمله است و یک جمله به حساب می آید.
- ۱۲۴ . تجرید: خالی شدن قلب سالک از آنچه غیر خداست.
- ۱۲۵ . تجرید
- ۱۲۶ . حیرت - عشق
- ۱۲۷ . (۱) طلب (۲) عشق (۳) معرفت (۴) استغنا (۵) توحید (۶) حیرت (۷) فقر و فنا
- ۱۲۸ . «باز» که علاقه مند به پادشاهان و هم نشینی با آن هاست.
- ۱۲۹ . صد هزاران سایه جاوید: استعاره از همه موجودات
- یک خورشید: استعاره از خداوند
- ۱۳۰ . الف) وادی هفتم (فقر و فنا)
ب) وادی اول (طلب)
- ۱۳۱ . وادی سوم «معرفت» است که بعد از آن وادی استغنا است.
- ۱۳۲ . خورشید: استعاره از خداوند
ذره: استعاره از خواسته های کوچک
- ۱۳۳ . بیت صورت سؤال به وادی چهارم (استغنا) اشاره دارد و با توجه به این که وادی پنجم، وادی «توحید» است، گزینه «ب» مربوط به این وادی است.
اما بیت «الف» به محو شدن موجودات و سایه ها در برابر خورشید وجود خداوند و وادی «فنا» اشاره دارد.
- ۱۳۴ . توحید. سر از یک گریبان بر کردن: کنایه از به وحدت و یگانگی رسیدن
- ۱۳۵ . الف) فقر و فنا
ب) استغنا
پ) توحید
- ۱۳۶ . الف) وادی فقر و فنا
ب) استغنا
پ) توحید
ت) طلب
- ۱۳۷ . الف) ۳
ب) ۴
پ) ۶

ت) ۱

ث) ۵

ج) ۲

۱۳۸.

الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است

وادی فقر و فنا: از خود فانی شدن و ترک تعلقات دنیایی شرط رسیدن به وصال است.

ب) دل چه بندی در این سرای مجاز؟ همت پست کی رسد به فراز؟

وادی استغنا: کسی که دل‌بسته تعلقات دنیایی و نیازمند به آنها است، نمی‌تواند به کمال برسد. (سرای مجاز: استعاره از دنیا)

پ) چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار

وادی توحید: به وحدت وجود اشاره دارد و این که وجود حقیقی فقط از آن خداوند است و همه موجودات جلوه‌ای از وجود حقیقی او هستند.

۱۳۹.

الف

مرجع ضمیر «آن»، وادی «عشق»، و مرجع ضمیر «این»، وادی «توحید» است.

ب

وادی «معرفت»، وادی سوم و وادی «حیرت»، وادی ششم است.

۱۴۰.

الف

وجود همه چیز را از خداوند دانستن. (جاری بودن وجود خداوند در همه پدیده‌ها)

ب

یادآور وادی توحید هستند.

۱۴۱.

الف

شتر سخنان گرگ و روباه را به آن شکل شنید.

ب

خوراکی و غذای راهشان تنها به مقدار یک قرص نان بود.

پ

من آن شب در آنجا حضور داشتم و برای شما چراغ نغمه‌می‌داشتم و به مادرت کمک می‌کردم.

ت

کسی که بتواند به خورشید (خداوند) رازهای خود را بگوید، هیچ وقت از رسیدن به ذره (خواسته‌های کوچک) باز نمی‌ماند (اکتفا نمی‌کند).

ث

عاشق، کسی است که مانند آتش، تیزرو (سریع)، سوزان و سرکش (مهارنشدنی) باشد.

ج

وقتی که از این بیابان (وادی توحید) عبور کنند، همه با هم یکی می‌شوند (به وحدت و یگانگی می‌رسند).

چ

در این مرحله (وادی استغنا)، هشت طبقه بهشت مانند مرده‌ای (بی‌ارزش) است و هفت طبقه جهنم مانند یخ، سرد و بی‌حرکت است.

ح

وقتی که آن سی پرنده به دقت نگاه کردند، زود متوجه شدند که قطعاً این سی مرغ (خودشان)، همان سیمرغ بود.

خ

برای پیمودن این راه، مردی شجاع و نیرومند لازم است؛ زیرا این راه (مسیر عرفان و خداشناسی)، طولانی و پر خطر است. (موانع و سختی‌های بسیار دارد).

۱۴۲ . همگی به وحدت و یگانگی می‌رسند.

۱۴۳ . الف) بلبل ب) باز پ) طاووس

۱۴۴ . الف) یا طلب

ب) با فقر و فنا

۱۴۵ . الف) فنا (وادی هفتم)

ب) توحید (وادی پنجم)

۱۴۶ .

الف

محمد بهمن بیگی

ب

سندبادنامه

۱۴۷ .

الف

حالت انسان که در اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بیفتد.

ب

سازه‌های چرخان که روی تانک قرار دارد و به کمک آن، می‌توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

پ

سختی، عذاب.

ت

زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل.

ث

به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوالپرسی کردن.

ج

پیشانی.

چ

رای‌زنی، مشورت، نظرخواهی.

ح

ساختگی.

خ

طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

د

شگون / میمنت، خجستگی و مبارکی، چیزی را به فال نیک گرفتن.

۱۴۸ . سه واژه:

۱ - استشاره: رأی‌زنی، مشورت، نظرخواهی

۲ - بذله: شوخی، لطیفه

۳ - به انضمام: به ضمیمه، به همراه

۱۴۹ . نظرخواهی: بیت «ب» ← واژه «استشاره»

خجستگی: بیت «الف» ← واژه «شگون»

ارتقا یافتن: بیت «پ» ← واژه «ترفع»

۱۵۰. در این متن، املاي شش واژه نادرست است. این واژه‌ها و املاي درست آنها عبارت است از:

- ۱ - خاست ← خواست
- ۲ - غیر مترقبه ← غیر مترقبه
- ۳ - سیاست‌گذاری ← سیاست‌گزاري
- ۴ - نمی‌گذارم ← نمی‌گذارم
- ۵ - اسرار ← اصرار
- ۶ - امتناء ← امتناع

۱۵۱. املاي چهار واژه نادرست است. این واژه‌ها و املاي درست آنها عبارت‌اند از:

- ۱ - امتناء و خودداری ← امتناع و خودداری
- ۲ - بهبوحه بخوربخور ← بحبوحه بخوربخور
- ۳ - محضوظ و برخوردار ← محظوظ و برخوردار
- ۴ - بزه و شوخي ← بذله و شوخي

۱۵۲. طاق و سقف محذب - خورد رفتن و ساییده شدن - غلیان و جوشش

۱۵۳. در جملهٔ «فردای آن روز دسته‌ای دیگر»، فعل «بیایند» به قرینهٔ «بیایند» در جملهٔ پیشین (یک روز یک دسته بیایند)، حذف شده است؛ بنابراین، چون لفظ «بیایند» به خاطر وجود قرینه و مشابه آن، حذف شده است، به این نوع حذف، اصطلاحاً «حذف به قرینهٔ لفظی» می‌گویند.

۱۵۴.

الف دو مورد: ولی، اما

ب مضاف‌الیه

پ دو جملهٔ مستقل مرکب:

۱- من تخلص را از زواید و از جملهٔ رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد.

جملهٔ هسته (پایه) جملهٔ وابسته (پیرو)

۲- خوش ندارم که زیاد استعمال کنم: (حرف پیوند که نقش‌نمای جملهٔ وابسته (پیرو) است، در جمله نیامده است).

جملهٔ هسته (پایه) جملهٔ وابسته (پیرو)

۱۵۵.

الف اتومبیل ، مزاحم آقایان بشویند، چیزها ، نمره
مفعول برای فعل (فرستاده بودند) مفعول برای فعل (خواستند) مفعول برای فعل (گفتند) مفعول برای فعل (خواستند)

ب یازده واژه در نقش مضاف‌الیه آمده است.

وزیر داخله، اتومبیل خود، مزاحم آقایان، اهل مجلس، خوش‌مشرابی او، فضل او، کمال او، دعوت ایشان، مجالس خود، نمرهٔ تلفن، تلفن او
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۱۵۶.

الف فعل «می‌دانم» به معنی «می‌پندارم» است و به جز نهاد، به «مفعول و مسند» نیاز دارد.

من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی که باید متروک گردد، می‌دانم
نهاد مفعول مسند فعل

ب پنج جمله دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم.
- ۲ - که باید متروک گردد.
- ۳ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم.
- ۴ - اما خوش ندارم.
- ۵ - زیاد استعمال کنم.

پ سه جمله مستقل دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد. (یک جمله مستقل مرکب)
- ۲ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم. (یک جمله مستقل ساده)
- ۳ - اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. (یک جمله مستقل مرکب)

۱۵۷

الف یک مورد: این (این آشنا)، آقا (آقای استادی)

ب من (مرا)، فلانی (ضمیر مبهم)، خود، تَش،

۱۵۸. شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.

یک جمله مستقل ساده حرف پیوند یک جمله مستقل ساده

همپایه ساز

من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد ولی کلمه استاد را اختیار کردم

جمله (پایه) هسته حرف پیوند جمله وابسته (پیرو) حرف پیوند یک جمله مستقل ساده

وابسته‌ساز همپایه ساز

یک جمله مستقل مرکب...

به اصرار یکی از ادیبان کلمه استاد را اختیار کردم اما خوش ندارم

یک جمله مستقل ساده حرف پیوند یک جمله مستقل ساده

همپایه ساز

خودت بهتر می‌دانی که در این شب عیدی مالیّه از چه قرار است.

جمله هسته (پایه) حرف پیوند جمله وابسته (پیرو)

وابسته‌ساز

یک جمله مستقل مرکب

بگذار سماق بپزند (حرف پیوند وابسته‌ساز که / تا حذف شده است).

جمله هسته جمله وابسته

(پایه) (پیرو)

یک جمله مستقل مرکب

هرگز دیده نشده که نصف غاز را سر سفره بیاورند.

جمله هسته (پایه) حرف پیوند جمله وابسته (پیرو)

وابسته‌ساز

یک جمله مستقل مرکب

۱۵۹. گزینۀ «پ»: «با تمام نیرویی که داشت می‌دوید. هر از گاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد».

۱۶۰

| (مفهوم) | (کنایه) |
|--------------------------|------------------------------|
| بی‌اختیار شدن | ۱ - مثل فنر در رفتن |
| ناراحت نشدن | ۲ - خم به ابرو نیاوردن |
| تعجب کردن | ۳ - شاخ در آوردن |
| انتظار بیهوده کشیدن | ۴ - سماق مکیدن |
| بدون چون و چرا | ۵ - بی برو برگرد |
| حواس جمع بودن | ۶ - سر توی حساب بودن |
| ناراحت شدن | ۷ - چین به صورت انداختن |
| اصرار نکردن | ۸ - این یک دم را خوش نخواندن |
| انجام کاری مفید برای خود | ۹ - گل به سر خود زدن |
| انتظار کشیدن | ۱۰ - ساعت‌شماری کردن |
| چه کار کردن؟ | ۱۱ - چه خاکی به سر ریختن؟ |
| ناتوان | ۱۲ - بی‌دست و پا |

۱۶۱ .

الف دیگران ← مشبه/ به جان غاز افتادند ← وجه‌شبه

ب کلکش را کندند (کلک چیزی را کندن)

پ به طور کامل خوردن غاز، طوری که هیچ بخشی از غاز باقی نمانده بود.

ت کنایه از زمان کوتاه

۱۶۲ . در این متن، پنج کنایه به کار رفته است:

برو برگرد نداشتن ← بدون چون و چرا و بدون بحث بودن

دست و پا کردن ← تهیه کردن/ فراهم کردن

کشف آمریکا ← انجام کار سخت و دشوار

شکستن گردن رستم ← انجام کار سخت و دشوار

کاری از دست کسی ساخته شدن ← کاری را به انجام رساندن

۱۶۳ . «ت» درست است.

۱ - این مقدر از دستش ساخته است ← یعنی این قدر توانایی انجام کار را دارد.

۲ - چند مرده حلاجی ← یعنی چقدر توانایی داری؟ میزان توانایی خود را نشان بده.

۳ - متکلم‌وحده شده است ← یعنی به دیگران اجازه سخن گفتن نمی‌دهد. معادل «نوک جمع را چیده است».

۱۶۴ .

الف چقدر توانایی داشتن

ب خیره شدن

۱۶۵ .

الف به خود وعده دادن/ خود را آماده خوردن نمودن

ب انتظار بیهوده کشیدن

- پ) توبه کردن از انجام دوباره کاری / پشیمان شدن
- ت) او را تنبیه کردن
- ث) فهمیدن / متوجه اوضاع و احوال خود شدن
- ج) ترس و ضعف خود را نشان ندادن
- چ) متوجه شدن
- ح) کاری را به درستی انجام دادن

۱۶۶. گزینه «ب» درست است.

شیء عَجَاب ← تلمیح به آیه ۵ / سورة ص: (إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ).

گردنش مثل گردن همان غاز مادرمرده‌ای بود ← تشبیه

مرد حسابی ← کنایه

۱۶۷. بیت الف مفهوم متفاوت دارد؛ به این معنا که «نباید به ظالم فرصت ظلم داد و به او ترحم کرد».

مفهوم ابیات «ب و پ» یادآور ضرب‌المثل «از ماست که بر ماست» است و ریشه تمام بدبختی‌ها را در خود انسان جست‌وجو می‌کند.

۱۶۸. از آیه شریفه و بیت سنایی، این مفهوم مشترک برداشت می‌شود که «فاعل حقیقی همه کارها خداوند است. همه کارها به اذن و خواست خداوند انجام می‌شود».

* توضیح آیه چنین است ← خطاب به مسلمانان در جنگ می‌گوید: و تیر نینداختی هنگامی که انداختی؛ بلکه خداوند تیر انداخت.

* توضیح بیت چنین است ← انجام هر کاری از خداوند است و از ارکان (اعضای بدن و پدیده‌ها) نیست.

نسبت دادن کارها به اعضای بدن درست مانند این است که خطی را که زائیده خرد نویسنده است، به انگشتان دست نسبت بدهیم و این نشانه سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی است.

۱۶۹. ابیات «الف»، «ب» و «پ» به مفهوم «اندیشیدن پیش از سخن گفتن» اشاره دارند؛ زیرا سخنی که گفته شود، قابل جبران نیست.

بیت «ت» به مفهوم «به موقع سخن گفتن» اشاره دارد.

۱۷۰. تحلیل: در متن روان‌خوانی، رزمندگان با دید اسلامی و انقلابی خود، همه چیز را از خدا می‌دانستند و راه خود را راه خدا می‌دانستند؛ بنابراین، متن روان‌خوانی با آیه قرآن و بیت بالا تناسب

مفهومی دارد.

۱۷۱.

الف) باید در این موقع به خوبی از آنها پذیرایی کنی.

ب) فقیر و بی‌نوا و ضعیف و بی‌عرضه و بسیار زشت بدقیافه.

پ) شب عید نوروز بود و موقع بالا رفتن رتبه و مقام.

ت) فقط همان مقامات بالا را دعوت کن و بقیه را فعلاً نادیده بگیر و بگذار که بیهوده انتظار بکشند.

ث در پرحرفی و شوخی و بذله‌گویی، همه را به سکوت واداشته بود و تنها گویندهٔ مجلس و سخنگوی بی‌رقیب شده بود.
 ج به من ربطی ندارد. ماشاءالله، بلا به دور، پس‌عموی خود تو است. هر کاری می‌کنی، به خاطر خودت می‌کنی.
 چ یکی از حاضران که ادعای شعر و ادب داشت، آن‌چنان خوشحال و بهره‌مند شده بود که جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید.
 ح تمام توجه و هوش و حواسم به مصطفی است که مبادا بوی غاز او را از خود بی‌خود بکند و اختیارش را از دست بدهد.
 خ پیرمرد قوی‌هیکل (منظور سهراب، گویندهٔ این جمله است.) مفیدتر است. همان‌طوری‌که هر دو صورت مرده و زندهٔ فیل به خاطر عاجش ارزشمند است، انسان ارزشمند نیز در هر شرایطی (خوب یا بد، مرده یا زنده) ارزشمند است.

د گفتند: سهراب، کارت را خیلی درست انجام دادی. (بای‌والله، شبه‌جمله است و برای تأیید کار کسی به کار می‌رود).

۱۷۲.

الف تضمّن

ب تناسب

پ ترادف

ت تضاد

۱۷۳.

الف نبرد: جنگ، کارزار

ب سرحد: مرز، کرانه

پ اکتفا کردن: بسنده کردن، کافی شمردن

ت ذی‌حیات: دارای حیات، زنده، جاندار

درست

۱۷۴. گزینهٔ «ج»: وجح ← وجه

۱۷۵. ۱- گذارم ۲- غایی (به معنای نهایی و آخرین) ۳- حوزهٔ ۴- بغض

۱۷۶. گزینهٔ «۱»: در این گزینه غلط املائی وجود ندارد.

بررسی نادرستی‌های املائی در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «زی‌حیات» نادرست و شکل صحیح آن «ذی‌حیات» است.

گزینهٔ «۳»: «گزارم» نادرست و شکل صحیح آن «گذارم» است.

گزینهٔ «۴»: «قایی» نادرست و شکل صحیح آن «غایی» است.

۱۷۷ .

الف

که آتش از آن گرمی (را) گدایی کند.
مفعول

۱۷۸ .

الف

شباهت (این روستا خانه‌هایی شبیه کندو دارد).

ب

حالت (صفت فاعلی)

پ

زمان

ت

مکان

ث

«ان» پسوند نیست و قسمتی از واژه است.

ج

جمع

چ

منسوب به جان (نسبی)

ح

حالت (صفت فاعلی)

خ

منسوب به سیاوش (نسبی)

۱۷۹ . گزینه «ب»

۱۸۰ .

کاویان: پسوند نسبت، یعنی منسوب به کاوه
گیلان: پسوند مکان، یعنی محل حضور گیل‌ها
نالان: پسوند حالت، یعنی در حال ناله کردن
پاییزان: پسوند زمان

بامدادان: پسوند زمان، یعنی زمان بامداد
ماهان: پسوند شباهت، یعنی همچون ماه
سپاهان: پسوند مکان، یعنی محل حضور سپاهی‌ها
دوندگان: پسوند جمع
بانوان: پسوند جمع

۱۸۱ .

الف

چهار جمله: نان را از من بگیر (۱) / اگر می‌خواهی (۲) / هوا را از من بگیرد (۳) / اما خندهات را نه [نگیر] (۴)

ب

سه جمله: خندهات که رها می‌شود (۱) / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید (۲) / تمامی درهای زندگی را به رویم می‌گشاید (۳)

پ

سه جمله: اگر دیدی (۱) / به ناگاه خون من بر سنگفرش خیابان جاری است (۲) / بخند (۳)

ت

سه جمله: چو گل هر جا که لبخند آفرینی (۱) / به هر سو رو کنی (۲) / لبخند بینی (۳)

ث

دو جمله: چه خوش فرمود آن پیر خردمند (۱) / وزین خوشتر نباشد در جهان پند (۲)

ج

یک جمله: از هم اکنون، در این سفر دور و دراز، ستارگان را با درخشندگی جاودانی خود می‌بینم (۱)

چ

سه جمله: ای مسافر (۱) / بایست (۲) / با چنین شتاب به کجا می‌روی (۳)

ح

سه جمله: اوه (۱) / بایست (۲) / بیهوده رنج سفر بر خویش هموار مکن (۳)

خ

سه جمله: اوه (۱) / بایست (۲) / برای تو بیش از این اجازه سفر نیست (۳)

۱۸۲ . نان مجاز از روزی و غذا / هوا مجاز از آزادی و زندگی / خنده مجاز از شادمانی و سرور

۱۸۳ .

الف «نان»: مجاز از خوراک؛ «هوا»: مجاز از نفس کشیدن

ب «تاریک‌ترین لحظه‌ها»: حس آمیزی

پ «کشتی تندرو خیال»: تشبیه («خیال»: مشبّه؛ «کشتی تندرو»: مشبّه‌به)

۱۸۴ . شکفتن خنده و عشق: استعاره / پاییز نماد ناامیدی و سردی / دریا نماد عظمت و بزرگی / برافراشتن موج کف آلوده کنایه از دور کردن سختی‌ها و غم‌ها و به شادی و نشاط رسیدن / دریا، موج، کف: مراعات‌نظیر

۱۸۵ .

الف «می‌گشایم، می‌بندم» - «می‌روند، باز می‌گردند»: تضاد

ب نان مجاز از غذا و روزی / هوا مجاز از زندگی و آزادی / روشنی مجاز از آگاهی / بهار مجاز از شادابی / خنده مجاز از شادی و سرور

پ چشم از دنیا بستن کنایه از مردن

۱۸۶ . خنده، رنج را از بین می‌برد و تلخی‌ها را به شادی تبدیل می‌کند و زندگی‌بخش و زیباست.

۱۸۷ .

الف تکراری نشدن و تازه ماندن عشق و عاشقی در همه دوران

ب ارزش بالای شادی در از بین بردن غم‌ها

۱۸۸ . حافظ

۱۸۹ . میهن‌دوستی

۱۹۰ .

الف نعمت‌های دنیوی قابل‌چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن است؛ اما عاشق نمی‌تواند محبت و عشق معشوق را نادیده بگیرد.

ب منظور از نبردی سخت، مشکلات و گرفتاری‌های زندگی است که خنده معشوق می‌تواند همه آنها را از یاد عاشق ببرد.

۱۹۱ .

الف معشوق من، خنده تو در غم‌انگیزترین لحظه‌ها آشکار می‌شود.

ب ستارگان را می‌بینم که راه هزاران ساله را درون آسمان‌ها طی می‌کنند تا به مقصد نهایی سفر خود برسند.

پ می‌خواهم به آنجایی بروم که خداوند آن را مرز دنیای آفرینش قرار داده است و دیگر در آن، هیچ جاننداری وجود ندارد.

ت ای خیال بلندی‌خواه من، مانع پرواز بال‌های عقاب‌مانند خود شو. (بلندپروازی را رها کن.)

۱۹۲ . گل سرخ نماد عشق به وطن / سوسن نماد لیخند و شادمانی

۱۹۳ . نزد انسان‌های آگاه شادی یک گنج محسوب می‌شود که شایسته شادمانی باشد.

۱۹۴ .

- الف** ترجیح شادمانی بر همه چیز / شادمانی موجب ادامه حیات
- ب** آرزوی نشاط جاودانی و زیبایی برای کشور
- پ** لبخند و شادمانی موجب از بین رفتن غم‌هاست / جاری بودن نشاط در سختی‌ها
- ت** حیات‌بخش بودن نشاط و شادمانی
- ث** نبرد بی‌نتیجه انسان با دنیای بدون دگرگونی
- ج** ارزشمندی عشق، نشاط و لبخند
- ۱۹۵ .
- الف** یوهان کریستف فریدریش شیلر
- ب** پابلو نرودا
- ۱۹۶ .
- الف** تضمّن
- ب** ترادف
- پ** تضاد
- ت** تناسب
- ۱۹۷ .
- الف** کافی، بسنده
- ب** ویژگی خطی که درشت و واضح باشد و از دور دیده شود.
- ۱۹۸ .
- الف** مخیله: خیال، قوه تخیل، ذهن
- ب** رعب‌انگیز: ترسناک، هراس آور
- پ** ستبر: بزرگ، ضخیم
- ت** مقهور: مغلوب، شکست‌خورده
- ث** غرس: نشاندن و کاشتن درخت و گیاه
- ج** روایی: ارزش، اعتبار
- ۱۹۹ . گروه کلمات «معمور نامه‌رسانی»، «مدارس این نواهی»، «صدای رثا» و «مغلوب و مقهور، نادرست و شکل صحیح آنها «مأمور نامه‌رسانی»، «مدارس این نواحی»، «صدای رسا» و «مغلوب و مقهور» است.
- ۲۰۰ .
- الف** «هر: صفت مبهم، وابسته پیشین - روز: هسته - ذکر: هسته، واحد: وابسته پسین، صفت
- ب** نام: هسته - زیبا: وابسته پسین، صفت بیانی - تو: وابسته پسین، مضاف‌الیه

پ نخستین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - احساس: هسته - عشق: وابسته پسین مضاف‌الیه

ت «هر»: صفت مبهم، وابسته پیشین - خبر: هسته - ملال‌انگیز: وابسته پسین، صفت بیانی

ث «همان»: وابسته پیشین، صفت اشاره - چوب: هسته - رعب‌انگیز: وابسته پسین، صفت بیانی

ج آموختن: هسته - زبان: وابسته پسین مضاف‌الیه - مَلّی: وابسته پسین: صفت بیانی

چ آخرین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - درس: هسته - زبان: وابسته پسین، مضاف‌الیه - ملی: وابسته پسین، صفت بیانی - من: وابسته وابسته، مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ح «همین»: وابسته پیشین، صفت اشاره - آخرین: وابسته پیشین، صفت شمارشی - روز: هسته - درس: وابسته پسین، مضاف‌الیه

۲۰۱. ان جمع: کوهساران - نیزه‌داران - مغولان - اختران - افسران
ان صفت‌ساز و حالت: سینه‌مالان - لرزان - خروشان - روان - رقصان
* دقت کنید «ان» در واژه «گران» جزئی از واژه است.

۲۰۲. در هر دو مورد فعل حذف شده است.

۱- حذف فعل به قرینه لفظی است. تو از آن منی و من از آن تو (~~هستم~~)

۲- حذف فعل به قرینه معنوی است. امروز خورشید در دشت آینه‌دار من و تو (~~است~~)

۲۰۳

الف دو گروه اسمی مفعولی: ۱- عشق من ۲- سجایای ارزشمند تو

ب حذف فعل به قرینه لفظی در جمله: چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است، یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن (مانند ~~است~~) .
حذف فعل به قرینه لفظی

۲۰۴

الف سرود / زبان

ب خاک / وداع

پ اثنا

ت دل

ث راه

۲۰۵

الف «شعر»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه: «خود»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب «این»: صفت مضاف‌الیه

پ «این» و «آخرین»: صفت مضاف‌الیه: «درس»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ت «سربازان»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه: «بیگانه»: صفت مضاف‌الیه

۲۰۶.

الف) گدایی کردن آتش: استعاره

ب)

جبین دل: اضافه استعاری

پ)

پرتو استعاره از بصیرت و بینش

۲۰۷.

الف)

دل به دریا زدن: کنایه از کنار گذاشتن ترس و وحشت

ب)

چشم داشتن: کنایه از توقع و انتظار چیزی را داشتن

۲۰۸.

الف)

حرف، مجاز از سخن

ب)

ده، مجاز از اهالی ده

پ)

درس، مجاز از کلاس درس

ت)

سینه، مجاز از وجود

ث)

دل مجاز از انسان / آب و گل مجاز از اجزای سازنده انسان

۲۰۹. «با لطف و نرمی گفت، آرایه حس آمیزی دارد.

۲۱۰. «ده؛ مجاز از مردم ده؛ خوابی برای کسی دیدن؛ کنایه از نقشه کشیدن برای او؛ «با نرمی گفتن؛ حس آمیزی

۲۱۱. تو از آن منی و من از آن تو

۲۱۲. مقصود از راه پیچ در پیچ در این بیت، دشواری‌ها و خطرات موجود در راه عشق است که فقط عنایت خداوندی است که می‌تواند رهرو را به سلامت به منزل برساند.

۲۱۳. نفس گرفت یعنی اندکی استراحت کرد و نفسی تازه کرد.

۲۱۴.

الف)

هر کس که سوز عشق نداشته باشد، از انسانیت به دور است. انسان بی‌خبر از عشق، تنها از جسم مادی برخوردار است و از روح انسانیت بی‌بهره است.

ب)

سخن را با برخورداری از عشق آنچنان تأثیرگذار کن که حتی آتش با آن همه سوزناکی از آن، گرما را گدایی کند.

پ)

نشانی از عشق را بر پیشانی دلم بگذار و دلم را عاشق کن و به زبان من قدرت بیان آتشین و تأثیرگذار ببخش.

ت)

فکر و اندیشه من مانند راهی تاریک است که هیچ روشنایی در آن نیست. خدایا از تو می‌خواهم تا با لطف خود نوری به اندیشه من ببخشی.

ث)

اگر لطف تو به اندیشه من نور و بصیرتی بخشد، هیچ بهره‌ای از فکر و گنجینه معرفت نخواهم داشت.

ج در این راه بسیار سخت عشق و امیدواری، جز لطف و عنایت تو چیز دیگری نمی‌خواهم.
۲۱۵

الف هر روز باید ذکر یگانه‌ای را بارها بخوانم و آنچه را قدیمی است کهنه به شمار نیاورم: «که تو برای من هستی و من برای تو هستم».

ب خداوندا، وجودی سرشار از عشق به من عطا کن و آن دلی قرار بده که سراسر سوز عشق باشد.

پ باطنی پر از رنج عشق به من عطا کن، دلی که سراسر درد عشق باشد.

۲۱۶ . غزلواره‌ها: شکسپیر / ارمیا: رضا امیرخانی / مسافر: فردریش شیللر / کباب‌غاز: محمدعلی جمالزاده / قصه‌های دوشنبه: آلفونس دوده / هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه: پایلو نرودا (ریچارد باخ و فریدون مشیری اضافی است).

۲۱۷

الف آلفونس دوده

ب شکسپیر

